



تاریخ اجتماعی ورامین
درد و ره قاجاریه
محمّد امینی



دورنمای ورامین

دورنمای ورامین

تاریخ اجتماعی ورامین، دوره فاجاریه

م ۱

نمبران

۱

۲

۳

تاریخ اجتماعی ورامین

در

دوره قاجاریه

اسکن شد

محمد امینی

- ☐ نام کتاب: تاریخ اجتماعی ورامین در دوره قاجاریه
- ☐ مؤلف: محمد امینی
- ☐ نوبت چاپ: چاپ اول خرداد ماه ۱۳۶۸ ه. ش
- ☐ تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه
- ☐ چاپ و صحافی: شرکت افست «سهامی عام» (چاپخانه ۱۷ شهریور)

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	مقدمه:
	گفتار اول:
۹	نظری باوضاع جغرافیایی ورامین
	گفتار دوم:
۱۴	نگاهی گذرا به اوضاع ورامین از ابتدا تا انقراض دولت صفوی
۱۵	اوضاع ورامین مقارن حمله افغانها به ایران
	گفتار سوم:
۱۸	اوضاع ورامین بعد از خروج افغانها از ایران
	گفتار چهارم:
۲۰	نسب قاجارها و زمان کوچ آنها به ورامین
۲۱	حرکت آقامحمدخان از شیراز به ورامین
	گفتار پنجم:
۲۵-۲۶	ورامین در دوره مشروطه - شیخ محمود و مشروطه
۲۲-۲۳	حاج حسن خان قرچکی و مشروطه - اقبال الدوله
۲۴	شرکت روستائیان در نهضت مشروطه
	گفتار ششم:
۳۷	جنگ ارشدالدوله با قوای دولتی در امامزاده جعفر (پیشوا)
	گفتار هفتم:
۴۶	اوضاع ورامین در اواخر قاجاریه و اوایل پهلوی
	گفتار هشتم:
۵۱	منطقه ورامین در دوره قاجار به چند بخش تقسیم میشده است
	گفتار نهم:
۵۴	وضع مالکیت اراضی در دوره قاجاریه
۵۵	منابع آب زراعی در این دوره
	گفتار دهم:
۵۸	اجاره بهای بعضی از روستاها در دوره قاجاریه
	گفتار یازدهم:
۶۲	پادشاهان قاجار بزرگترین مالکین ورامین شدند
	گفتار دوازدهم:
	روستاهاى خالصه در زمان ناصرالدین شاه - تعدادی از
۶۷	روستاهاى خالصه ورامین در سال ۱۲۹۷ ه. ق
	روستاهاى خالصه در اواخر دوره ناصری - نحوه اداره
۶۸	بهره برداری از روستاهای خالصه
	گفتار سیزدهم:
۷۲	رجال قاجار و املاک ورامین

	گفتار چهاردهم:
۷۷	املاك حاج میرزا آقاسی و کارهای عمرانی او در منطقه ورامین
۷۹	صورت قراء مزارع و اراضی خریدۀ شده بوسیله میرزا
	گفتار پانزدهم:
۸۴-۸۹	وضع عمومی روستاها در دوره قاجاریه-باغخواس-کریمخانی
	گفتار شانزدهم:
۹۱	خرابی روستاها و رکود کشاورزی
	گفتار هفدهم:
۹۴	جمعیت بعضی از روستاهای ورامین برحسب خانوار (در زمان ناصرالدین شاه)
	گفتار هیجدهم:
۹۶	نرخ بعضی از اجناس مورد نیاز مردم
	گفتار نوزدهم:
۹۷	مالیات و شیوه اخذ آن
	گفتار بیستم:
۱۰۲	محصولات کشاورزی
	گفتار بیست و یکم:
۱۰۴	تقسیم محصول غله بین مالك و زارع
	گفتار بیست و دوم:
۱۰۶	گندم ورامین و نان تهران
	گفتار بیست و سوم:
۱۱۰	آفت سن و مبارزه با آن
	گفتار بیست و چهارم:
۱۱۳-۱۱۵	عشایر ورامین - درگیریها و کشمکش عشایر - اداره عشایر
۱۱۷	بیلاق و قشلاق عشایر
۱۱۸	طوایف مختلف عشایر و تاریخ انتقال آنها به ورامین
	گفتار بیست و پنجم:
۱۲۲	اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهر ورامین در دوره قاجاریه
	گفتار بیست و ششم:
۱۴۲	غارث و تخریب آثار تاریخی در این دوره
	گفتار بیست و هفتم:
۱۵۰	ازدواج
	گفتار بیست و هشتم:
۱۵۳	نحوه رسیدگی به شکایات
	گفتار بیست و نهم:
۱۵۶	ناامنی و آشفتهگی وضع راهها
	گفتار سیام:
۱۵۸	سیاه کوه و اثر آن بر اوضاع اجتماعی ورامین
	گفتار سی و یکم:
۱۶۸	اسامی روستاهای ورامین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه:

دربارهٔ تاریخ و ضرورت یا عدم ضرورت مطالعه آن
نظریات گوناگون و بعضاً ضد و نقیض مطرح شده است.
بعضی آنرا خالی از هرگونه فایده و حتی پرداختن به آنرا
باعث غفلت از حال و آینده دانسته‌اند، عده‌ای نیز مطالعه
تاریخ را برای عبرت انسان‌ها لازم و گذشته را چراغی
فرا راه آینده دانسته‌اند.

بهر جهت آنچه در علوم اجتماعی از آن به فرهنگ
تعبیر میشود و اهمیت آن بر هیچ‌کس پوشیده نیست خود
ریشه در تاریخ دارد و شناخت فرهنگ هر منطقه خود مستلزم
شناخت تاریخ آن منطقه است.

گرچه در باره منطقه ورامین تاکنون چند اثر تاریخی
به چاپ رسیده که هر کدام در جای خود و از جنبه‌ای جالب
و دارای اهمیت است ولی این منطقه همچون سایر مناطق
کشور ما هنوز مسائل ناشناخته فراوان دارد. اثر حاضر
نیز نگاهی است گذرا بر اوضاع اجتماعی ورامین در دوره
قاجاریه دوره‌ای که در آن آثار هجوم استعمار را در
جای جای کشور عزیزمان ایران می‌توان دید. آنها علاوه
براینکه نفیس‌ترین آثار این سرزمین را در این دوره به
غارت بردند با تحمیل سیاست‌های ایران بر بادده خود

ضربات مهلکی بر کشور ما وارد کردند از طرف دیگر به جز چند نفر از رجال خوشنام که آنها نیز بعد از يك دوره کوتاه خدمت جان خود را بر سر آن گذاشتند در این دوره کسانی بر کشور ما حکومت می کردند که همگی در بند پرکردن کیسه خود بودند تا آبادی مملکت و رفاه رعیت درباره آنها گفته اند و بحق گفته اند که:

افسوس که چاره پریشانی ما
دردا که علاج فقر و نادانی ما
در دست کسانی است که پنداشته اند

آبادی خویشان به ویرانی ما
در این اثر کوشیده ام تا علاوه بر آشنا کردن خوانندگان با اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ورامین به گوشه ای از یغماگری استعمارگران و بی توجهی شاهان قاجار اشاره کنم.

برای جمع آوری مطالب از کتب، اسناد خطی و اقوال معمرین و مطلعین استفاده شده است. در جمع آوری و تدوین مطالب از تشویق ها و راهنمایی ها و همکاری های کسانی بهره برده ام گرچه ذکر نام همه آن عزیزان در این مقدمه باعث اطاله کلام میشود و در جای خود در زیر نویس صفحات بآن اشاره شده تا حقی از کسی ضایع نشود ولی در اینجا نیز وظیفه خود میدانم از کسانی که نگارنده بیش از دیگران خود را مرهون زحمات آنان میدانند سپاسگزاری نمایم.

از آقای دکتر عبدالحسین نوایی استاد محترم دانشگاه که با مطالعه نسخه ماشین شده کتاب و راهنمایی های ارزشمند خود در رفع نقایص آن نگارنده را یاری نموده است.

از آقای جواد صفی نژاد استاد و محقق محترم دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران که مشوق نگارنده در شروع کار و راهنمایی دلسوز در جمع آوری اسناد و مدارك بوده است.

از برادران جلال جنیدی - علی رضا طالقانی و فرجاد
تهرانی که در تهیه اسناد و مدارك و عكس‌ها مؤلف را
یاری کرده‌اند.

از برادران در جهاد سازندگی و رامین که نقشه
منطقه را در اختیار نگارنده قرار دادند.

در خاتمه تذکر این نکته ضروری است که نگارنده
این مجموعه را بی‌عیب و نقص ندانسته و رفع نقایص
آنها نیز در گرو راهنمایی‌های دلسوزانه خوانندگان عزیز
میداند، امید است که خوانندگان محترم نگارنده را در
این راه یاری نمایند تا نظرات آنان به اصلاح و پربارتر شدن
این اثر در چاپ‌های بعدی كمك کنند.

محمد امینی - ورامین ۱۳۶۷

گفتار اول

نظری باوضاع جغرافیایی ورامین

ورامین در ۳۵ کیلومتری جنوب شرقی تهران و در ۵۱ درجه و ۳۹ دقیقه طول شرقی و ۳۵ درجه و ۱۹ دقیقه عرض شمالی واقع شده و ارتفاع آن از سطح دریا ۹۱۵ متر (مرکز شهر) است که این مقدار هرچه از شمال به سمت جنوب و از غرب به سمت شرق پیش رویم کمتر می‌شود.

ورامین از طرف شمال به دامنه‌های جنوبی البرز (لواسانات) و از جنوب به کویر نمک و مسیله و از مغرب به غار و پشاپویه (ری) و از مشرق به گرمسار (خوار) محدود است. طول این منطقه از شمال به جنوب حدود ۶۰ کیلومتر و عرض آن از شرق به غرب و حدود ۳۶ کیلومتر^۱ و مساحت آن حدود ۲۴۳۱ کیلومترمربع است. وسعت اراضی قابل کشت آن حدود ۱۳۰ هزار هکتار و اراضی زیر کشت آن حدود ۳۰ تا ۳۵ هزار هکتار است که تا ۵۰ هزار هکتار قابل افزایش است^۲.

میزان متوسط باران سالیانه بین ۱۷۰ تا ۱۳۶ میلی‌متر برآورد شده است^۳ که این میزان نیز هرچه از شمال به طرف جنوب و از غرب به سمت شرق پیش رویم کمتر می‌شود. بطوریکه متوسط میزان بارندگی بین سالهای ۴۴ تا ۴۲ در طغان ۸۵ میلی‌متر

۱- جغرافیای سیاسی ایران، مسعود کیهان.

۲- روزنامه اطلاعات سه‌شنبه ۲۷ خرداد ۶۵ - نقل از مهندس کامران رفیع

- کارشناس پروژه آبرسانی دشت ورامین.

۳- میزان باران سالانه ورامین در کتاب ۳۲ مقاله جغرافیایی ۱۳۶ و در

نشریه پیام ورامین ۱۷۰ میلیمتر ذکر شده است.

و در ورامین (نزدیک شهر) ۱۳۶ میلی متر اندازه گیری شده است^۴ تغییرات درجه حرارت هوا در سالهای اخیر بین (۱۴-) درجه (دیمه سال ۱۳۶۱) و ۴۳٫۵ درجه سانتیگراد بالای صفر (تیرماه ۱۳۵۴) در نوسان بوده است. تعداد روزهای یخبندان حدود ۷۶ روز و بیشترین روزهای یخبندان در ماههای دی و بهمن^۵ و تفاوت متوسط دمای تابستان و زمستان حدود ۲۵ درجه سانتیگراد است. میزان نسبتاً کم بارندگی و تبخیر زیاد، کشاورزی را در این منطقه با مشکلاتی همراه ساخته است^۶. بطوریکه تامین آب زراعی یکی از مشکلات اصلی مردم این منطقه است.

منابع آب این منطقه از قدیم از رودخانه جاجرود و سفره‌های آب زیرزمینی تامین می‌شده است.

رودخانه جاجرود با حوزه آبریز حدود ۱۷۵۵ کیلومتر مربع از کوههای گلون بسته سرچشمه گرفته البرز میانی را می‌شکافد و از تنگه‌های باریک کوهستانی می‌گذرد. در مسیر خود از لشگرک، لتیان و لواسان عبور کرده ضمن دریافت شعبات چندی منجمله اوشان شعبه‌ای بنام «اهار» به آن ملحق می‌شود و قبل از ورود به جلگه ورامین رود دماوند به آن می‌پیوندد.

آبدهی متوسط این رودخانه ۱۱ متر مکعب در ثانیه است آب این رودخانه در مواقع سیلابی تا ۵۰۰ متر مکعب در ثانیه افزایش یافته و در مواقع کم آبی تا ۱/۵ متر مکعب در ثانیه کاهش می‌یابد^۷.

از آب این رودخانه در محل کبودگنبد بوسیله ۶۵ نفر مجزا که طول آنها در مجموع به بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر می‌رسد^۸ و

۴- ۳۲ مقاله جغرافیایی. تألیف دکتر محمدحسن گنجی چاپ ۱۳۵۳ صفحه

۱۲۷.

۵- نقل از نشریه پیام ورامین شماره ۴.

۶- میزان تبخیر سالانه را دکتر گنجی در کتاب ۳۲ مقاله جغرافیایی در ورامین ۱۹۱۰ میلی‌متر در طغان ۲۵۵۰ میلی‌متر ذکر کرده است.

۷- جغرافیای مفصل ایران - ربیع بدیمی - جلد سوم ص ۲۲۱.

۸- روزنامه اطلاعات ۲۷ خرداد ۱۳۶۵ - نقل از مهندس کامران رفیع.

براساس عرف که از زمانهای گذشته مرسوم بوده استفاده می‌شود. مسیر اصلی این رودخانه تا ۲ کیلومتری جنوب شرقی سالاریه ادامه یافته و در آن محل به رودخانه کرج ملحق شده و وارد مسیله می‌شود. این رودخانه علاوه بر تأمین قسمتی از آب مورد نیاز کشاورزی با رسوبات به جای گذاشته بهترین اراضی جلگه‌ای را برای کشت و زرع بوجود آورده است. علاوه بر رودخانه جاجرود در سفره‌های آب زیرزمینی دشت ورامین مخزن آب وسیعی که حجم آن حدود ۱۵ میلیارد مترمکعب^۹ برآورد شده است و حدود ۱۰ میلیارد مترمکعب آن قابل استفاده و بهره‌برداری است وجود دارد. سطح آبهای زیرزمینی در مناطق شمالی حدود ۱۰۰ تا ۹۰ متری عمق زمین و در مناطق جنوبی و غربی در ۱۰ متری و در اطراف شهر ورامین حدود ۴۰ متری عمق زمین است.

در گذشته برای بهره‌برداری از مخازن زیرزمینی آب اقدام به حفر قنات می‌شد^{۱۰} ولی در چند دهه اخیر حفر چاههای عمیق رواج یافته و اکثر قنات خشک شده یا میزان آبدهی آنها به شدت کاهش یافته است.

ناگفته نماند که حفر بی‌رویه چاههای عمیق^{۱۱} در چند سال اخیر و استفاده نامعقول از این مخازن لطمه بزرگی به این ذخایر عظیم زده و باعث شده که سطح آبهای زیرزمینی بمقدار زیاد پایین رود. بنابر اظهار کارشناسان اداره امور بررسیهای منابع آب ورامین، سطح آبهای زیرزمینی هر سال بطور متوسط ۱۰۰ تا ۸۰ سانتیمتر پایین می‌رود و این مقدار در بعضی نقاط به بیشتر از ۵ متر در هر سال می‌رسد. لازم است اشاره کنیم که در سالهای

۹- روزنامه اطلاعات ۲۷ خرداد ۱۳۶۵.

۱۰- تعداد قنات ورامین در اواخر دوره قاجاریه ۲۳۰ رشته ذکر شده است در صورتیکه اداره امور بررسیهای منابع آب ورامین تعداد قنات دایر را در نیمه اول سال ۱۳۶۶ بین ۱۷ تا ۱۸ رشته برآورد کرده است.

۱۱- در سالنامه آماری سال ۱۳۵۶ تعداد چاههای عمیق را در ورامین ۴۸۰ حلقه نوشته در صورتیکه بنابر اظهار کارشناسان اداره امور بررسیهای منابع آب ورامین تعداد چاههای عمیق و نیمه عمیق از ۱۵۰۰ حلقه تجاوز کرده است (تا نیمه اول سال ۱۳۶۶).

۴۷ و ۴۶ حدود ۳۰ میلیون مترمکعب بیشتر از آنچه مجاز بوده از این ذخایر برداشت شده است.

با توجه به استعداد اراضی این منطقه و مساعد بودن هوا و با توجه به اینکه فعالیت کشاورزی می‌تواند در ۹ ماه از سال ادامه یابد. با استفاده صحیح از آبهای زیرزمینی و آب رودخانه جاجرود و انتقال بخشی از آبهای زیرزمینی تهران به این منطقه میتوان اراضی زیر کشت را به مقدار قابل توجهی افزایش داد و حتی در سال از اراضی آن در دو نوبت محصول برداشت.

در جنوب و جنوب شرقی این منطقه چند معدن از جمله معدن استرانسیم، بنتونیت، سرب و شوره وجود دارد که از بعضی از آنها بهره‌برداری می‌شود.

جمعیت منطقه ورامین طبق سرشماری ۱۳۶۵ - ۳۱۷۲۲۲ نفر و تعداد خانوارهای آن ۶۳۶۱۰ بوده است. از این تعداد جمعاً ۱۵۴۰۱۲ نفر در ۳۰۷۴۰ خانوار شهری و ۱۶۳۱۸۰ نفر در ۳۲۸۶۵ خانوار روستایی زندگی می‌کرده‌اند. لازم به تذکر است در این آمارگیری فقط ورامین - قرچک و پیشوا جزو مناطق شهری منظور شده‌اند، در مناطق شهری قرچک با ۱۴۸۳۷ خانوار و ۷۸۷۱۸ نفر جمعیت بیشترین جمعیت را به خود اختصاص داده و به تنهایی حدود ۲۵ درصد جمعیت کل منطقه و بیشتر از ۵۰ درصد جمعیت شهری را در خود جای داده است. پس از قرچک به ترتیب شهر ورامین ۱۲۲۰۴ خانوار و ۵۸۵۳۲ نفر جمعیت و پیشوا با ۳۷۰۰ خانوار و ۱۷۲۹۹ نفر جمعیت در سراحل بعد قرار دارند. بعد خانوار در این سرشماری در منطقه ورامین ۴۸ بوده است.^{۱۲} اقتصاد منطقه مبتنی بر کشاورزی است، محصولات کشاورزی منطقه شامل غله و صیفی‌جات (گرمک - طالبی - گوجه‌فرنگی - بادمجان - خیار - کدو و هندوانه) است.

۱۲- نتایج مقدماتی سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵ (نقل از پایان‌نامه

دوره لیسانس - علی‌اصغر عرب عامری.

علاوه بر کشاورزی دامداری نیز رواج دارد، دامداری به دو شیوه سنتی و صنعتی دیده میشود، تعداد قابل توجهی از دامها متعلق به عشایر است. عشایر تابستان را در دامنه‌های جنوبی البرز (ییلاق) به سر می‌برند. تعداد واحدهای پرورش مرغ در سطح منطقه قابل توجه است که به علت وایسته بودن این بخش به خارج، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با مشکلاتی همراه بوده است. در کنار کشاورزی و دامداری در بعضی از روستاها بخصوص روستاهایی که در آنها به علت کمبود آب و زمین، کشاورزی تکاپوی معاش خانوارها را نمی‌کند، قالی بافی رواج دارد.

گفتار دوم

نگاهی گذرا به اوضاع و رامین از ابتدا تا انقراض دولت صفوی

نتایج بدست آمده از کشفیاتی که در سالهای اخیر در پیشوای (امامزاده جعفر) و رامین انجام گرفته، نشان میدهد که منطقه و رامین در آستانه تاریخ مدون کشور ما یکی از مراکز عمده تمدن بوده است. گرچه مطالعه بر روی این آثار تکمیل نشده ولی مطالعات ابتدایی نیز نشان میدهد در هزاره اول قبل از میلاد و حدود سالهای ۱۲۵۰ و ۱۳۰۰ قبل از میلاد تمدن معروف به سفال در این منطقه از رشد و شکوفایی قابل توجهی برخوردار بوده است.^۱

ابنیه، قلعه‌ها و آثار به جا مانده از قبل از اسلام نیز نشان میدهد در این دوره نیز و رامین بستر تمدنی ارزشمند بوده است. در دهه سوم هجری ری و و رامین بدست مسلمین فتح شد در دوره اسلامی و رامین یکی از مناطق شیعه نشین بوده در آثار به جا مانده^۲ از این دوره جا به جا به شیعیان و رامین اشاره شده است. در قرنهای ۵ و ۶ هجری - و رامین آبادترین دوران حیات خود را می گذرانده و در این دوره بعضی از محصولات صنعتی و رامین از جمله بدل چینی و سفال لعابدار آن در سراسر کشور معروف بوده است.^۳ از وجود مدارس چون فتحیه و رضویه^۴ در همین دوره یاد شده است. ظاهراً و رامین در قرن ۸ هجری نیز آبادی خود را حفظ

۱- نقل از آقای تهرانی مقدم مسئول اداره باستان شناسی.

۲- کتاب النقص چاپ دوم ص ۲۷۷.

۳- تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده ۱۸ میلادی چاپ چهارم ص

۴۵۵.

۴- تاریخ ادبیات در ایران - دکتر ذبیح الله صفا جلد ۲ صفحه ۲۳۳.

کرده بطوریکه لسترنج قرن ۸ را آبادترین دوران حیات ورامین ذکر کرده و علت آنرا حمله مغول به ری و هجوم مردم ری به ورامین و تهران دانسته است. ولی در دوره تیمور و جانشینان او، ورامین شهری وسیع، مغروبه و خالی از سکنه توصیف شده است، این موضوع را کلاویخو در سفرنامه خود یادآور شده است.^۵ ورامین در دوره صفویه توانست تا اندازه‌ای خرابیها را ترمیم کرده و آبادی و رونق قابل توجهی بدست آورد.

اوضاع ورامین مقارن حمله افغانها به ایران

با انقراض صفویه دوره هرج و مرج و کشمکش‌های داخلی در ایران آغاز شد و کشور ما در تمام زمینه‌ها دچار رکود شد. هجوم افغانها به ایران با قتل و غارت و خرابی شهرها و روستاها همراه بود.

ظهور نادر و شکست افغانها و اخراج آنها از کشور گرچه به سلطه خارجیها پایان داد ولی او نیز چیزی در جهت امنیت و آرامش و بهبود وضع اقتصادی برای مردم به ارمغان نیاورد. دوران زمامداری کریم‌خان نیز فرصت کافی برای جبران خرابیها پیش نیاورد در نتیجه این دوره از تاریخ کشور ما دوران رکود اقتصادی و فرهنگی بوده است.

اوضاع ورامین نیز کم و بیش از وضع کل کشور متأثر بوده زیرا مدتی بعد از سقوط اصفهان، افغانها برای تصرف ری به این سمت حرکت کردند و ورامین را نیز به تصرف خود درآوردند دربارۀ تاریخ اشغال ورامین بدست افغانها منابع تاریخی که در دسترس نگارنده بود اشاره‌ای نکرده‌اند ولی آنچه مسلم است افغانها از سال ۱۱۳۹ تا سال ۱۱۴۲^۶ که نادر در جنگ دره‌خوار و مورچه‌خورت اصفهان، افغانها را شکست داد ورامین را در

۵- سفرنامه کلاویخو ص ۳۰۳.

۶- در امامزاده کوکب‌الدین سنگت قبری بود که در آن به کشته‌شدن يك نفر بدست افغانها در سال ۱۱۴۴ اشاره شده بود.

تصرف خود داشته و اشرف افغان از ورامین به وسیله نسامه از کسانی چون احمدپاشا والی بغداد برای مقابله با نادر کمک طلبیده است.^۷ و سربازان افغانی در این منطقه اردوهای نظامی برقرار کرده بودند. اگر باین نکته توجه شود که عموماً نیروهای مهاجم همراه با قتل و غارت و تخریب مناطق مسکونی شهر و روستا به شبکه آبیاری و قنوات نیز خسارات جبران ناپذیری وارد میکردند و چون باج‌خواهی از مردم و طلب سیورسات و علیق و علوفه برای چهارپایان نیز مرسوم بود میتوان تا اندازه‌ای میزان خسارت افغانها را به منطقه ورامین در اثر اشغال و تصرف چند ساله در نظر گرفت.^۸

از نحوه اشغال شهر بدست افغانها نیز کتب تاریخی مطلبی ننوشتند ولی اگر آنچه در اذهان و افواه مردم راجع به اشغال شهر بدست افغانها مطرح است قابل اعتنا باشد چنین برمیآید که مردم شهر بلافاصله بعد از هجوم افغانها تسلیم نشده بلکه تحت رهبری شخصی از افراد متنفذ شهر مقاومت کرده و با افغانها جنگیده‌اند مقاومت مردم گرچه اشغال شهر را مدتی به تأخیر انداخته ولی باعث شعله‌ور شدن آتش‌خشم و کینه دشمن و در نتیجه خسارت و تخریب بیشتر شده است.

گذشته از جنگ و ستیز افغانها با نیروهای محل و مردم در مدتی که این منطقه در تصرف افغانها بود درگیری‌های دیگری در منطقه ورامین بین افغانها و قوای تحت فرماندهی خاندان صفویه گزارش شده است.

توضیح اینکه طهماسب میرزا پس از شکست خود، در شاه‌عبدالعظیم^۹ پیامی عاجل برای فتح‌علی خان قاجار^{۱۰} که وی را به

۷- تاریخ نظامی و سیاسی دوران نادرشاه ابوتراب سردادور ص ۲۸۵ و ۲۸۶.

۸- درسیاه‌کوه غار یا دخمه‌ای موجود است که به زندان افغانی معروف است نقل از کتاب پارک ملی کویر سازمان حفاظت محیط‌زیست.

۹- انقراض سلسله صفویه و ایام استیلای افغانه در ایران لارنس لکهارت ترجمه مصطفی قلی عماد.

۱۰- در این تاریخ هنوز سمنان در دست فتح‌علی خان قاجار دست‌نشانده شاه طهماسب بوده است.

حکومت سمنان منصوب کرده بود فرستاد و از وی خواست تا به عزم نجات طهران بدان صوب رهسپار شود. سرکرده قاجار به همین قسم عمل کرد. لیکن پس از جنگی بی نتیجه با افغانه در نزدیکی ورامین^{۱۱} مصمم شد طهران را به دست سرنوشت سپرده به دنبال طهماسب راه مازندران را پیش گیرد. افغانها بعد از تصرف ورامین به سمت سمنان پیش رفتند و خوار (گرمسار) را نیز به تصرف خود درآوردند.

اشرف افغان خود نیز مدتی در ورامین بوده و نیرو و تجهیزاتی قابل توجه در این شهر داشته است. او برای مقابله با نیروی نادر از ورامین بسمت خوار و دامغان حرکت می کند ولی بعد از شکست از نادر در جنگ مهماندوست و سردره خوار دوباره به سمت ورامین عقب نشینی کرده و توپ قلعه کوبی را که همراه خود قبلاً از اصفهان به ورامین آورده شکسته و دوباره به سمت اصفهان فرار کرده است.

تاریخ نویسان اشاره نکرده اند که اشرف بعد از شکست از نادر در دره خوار و عقب نشینی به ورامین آیا همچون اصفهان که در آن حدود سه هزار نفر از اعیان و اشراف را به قتل رساند دست به قتل و کشتار مجدد مردم ورامین زده باشد ولی بعید به نظر نمی رسد چنین عملی را مرتکب شده باشد.

بهر جهت اشغال شهر و تصرف چند ساله آن و درگیریهای متعددی که در این منطقه اتفاق افتاده خرابی های زیادی به بار آورده است، خرابی های ناشی از سلطه افغانها قسمت اعظم شهر را که بدون شك در دوران صفویه قسمتی از آبادی دوران گذشته خود را باز یافته بود به نابودی کشانده است. به آثار این خرابه ها کم و بیش در سیاحتنامه های خارجی ها و کسانی که از ورامین دیدن کرده اند اشاره شده است. بیشتر آثار بناهای مخروبه تا اواخر دوره قاجاریه برپا بوده است. حتی در سالهای اخیر قسمتی از اراضی اطراف مسجد جامع و امامزاده عبدا... به خرابه ها معروف بوده است.

۱۱- محل درگیری نیروی فتحعلی خان و افغانها را در روستای ابراهیم آباد ورامین ذکر کرده اند ولی بدرستی معلوم نیست کدام ابراهیم آباد است. (تاریخ اجتماعی سیاسی ایران در دوران معاصر سعید نفیسی جلد اول چاپ اول ص ۳۲).

اوضاع ورامین بعد از خروج افغانها از ایران

همانطور که ملاحظه شد اشغال ورامین بدست افغانها باعث ویرانی بسیار شد و شهر و مناطق روستائی را از رونق گذشته انداخت در دوران نادر نیز در زمینه ترمیم خرابی‌ها کاری نشد فقط طوایفی از عشایر سرکش جهت اسکان به این منطقه کوچ داده شدند، کوچاندن عشایر به منطقه ورامین در دوران کریمخان نیز ادامه داشت^۱. عشایر سرکش که مورد غضب حکومت‌های وقت واقع شده و به این منطقه تبعید میشدند خود پیامدهایی داشت که نمیتوانست به نفع این منطقه و مردم آن باشد زیرا تقابل گروه‌های مختلف عشایری با هم و با مردم این منطقه که هرکدام دارای فرهنگ و آداب و رسوم مخصوص بخود بودند به درگیری‌ها دامن میزد و بخصوص در آشفته‌بازار بعد از سقوط نادر و کریمخان چه بسا غارت‌ها و تجاوزهایی را به همراه داشت زیرا درگیری و جنگ و ستیز گروه عشایری و روستایی در ایران در طول تاریخ از قصه‌های پر غصه تاریخ کشور ماست.

عامل دیگری که در رکود و انحطاط اوضاع اقتصادی ورامین در این دوره تأثیر بسزا داشت از رونق افتادن جاده‌های ابریشم و ادویه بود که شاخه‌هایی از آن، از این منطقه عبور میکرد و در نتیجه هرج و مرج و ناامنی ایران بعد از سقوط صفویه و رونق

۱- لازم به تذکر است که در زمان صفویه نیز تعداد زیادی از عشایر کرد غرب کشور از جمله سیل سپورها پازوکی‌ها و سیاه‌منصوریه‌ها به این منطقه کوچ داده شده‌اند که در قسمت عشایر به آنها می‌پردازیم.

راههای دریائی از رونق افتاده است.^۲

عوامل فوق باعث شد که خیلی از روستاها از سکنه خالی شود و رو به ویرانی گذارد و حتی قسمت زیادی از اراضی این منطقه به علت عدم کشت طی دهها سال به کویر و اراضی لم یزرع تبدیل شود زیرا بنا بر اسناد موجود قسمتی از منطقه سیاهکوه که در دوره قاجاریه در فصولی از سال شکارگاه سلاطین و اعیان و اشراف دربار قاجار بوده زمانی کشت میشده و آثار روستاها و قنوات مخروبه در آن دیده شده است.

حاج میرزا آقاسی وزیر محمدشاه در جایی در کتابچه^۳ املاک خود متذکر شده که سیاهکوه يك محل مخروبه است بقدر هفتاد قریه که آثار قلعه و قنواتش ظاهر است و تا به حال در آن کاری نشده و هم او در جای دیگر کتابچه املاک خود متذکر میشود که اگر به این منطقه رسیدگی شود و زراعت کنند هر تخم ۷۰ تخم نتیجه میدهد.^۴

۲- این جاده حتی در اواخر قاجاریه کم و بیش مورد استفاده واقع میشد ولی ارزش بین‌المللی خود را از دست داده بود و بیشتر ارزش منطقه‌ای داشت سون‌هدین که در زمان مظفرالدین شاه از منطقه سیاهکوه به سمت هندوستان در دل کویر حرکت کرده می‌نویسد هنگام عبور کاروانی مرکب از ۲۰۰ شتر را که مسیر آنها اصفهان بوده به چشم خود دیده که در نزدیک روستای کریم‌خانی اطراق کرده بودند.

۳- کتابچه املاک حاج میرزا آقاسی دفتری است که در آن صورت املاک و اراضی متصرفی میرزا و نحوه تملك آن و اطلاعاتی از این قبیل در آن وجود دارد اصل این کتابچه که نسخه‌ای است خطی در اختیار سعید نفیسی بوده و نامبرده به دانشگاه تهران اهداء کرده و فعلاً در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.

۴- منطقه سیاهکوه همانطور که اشاره شد در دوره قاجاریه شکارگاه شاه و شاهزادگان و اشراف و چراگاه زمستانی احشام بعضی از عشایر بوده است. احمد مستوفی الممالکی پسر مستوفی الممالك در مجله یفما سال یازدهم می‌نویسد هر سال دو سه ماه باتفاق پدر و چند تن از دوستان با اردوئی مجهز به این ناحیه برای شکار میرفته است. سون‌هدین که در اواخر زمستان از سیاهکوه عبور کرده تعدادی از چادرهای عشایر ترك و فارس و عرب را دیده او صاحبان این چادرها را نیمه‌وحشی، ژنده‌پوش و کثیف توصیف کرده است (سون‌هدین کویرهای ایران ص ۱۸۲ و ۱۸۳).

گفتار چهارم

نسب قاجارها و زمان کوچ آنها به ورامین

قاجارها از طوایف ترك ماوراء قفقاز بودند که در حدود قرن هفتم و هشتم هجری به حدود شام رفتند و بعدها دوباره به مناطقی از ایران کوچ کردند. صفویه آنها را از آذربایجان به مازندران و گرگان و بعضی از نقاط مرکزی ایران کوچ دادند.^۱ گرچه حاکمیت قاجارها بر ایران با سلطنت آقامحمدخان آغاز میشود ولی خاندان قاجار در دوره صفویه، نادر و زندیه از طوایف متنفذ ایران بودند و گاهی حکومت يك منطقه یا فرماندهی قسمتی از سپاه را سلاطین این دوره به سران ایل قاجار واگذار میکردند.

طوایفی از قاجارها در دوران صفویه^۲ و کریمخان به منطقه ورامین کوچ داده شدند.^۳ قاجارها بیشتر در مناطق شمالی ورامین (روستاهای سعیدآباد - جمالآباد) مستقر شدند و در اینجا اراضی و املاک زیادی را تصرف کردند بطوریکه حتی قبل از به قدرت رسیدن آقا محمدخان طایفه متنفذ و قدرتمندی محسوب میشدند و همین طایفه قاجار ساکن در ورامین بودند که همانطوری که بعداً

۱- تاریخ اجتماعی سیاسی دوران معاصر سعید نفیسی جلد اول - چاپ اول ص ۱۹.

۲- سعید نفیسی تاریخ اجتماعی سیاسی دوران معاصر (لازم به تذکر است که نفیسی کوچ قاجارها را به منطقه مرکزی نوشته نه ورامین) جلد اول ص ۱۹.

۳- در روضة الصفا جلد ۹- ص ۱۲۹ چنین آمده است «رضاخان و رفیعخان برادران محمدحسینخان و حسنخان دولو از حدود استرآباد به خوار ورامین آمده ساکن شدند و بازندیه مرافقت و موافقت کردند و در این ایام که ۱۶ سال از گرفتاری آقا محمدخان در شیراز گذشته بود».

خواهیم دید کمک زیادی به آقامحمدخان در جهت قبضه حکومت ایران کردند.

حرکت آقامحمدخان از شیراز به ورامین

بی شک یکی از دلایل انتخاب تهران به عنوان پایتخت بوسیله آقامحمدخان نزدیکی آن به منطقه ورامین بوده است. ورامین حداقل از دو نظر برای خان قاجار میتوانست قابل توجه باشد اول اینکه در این منطقه طرفدارانی داشت که امیدوار بود به مدد آنها بتواند بر اریکه قدرت قرار گیرد، علت دوم حاصلخیزی و استعداد اراضی این منطقه بود که میتوانست در تأمین آذوقه مردم تهران و سپاه او و علیق و خوراک چهارپایان سپاه نقش عمده‌ای داشته باشد.^۴

گرچه اکثر مؤلفین به وجود طرفداران خان قاجار در ورامین اشاره کرده‌اند ولی در مورد این مطلب که طرفداران خان قاجار چه کسانی بودند و بیشتر در کدام قسمت ورامین زندگی میکردند اختلاف نظر دارند.

مؤلفین کتابهای دارالخلافة تهران^۵ و «شرح زندگی من»^۶ طرفداران آقامحمدخان را عربهای^۷ ورامین ذکر کرده‌اند. اعراب حامی آقامحمدخان به احتمال زیاد از اعرابی بودند که امروز فرزندان آنها بیشتر در روستاهای بهنام عرب زندگی می‌کنند و بنابر نظر عبدالله مستوفی در زمان نادرشاه از فارس به این

۴- نزدیکی تهران به مناطقی چون مازندران و گرگان یکی از دلایل این انتخاب بود.

۵- دارالخلافة تهران ناصر نجمی چاپ چهارم ص ۲۰.

۶- شرح زندگی من عبدالله مستوفی جلد اول چاپ دوم ص ۶.

۷- عربهای ورامین خود به گروههای مختلف از جمله «عرب میش مست» «عرب کتی»، «عرب صحنانی»، «کلکو»، «عرب خواری» و «عرب عامری» و غیره تقسیم می‌شوند. که اکثراً دارای منشأ جداگانه‌ای بوده و از نقاط مختلف و در زمانهای مختلف به این منطقه کوچ کرده‌اند در این زمینه در بخش مربوط به عشایر بیشتر بحث خواهد شد.

منطقه کوچ کرده‌اند.^۸ بهر جهت در اینکه چگونه اعراب مورد نظر به آقامحمدخان کمک کردند، کتب تاریخی که در دسترس نگارنده بود اشاره‌ای نکرده‌اند. گروه دیگری از تاریخ نگاران اسکان تعدادی از سران و طوایف قاجار را در ورامین دلیل انتخاب تهران به عنوان پایتخت از طرف آقامحمدخان میدانند و نظر این گروه به واقعیت نزدیکتر است.^۹

گرچه بعید نیست که هر دو طایفه فوق‌الذکر (قاجارها و عربها) قول مساعد در کمک به آقا محمدخان به شخص او داده باشند.

آقامحمدخان علاوه بر سران طایفه قاجار و عرب، مجنون‌خان پازوکی، بزرگ طایفه پازوکی را که از سالها قبل به این منطقه آمده و در ورامین و گرمسار ساکن بودند با خود همراه داشت. مجنون‌خان در ابتداء نقش واسطه را بین آقامحمدخان و سران ایل قاجار در ورامین که از دیرباز با هم اختلاف و کینه قبیله‌ای داشتند ایفا کرد و بعد از به قدرت رسیدن آقامحمدخان نیز سالها در قشون آقا محمدخان خدمت کرد.

آقامحمدخان بعد از اطلاع از اطلاق از قریب‌الوقوع بودن مرگ کریمخان و فرار از شیراز به طرف تهران، ورود به تهران را دور از حزم و احتیاط دید و با اینکه توانسته بود در اسرع وقت خود را به نزدیک تهران برساند باز این امکان را از نظر دور نداشت که شاید خبر فوت کریمخان قبل از ورود او به تهران رسیده باشد و او بمحض ورود به تهران دستگیر و زندانی یا کشته شود.

لذا بعد از زیارت حضرت عبدالعظیم به سوی ورامین حرکت کرد. گرچه بعضی از مورخین اولین ملاقات آقامحمدخان را با سران طایفه قاجار در شهر ورامین ذکر کرده‌اند ولی نظر اکثر مورخین این است که اولین برخورد آقامحمدخان با سران طایفه

۸- شرح زندگانی من عبدالله مستوفی جلد اول چاپ دوم ص ۶.

۹- مؤلف تاریخ گیتی‌گشا از اکراد اینانلو که به فرمان کریمخان زند در منطقه ورامین و ساوجبلاغ ساکن شدند به عنوان طرفداران آقا محمدخان یاد کرده است (تاریخ گیتی‌گشا در تاریخ خاندان زند تألیف میرزا محمد صادق موسوی نامی اصفهانی - تحریر و تحشیه دکتر عزیزالله بیات - چاپ اول ص ۸۴).

قاجار در روستاهای جمال‌آباد و سعیدآباد و یا در اراضی اطراف این دو روستا انجام گرفته است.

اوژن او بن^{۱۰} در این زمینه چنین می‌نویسد: «در دشت ورامین در ناحیه‌ای موسوم به جمال‌آباد، اردویی از دولوها^{۱۱} به سرپرستی جان‌محمد و میرزا محمدخان از پیش، اطراق کرده بودند. آقامحمدخان خود را بآنان معرفی و پیشنهاد می‌کند کینه قبیله‌ای قدیمی را فراموش کنند و با هم دست اتفاق و دوستی دهند تا به کمک همدیگر سرتاسر ایران را زیر فرمان خود درآورند. دولوهای دشت جمال‌آباد اولین بیعت کنندگان با خواجه تاجدار آینده‌اند، بدنبال این اتحاد ایل قاجار به جنبش و حرکت عظیمی دست می‌زنند».

یحیی ذکاء^{۱۲} نیز می‌نویسد اولین بار در زیر چنار کهنسال روستای سعیدآباد تاجی که از مس ساخته شده بود بوسیله یکی از سران طایفه قاجار برسر آقامحمدخان نهاده شد. همراهی سران قاجار با آقامحمدخان در ورامین کمک بزرگی در جهت تثبیت حکومت سرسلسله قاجار شد ظاهراً این طایفه در ورامین تا بسط قدرت خان قاجار همیشه مورد نظر او و مخالفانش بوده‌اند. یکی از برادران ناتنی آقامحمدخان، رضاقلی نام داشت که مادرش اهل استرآباد بود او هنگام فرار آقامحمدخان از شیراز بطرف تهران همراه او بود ولی بعد از ورود به ورامین و اعلام همراهی و وفاداری سران قاجار با آقامحمدخان جزو مخالفان او شد و بارها با او جنگید و یکبار نیز بامید اینکه بتواند حمایت خوانین قاجار را در ورامین بطرف خود جلب کند به این ناحیه آمد ولی قبل از اینکه موفق شود موافقت سران ایل قاجار را بدست آورد، با پیشدستی آقامحمدخان و اعزام جعفرقلی خان به ورامین توانست

۱۰- ایران امروز - اوژن او بن ترجمه علی‌اصغر سمیدی چاپ اول ص ۱۶۱.

۱۱- دولوها یکی از طوایف هشتگانه ایل قاجار می‌باشند این طوایف عبارتند از - (دولو - عزالدین‌لو - قراسانلو - شامبیانی - زیادلو - کرلو - سپانلو - قوانلو) (نقل از لغت‌نامه دهخدا).

۱۲- تاریخچه ساختمان ارك سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان نوشته یحیی ذکاء ص ۴۶ زیرنویس صفحه.

سران قاجار را از حمایت رضاقلی منصرف و توجه آنها را دوباره به خود معطوف و از آنها مجدداً قول همکاری و همراهی بگیرد. مهدی بامداد در این زمینه مینویسد^{۱۳}: «رضاقلی خان از اصفهان برادر را همراهی نمود و تا تهران از همراهان وی بود بعد از ورامین از منافقین او شده و از اقامحمدخان بکلی دست کشیده و به مازندران رفته به مرتضی قلی خان برادر دیگر خویش پیوست».

سعید نفیسی^{۱۴} نیز در زمینه مخالفت رضاقلی خان با آقامحمدخان و لشکرکشی او بسمت ورامین چنین می نویسد: «در همین زمان (۱۱۹۳) رضاقلی هم که از سوادکوه گریخته بود به استرآباد نزد مرتضی قلی خان (برادر دیگر آقامحمدخان) رفت و لشکری برداشت و به ورامین تاخت.»

نفیسی^{۱۵} در جای دیگر درباره نقش خوانین دولوی ورامین می افزاید - مجدداً رضاقلی خان و مرتضی قلی خان بنای مخالفت را گذاشته، خواستند با خوانین دولوی ورامین همدست شوند. حضرت شهریار جعفرقلی خان را از پیش روانه نموده بنه و آغروق را به مهدی قلی خان سپرده بعد از نهضت - فرما گردید به سعیدآباد ورامین بخانه محمدخان و مصطفی خان و سایر بزرگان دولو، مجدداً برخدمت و سلطنت حضرت پادشاهی اتفاق کرده و عذر رضاقلی خان را خواسته او را روانه نمودند. ناچار سایر خوانین و بزرگان دولو از در معذرت و انقیاد درآمدند.

۱۳- تاریخ رجال ایران جلد ۵ ص ۹۹.

۱۴- تاریخ اجتماعی سیاسی معاصر سعید نفیسی جلد اول ص ۲۷۲.

۱۵- تاریخ اجتماعی سیاسی معاصر سعید نفیسی جلد اول ص ۲۸۱.

گفتار پنجم

ورامین در دوره مشروطه

ورامین در دوره مشروطه یکی از مناطق حساس و خبرساز کشور بوده است. زیرا هر دو جبهه موافق و مخالف مشروطه طرفداران صاحب نفوذ و قدرتمند در این منطقه داشته است. حساسیت منطقه ورامین در این دوره دلایل گوناگون داشت از جمله وجود ایلات و عشایر مختلف که از سالها قبل جهت پشتیبانی حکومت و یا بخاطر جلوگیری از سرکشی و عصیان به این منطقه مهاجرت کرده بودند.

این دو دسته که هرکدام تعداد قابل توجهی را تشکیل میدادند نمیتوانستند نسبت به تغییراتی که با سرنوشت شاه بستگی داشته باشد بی تفاوت باشند. علاوه بر آن تعدادی از روستاهای ورامین محل نگهداری اسبها و مادیانهای ایلخی شاه بود و کارکنان آن از وفاداران به خانواده سلطنت و شخص محمدعلی شاه بودند، بعضی از روستاهای بهنام عرب نیز محل نگهداری شترهای شاهی و مخصوص حمل بار و بنه شاه در موقع سفر و یا شکار بود و تشکیلات آن نیرویی بالقوه در حمایت از حکومت.

تعداد قابل توجهی از روستاهای ورامین نیز جزو املاک خالصه بودند و اقبال الدوله که سالها اداره این املاک را بهعهده داشت خود یکی از بسیج کنندگان نیرو بر علیه مشروطه به حساب میآمد. شیخ محمود و حاج حسن خان قرچکی دو تن از مخالفان سرسخت مشروطه نیز در ورامین بودند و هرکدام تعدادی سوار در اختیار داشتند.

از طرفداران مشروطه در ورامین در کتابها و اسناد مربوط

به این دوره کمتر سخن به میان آمده است^۱. ولی از آنجا که اموال تعدادی از ساکنین بعضی از روستاها بوسیله شیخ محمود و حاج حسن خان غارت شده و تعدادی نیز به جرم همراهی با مشروطه به قتل رسیده‌اند نشان دهنده آن است که طرفداران مشروطه در ورامین کم نبوده‌اند، علاوه بر آن تعدادی از مالکین نیز با مشروطه همگامی نشان داده‌اند و نیرو به حمایت از مشروطه به تهران اعزام داشته‌اند.

در این قسمت ابتدا به نقش بعضی از شخصیت‌ها و بعد به وضع عمومی ورامین در دوره مشروطه و درگیریهای ارشدالدوله در امامزاده جعفر اشاره میشود.

شیخ محمود و مشروطه

این شخص که در کتب و اسناد دوره مشروطه به شیخ محمود ورامینی شهرت یافته اهل پیشوای (امامزاده جعفر) ورامین بوده و به اعتبار اینکه از مشایخ امامزاده جعفر بوده به شیخ معروف شده وگرنه تحصیلات دینی او را عده‌ای منکر و گروهی در سطح پائین ذکر کرده‌اند.

شیخ محمود قبل از شروع نهضت مشروطه در محل، خود قدرت و اقتداری قابل توجه داشته و بساط تنبیه و مجازات او برای افرادی که حاضر به اطاعت و دنباله‌روی از او نبوده‌اند برپا بوده است او حتی از بنای سقف بازار و دایرکردن قهوه‌خانه در پیشوا به بهانه جلوگیری از تنبل‌شدن مردم مانع میشده است. در تهران نیز با افراد صاحب نفوذی چون میرزا مصطفی پسر مرحوم حاجی میرزا حسن آشتیانی آشنائی و وابستگی داشت و توانسته بود به وسیله اقبال‌الدوله که سالها در ورامین اداره املاک خالصه را بعهده داشت به نحوی با دربار محمدغلی شاه ارتباط پیدا کرده

۱- یحیی دولت‌آبادی در صفحه ۱۶۸ جلد دوم کتاب خود به نام «حیات یحیی» در این باره چنین می‌نویسد «از ورامین و شهریار و شمیران و حضرت عبدالعظیم و سایر نواحی طهران پی در پی انجمن‌های ملی مسلح به مددکاری ملیون می‌آیند و هیجان غریبی هویدا میگردد».

و طرف مرحمت شاه واقع شده و عصای قیمتی از دربار محمد - علی شاه هدیه بگیرد^۲ و شاه او را به لقب ناصرالاسلامی مفتخر کند.

همانطور که قبلاً گفته شد او در محل صاحب قدرت فراوانی بود در صورتیکه نه رئیس ایل و عشیره بود و نه محل زندگیش بافت عشایری داشت این سؤال مطرح است که او چگونه توانسته صاحب چنین قدرتی شود که بتواند متجاوز از ششصد نفر سوار و پیاده را جهت مبارزه با مشروطه رهبری کند، به نظر میرسد وضع آشفته امامزاده جعفر در این دوره و کشمکش‌ها^۳ در گسترش نفوذ و قدرت شیخ بی تأثیر نبوده است.

شیخ محمود علاوه بر پیشوا در روستاهای بهنام سوخته و بهنام عرب طرفدارانی داشته و وابستگی او به اصائلوهای خوار (گرمسار) به نفوذ او افزوده بود.

بهر جهت بعد از به قدرت رسیدن محمد علی شاه و عزم او دایر به مخالفت با مشروطه شیخ را نیز به میدان مبارزه با مشروطه کشاند و او را واداشت تا باتفاق ۹ نفر دیگر از جمله حسن خان قرچکی و مرادخان سوادکوهی و احمدخان بوربور در صحن امامزاده جعفر هم قسم شوند که تا آخرین نفس از مخالفت با مشروطه دست برندارند همانطور که قبلاً گفته شد ارتباط شیخ با اقبال الدوله خود میتواند مشوق شیخ به گام نهادن در این راه باشد.

شیخ در همین زمان تعدادی سوار به تهران اعزام کرد و در میدان توپخانه اردو زد و به شعار دادن بر علیه مشروطه پرداخت. او و طرفدارانش در میدان توپخانه فریاد می زدند که «مجلس را خراب می کنیم و از فرش های آن برای الاغ های ورامین پالان درست می کنیم»^۴.

از مدت توقف نیروهای شیخ محمود در تهران اطلاعی در دست

۲- نامه های یوسف مغیث السلطنه ص ۲۰۱ و ۲۰۲.

۳- در سفرنامه نائینی راجع به خوارو ورامین از امامزاده جعفر به عنوان محلی که در آن کشمکش و اختلاف زیاد است یاد شده است.

۴- تاریخ مشروطه ایران - احمد کسروی جلد دوم - چاپ شانزدهم ص ۵۱۲.

نیست* ولی مسلم است که بعد از مدتی به علت پافشاری مجلس و دولت تعداد نفرات شیخ محمود در تهران کم شد و حتی خود او مجبور شد از تهران خارج شده و به طرف ورامین حرکت کند ولی در ورامین حاضر نشد که مخالفت با دولت و مجلس را کنار بگذارد و به خودسری و دشمنی با مشروطه ادامه داد و در محل نیز به آزار مشروطه خواهان پرداخت و عده‌ای را مجروح ساخته و به مزارع آنها خسارت زیادی وارد کرد.

شیخ محمود بعد از حرکت از تهران، به امامزاده جعفر که محل زندگی او بود نرفت بلکه اردوی خود را در نزدیک قرچک^۵ قرار داد تا با تهران فاصله کمتری داشته باشد و بتواند خود را در موقع مناسب به تهران برساند. او در ورامین به مخالفت خود با دولت و مشروطه ادامه می‌داد و از آنجا که حمایت محمدعلی شاه را نیز همراه خود داشت اعتنایی به دولت و مأمورین در منطقه نمی‌کرد. ولی بالاخره کار مخالفت شیخ با دولت و مأمورین دولتی از يك طرف و اذیت مشروطه خواهان بوسیله شیخ محمود از طرف دیگر باعث شد که مجلس دولت را برای اعزام نیرو جهت سرکوبی شیخ تحت فشار قرار دهد و دولت جهت این کار جمعی سوار بختیاری و قزاق به همراه چند عراده توپ به ورامین اعزام کرد. از محل درگیری قوای دولتی با نیروی شیخ محمود اطلاعی در دست نیست و اهالی پیشوا غیر از درگیریهایی ارشدالدوله در امامزاده جعفر چیزی به یاد ندارند، شاید این درگیری در حوالی قرچک که محل استقرار اردوی شیخ محمود بود اتفاق افتاده باشد. بعد از شروع درگیری قوای شیخ تاب مقاومت نیاورده و فرار می‌کنند و آن گروه از طرفداران شیخ که از معرکه جان سالم بدر برده بودند خود را به حضرت عبدالعظیم رسانده و در آنجا بست می‌نشینند شیخ نیز به طرف تهران فرار کرده و خود را به خانه آیت‌اله سید محمد طباطبائی رسانده و قصد بست نشستن در آنجا را داشت. راجع به برخورد سید محمد طباطبائی با شیخ محمود

* - مؤلف کتاب پیدایش و تحول احزاب سیاسی مدت توقف نیروهای طرفدار محمدعلی شاه را در میدان توپخانه يك هفته نوشته است.
 ۵- نامه‌های یوسف مغیث السلطنه ص ۲۰۱ و ۲۰۲.

نظرات مختلف ارائه شده است. ملک‌زاده و کسروی نوشته‌اند که طباطبائی او را نپذیرفت و در نتیجه مجبور شد در مجلس بست نشیند.^۶ ولی نظام‌السلطنه مافی در خاطرات خود می‌نویسد: «بعد از بست‌نشستن شیخ در منزل طباطبائی، انجمنی‌ها رفتند منزل آسید محمد و اظهار نمودند شما نباید به شیخ محمود پناه بدهید، آسید محمد هم یا به اجبار یا به رضا او را به مجلس فرستاد»^۷. بعضی از مورخین از جمله عبدالحسین نوایی^۸ براین عقیده‌اند که شیخ بعد از فرار به تهران بلافاصله برای تحصن در مجلس به آنجا پناه برده است. مدت تحصن او در مجلس طولانی نشد زیرا عده‌ای از نمایندگان در داخل مجلس و گروه دیگری از مشروطه‌خواهان در خارج از مجلس اصرار داشتند که او باید به دادگستری تحویل داده شود.

تعدادی از نمایندگان مجلس نیز از شیخ طرفداری کرده و خواستار آزادی او بوده‌اند. موافقت و مخالفت نمایندگان مجلس با شیخ محمودکار را به مشاجره و بگومگو می‌کشاند. نظام‌السلطنه مافی^۹ در این باره می‌نویسد: «در مجلس که جواب و سؤال شیخ محمود میشود. معین‌التجار می‌گوید آنچه در حق شیخ محمود گفته‌اند استماعی بود. باید تحقیق شود بعد از ختم مجلس میرزا داودخان نامی که اهل یکی از انجمن‌هاست به معین‌التجار طرف میشود که با خلاف واضح شیخ محمود، شما در مجلس چرا این‌طور اظهار نمودید، معین‌التجار هم تند میشود عاقبت کار به فحش‌دادن از طرفین میرسد. رئیس به هر زبانی بوده طرفین را ساکت می‌نماید».

گروهی تحت این عنوان از شیخ حمایت میکردند که او توبه کرده و باید بخشیده شود و مجاز باشد به محل خود باز گردد.

۶- تاریخ مشروطه ایران کسروی. جلد دوم ص ۵۴۸ و تاریخ انقلاب مشروطیت ایران ملک‌زاده جلد سوم ص ۲۱۱ و ۲۱۲.

۷- خاطرات نظام‌السلطنه مافی ص ۴۷۲.

۸- عبدالحسین نوایی. دولتهای ایران از آغاز مشروطیت تا اولتیماتوم - چاپ اول ص ۵۰.

۹- خاطرات نظام‌السلطنه مافی ص ۴۷۲.

ولی بالاخره مخالفین او موفق میشوند با فشار خود بر مجلس شرایط تحویل او را به دادگستری فراهم کنند.

شیخ محمود مدتی در زندان عدلیه محبوس بوده ولی از آنجا که ۲ نفر از زندانیان عدلیه از زندان فرار کرده بودند نگهبانان زندان عدلیه از نداشتن وسیله مناسب جهت حفظ محبوسین شکایت کرده و مقرر میشود جمعی از زندانیان از جمله شیخ محمود از زندان عدلیه به زندان انبار شاهی منتقل شوند ولی شیخ به هتاک و فحاشی پرداخته و از زندانبانان کتک مفصلی می‌خورد. یحیی دولت‌آبادی در این باره می‌نویسد: «بواسطه فرار اینها (۲ نفر از زندانیان) و شکایت مستحفظین عدلیه از نداشتن وسایل حفظ و حراست مجرمین قرار بر این میشود که جمعی از محبوسین عدلیه را به انبار شاهی ببرند از جمله شیخ محمود و رامینی که در عدلیه زنجیر است و از مقصرین مهم می‌باشد و در فتنه و رامین اردو کشی شده تا او را دستگیر نموده‌اند، او قطعاً به تحریک درباریان در ورامین برضد مجلس و مشروطه قیام کرده در این وقت که او را می‌خواهند به انبار ببرند هتاک می‌نموده به مأمورین عدلیه ناسزا می‌گوید آنها هم به اطاق جزا شکایت می‌کنند و پس از ثبوت تقصیر، تازه او را به چوب بسته سیاست می‌نمایند سیاست شدن شیخ محمود بعد از زنجیرگشتن سید محمد یزدی بر شاه و کارکنانش بسی ناگوار می‌گردد» مؤلف در این باره کمی بعد می‌نویسد «... از طرف شاه از چوب‌خوردن شیخ محمود گله میشود»^{۱۰}.

شیخ تا يك شب قبل از کودتا و به توپ بستن مجلس بوسیله قوای محمدعلی شاه در حبس بوده است.

شب کودتا از زندان مرخص و همراه محمدحسن خان قرچکی راهی ورامین میشود. شیخ در دوره کوتاه استبداد صغیر در ورامین انجمنی تشکیل داده و در آن فعالیت داشته است ولی در همین دوره مدتی را نیز در تهران زندگی می‌کرده و با دربار محمدعلی شاه رابطه نزدیک داشته است و در مراسمی که به مناسبت ورود تعدادی از کسانی که قبلاً بوسیله دولت مشروطه

۱۰- حیات یحیی - یحیی دولت‌آبادی - چاپ دوم، جلد دوم ص ۲۳۳ و ۲۳۴.

به کلات تبعید شده بودند در تهران شرکت کرده است. نوشته‌اند او حتی در این دوره به زندانهای سیاسی سرکشی میکرد و زندانیان را به باد فحش و زخم‌زبان میگرفته است.^{۱۱} غیر از آن از رفتار شیخ در این دوره که طبیعتاً دوره ترکتازی او نیز بوده اطلاعی در دست نیست.

وقتی خبر حرکت مشروطه‌خواهان از قزوین به سوی تهران منتشر میشود شیخ محمود با سواران خود وارد شهر شده و محافظت از محله سنگلج و چاله میدان تهران به او محول میشود.

در هنگام ورود مشروطه‌خواهان به تهران نیز به مقابله با آنها برمی‌خیزد. ملک‌زاده در زمینه مقابله نیروی شیخ محمود با مشروطه‌خواهان در تهران می‌نویسد:^{۱۲} «دو ساعت به غروب مانده نصراله‌خان برادر ابوالفتح‌زاده خسته و فرسوده وارد مسجد سپهسالار شد و به برادران ملی اطلاع داد گروهی حدود ۲۰۰۰ نفر که سردستگی آنها را صنیع حضرت و شیخ محمود بعهده دارند، در سیدجمال ما را از پشت سر مورد هجوم قرار داده و اگر آنها را متفرق نکنید خطر ایجاد می‌کنند».

مؤلف فوق‌الذکر در جای دیگر درباره جنگ ورامینی‌ها در محله سنگلج^{۱۳} به ریاست شیخ محمود با شجاع نظام يك مشروطه‌خواه قدیمی می‌نویسد: «...يك دسته از مشروطه‌خواهان بسرکردگی شجاع نظام، خیابان دروازه قزوین را که امروز به نام خیابان شاهپور خوانده میشود پیش گرفتند و به طرف میدان حسن‌آباد سرازیر شدند و پس از تصرف نقاط حساس به طرف محله سنگلج که از طرف صنیع حضرت اشغال و سنگربندی شده بود رفتند ولی هنوز چند کوچه را نپیموده بودند که با شلیک شدید ورامینی‌ها که ریاست آن را شیخ محمود عهده‌دار بود مواجه گشتند و با دادن چندین نفر کشته و زخمی مجبور به عقب‌نشینی

۱۱- واقعات اتفاقیه در روزگار - محمد مهدی شریف کاشانی جلد اول ص

۱۹۸.

۱۲- تاریخ انقلاب مشروطیت ایران. مهدی ملک‌زاده ص ۱۲۰۵.

۱۳- شیخ محمود مدتی در تهران و در محل سنگلج ساکن بوده همسر شیخ

نیز تهرانی و از خانواده نوایی بوده است.

شدند». درگیریهای تهران منجر به شکست قوای محمدعلی شاه شد و تعداد زیادی نیز در کشمکش‌ها کشته و زخمی شدند ولی شیخ موفق شد از این معرکه نیز جان سالم بدر برد. او برای آخرین بار بخاطر مخالفت با تأسیس پاسگاه ژاندارمری توسط سونددیها در امامزاده جعفر دستگیر و به زندان باغشاه تهران منتقل شد و تا سال ۱۲۹۲ محبوس بود و در سال ۱۲۹۲ هجری شمسی در باغشاه تهران به قتل رسید، درباره چگونگی قتل او گفته‌اند او را از محبس خلاص کرده و به او گفته‌اند تو آزادی و میتوانی به امامزاده جعفر برگردی، بعد از اینکه از اطاق محبس خارج شده و چند قدم می‌رود از پشت او را به گلوله می‌بندند و به قتل می‌رسانند.

حاج حسن خان قرچکی و مشروطه

یکی دیگر از مخالفان مشروطه در ورامین حاج حسن خان قرچکی بود او در وقایع مشروطه بطور فعال شرکت کرده و مدتی را در تهران با همراهان خود به حمایت از محمدعلی شاه و مخالفت با مجلس و مشروطه سپری کرده است او در میدان توپخانه در کنار اردوی شیخ محمود اردویی جداگانه داشته است. اما موقعی که محمدعلی شاه بعزت فشار مشروطه‌خواهان موقتاً عقب‌نشینی می‌کند تعداد طرفداران او در میدان توپخانه کم شده و خود او مجبور به ترك تهران شده است وی با فشار مجلس دستگیر و مدتی را در حبس بوده است.

او در راه مبارزه با مشروطه مبلغی قابل توجه خرج کرده و بدهکاری او را در این دوره تا مبلغ سی هزار تومان ذکر کرده‌اند و گفته‌اند که او تمام این مبلغ را در راه مبارزه با مشروطه خرج کرده است^{۱۴}. او که تا شب قبل از کودتا در زندان بوده قبل از به‌توپ بستن مجلس آزاد و همراه شیخ محمود به ورامین مراجعت کرده و اقدام به جمع‌آوری تفنگچی و آزار

۱۴- روزنامه اخبار مشروطیت نوشته احمد تفرشی حسینی، به‌کوشش ایرج افشار.

و اذیت مخالفین خود می‌کند. یکی از کسانی که مورد غضب حاج‌حسن‌خان واقع می‌شود شخصی بوده بنام میرزا بابا که سمت نویسندگی عین‌السلطنه را داشته است. حاج‌حسن‌خان، میرزا بابا را دستگیر کرده و در روستای رضی‌آباد به زنجیر می‌کشد و اموال او را همراه با اموال چند نفر از ساکنان روستای مذکور غارت می‌کند^{۱۵}. حاج‌حسن‌خان به بعضی از روستاها که مردم آن از مشروطه حمایت کرده بودند هجوم می‌برد او حتی از غارت اموال عابرین بی‌طرف نیز خودداری نمی‌کند و در این راه آنقدر پیش می‌رود که ساکنین بعضی از روستاها از ترس مجبور به فرار از روستاهای خود می‌شوند. مؤلف اخبار مشروطیت می‌نویسد: «او به سر پسرهای آقا علی‌اصغر عرب می‌رود و آنها مجبور میشوند از روستای خود فرار کنند.»

او بعد از ترک تازیهای فراوان در منطقه ورامین و بعد از اینکه بیشتر از آنچه در راه مبارزه با مشروطه خرج کرده بود از راه غارت بدست می‌آورد همراه تعدادی سوار که عده آنها را ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر ذکر کرده‌اند به تهران رفته به اردوی محمدعلی‌شاه ملحق شده و عنوان می‌کند که این اشخاص داوطلبند که جزو سوار باشند و به‌جان‌نثاری مشغول شوند. از سرنوشت محمدحسن‌خان بعد از ورود نیروی مشروطه به تهران و شکست محمدعلی‌شاه اطلاعی در دست نیست. بنا بر اظهار یکی از مطلعین محل محمدحسن‌خان بعداً با مشروطه‌خواهان کنار آمد و توانست خود را نجات دهد.

اقبال‌الدوله

اقبال‌الدوله نیز یکی از مخالفان مشروطه در منطقه ورامین بود این شخص اهل ورامین نبود ولی برای مدتی نسبتاً طولانی ریاست اداره املاک خالصه و عشایر ورامین را به‌عهده داشت و در این مدت توانسته بود مالکیت تعدادی از روستاهای ورامین

۱۵- روزنامه اخبار مشروطیت نوشته احمد تفرشی حسینی، به‌کوشش ایرج

افشار.

از جمله روستای کریمخانی در حاشیه سیاه کوه و اقبالیه را بدست آورد. او با شیخ محمود نیز آشنایی داشت و اولین بار بین دربار محمدعلی شاه و شیخ محمود ارتباط برقرار کرد. علاوه براین توانست تعداد زیادی از عشایر ابوابجمعی خود را برای پشتیبانی از محمدعلی شاه به تهران اعزام کند. رعایای بعضی از روستاهای خالصه نیز بدستور اقبال الدوله به حمایت جماعت میدان توپخانه راهی تهران شدند و به قول مؤلف روزنامه اخبار مشروطیت و انقلاب ایران^{۱۶} فریاد می زدند و می گفتند: «ما طالب قرآنیم - مشروطه نمی خواهیم». علاوه برآن اقبال الدوله رهبری «انجمن ورامین» را که در این دوره برای حمایت از محمدعلی شاه و مخالفت با مشروطه خواهان و به تشویق وی در ورامین تشکیل شده بود بعهده داشت (پیدایش و تحول احزاب سیاسی - ص ۱۵۲)

شرکت روستائیان در نهضت مشروطه

گرچه در کتب تاریخی که به توصیف یا تحلیل وقایع مشروطه اشاره دارند بیشتر روی شخصیت ها تاکید شده و کمتر به مردم و جریانه های کلی جامعه بها داده اند. با اینهمه از همین اندک هم چنین برمی آید که شرکت مردم روستاها در نهضت مشروطه قابل توجه بوده و در منطقه ورامین هر دو اردوی موافق و مخالف طرفدارانی داشته است.

همانطوریکه قبلا ذکر شد غارت بعضی از روستاها و آزار و اذیت ساکنین آنها به وسیله شیخ محمود و محمدحسن خان نشان دهنده این مطلب است که در بین روستائیان نیز مشروطیت طرفدار داشته است، گرچه آنها اکثر دنباله رو اربابها یا مأمورین دولتی به اینطرف و آن طرف کشانده میشدند بدون اینکه درک صحیحی از اوضاع داشته باشند. منتها طرفداران مشروطه بیشتر از روستاهای اربابی بودند که مالکین آنها با استفاده از اوضاع آشفته آن زمان قصد داشتند به خرده حسابهای

۱۶- احمد تفرشی حسینی، به کوشش ایرج افشار وقایع ۱۳۲۵ ه. ق. ص

خود با آن دسته از مأمورین دولت که مخالف خود می‌دانستند برسند یا اینکه به نحوی با حکومت شاه که بزرگترین رقیب آنها در منطقه محسوب میشد به تصفیه حساب پردازند و گرنه این قماش نیز نمیتوانستند با مشروطه و حکومت قانون سر سازگاری داشته باشند، همانطور که مخالفت اقبال‌الدوله یا شیخ محمود و حسن‌خان قرچکی نمیتوانست از روی دلسوزی و مصلحت‌خواهی باشد. نمونه‌هایی که از حامیان و مخالفان مشروطه در ورامین ثبت شده عموماً نشان میدهد که کمتر نشانی از ایمان و آرمان در بین سردمداران دو اردوی مخالف بوده است.

مؤلف روزنامه اخبار مشروطیت و انقلاب ایران^{۱۷} درباره وقایع سال ۱۳۲۵، بجز قمری از دو گروه مخالف ورامینی در تهران خبر میدهد که یکی از آنها از روستاهای اربابی و به حمایت مشروطه و گروه دیگر از روستاهای خالصه و به حمایت توپخانه آمده بودند^{۱۸}.

تعدادی از روستاهای بهنام سوخته نیز محل نگهداری رمه، اسبها، و مادیانهای ایلخی شاه و کارکنان آن نیز تفنگ‌بدستان بی‌جیره و مواجب جهت مقابله با مشروطه‌خواهان بودند. مستر-مارلینگت نیز در گزارش خود به سر ادواردگری درباره آنها می-نویسد: «صبح سه‌شنبه ۱۷ همین‌ماه (دیماه) ۱۲۸۶ عده‌ای از اهالی ساکنین در مرتع رمه و ایلخی شاه را که در نزدیکی ورامین واقع است به شهر آورده و در گوشه غربی میدان توپخانه چادر زده‌اند»^{۱۹}.

محمدعلی‌شاه حتی در روزهای آخر درگیری تهران و قبل از اینکه به سفارت روس پناهنده شود امیدوار بود که از ورامین عده‌ای برای کمک به او به سوی تهران روانه شوند^{۲۰}. حتی بعد از فرار محمدعلی‌شاه به سفارت روس به قدرت رسیدن

۱۷- احمد تفرشی، به‌کوشش ایرج افشار.

۱۸- میدان توپخانه مرکز اردوی مخالفان مشروطه از جمله شیخ محمود و حسن‌خان قرچکی بود.

۱۹- کتاب آبی - احمد بشیری جلد یک ص ۱۴۲.

۲۰- تاریخ بیداری ایران، ناظم‌الاسلام ص ۵۰۰.

مشروطه‌خواهان دولت مشروطه در ورامین تسلط چندانی نداشت و متنفذان محلی از تنبیه و مجازات ایلخی‌چی‌های دولت ابائی نداشتند.

عبدالله مستوفی^{۲۱} در این زمینه می‌نویسد: «پسرهای صارم‌الدوله که پسرهای بانوی عظمی و دخترزاده ناصرالدین‌شاه بودند معلوم نبود به چه مناسبت خود را وابسته روسها کرده و در جامه‌کاران^{۲۲} ورامین دو نفر قزاق گماشتند و از چرای مادیانهای دولت در لات جنب این ده که همیشه مرتع مادیانهای دولت بوده ممانعت میکردند و اگر ایلخی‌چی بدبخت اشتباهاً یا از روی ناچاری از آن حدود می‌گذشت بوسیله قزاق‌های خود او را حبس کرده شلاق می‌زدند»^{۲۳}.

۲۱- شرح زندگی من عبدالله مستوفی جلد دوم ص ۳۱۱.

۲۲- قلعه نو جامکاران از روستاهای بهنام سوخته است.

۲۳- ایلخی به اسب‌ها و مادیانهای دولتی گفته میشد ایلخی‌چی نیز کسی بود که کار مراقبت از اسب‌های ایلخی را به‌عهده داشت.

گفتار ششم

جنگ ارشدالدوله با قوای دولتی در امامزاده جعفر (پیشوا)

محمدعلی شاه بعد از شکست از قوای آزادی خواهان و پناهنده شدن به سفارت روس به روسیه تبعید شد ولی در مدتی که در روسیه بود نیز همیشه بفکر حمله به ایران و بدست آوردن تخت و تاج از دست رفته خود بود و برای نیل به این مقصود دست از هیچ کوششی برنمیداشت. یکی از وفادارترین یاران او ارشدالدوله بود که بارها به حمایت از محمدعلی شاه در نقاط مختلف با قوای دولتی جنگید و آنها را شکست داد و بالاخره آخرین بار در امامزاده جعفر ورامین شکست خورد و زخمی شد و بدست مشروطه خواهان اسیر و در محل مذکور تیرباران شد. ارشدالدوله که از سمت خراسان عازم تهران بود و در شعبان سال ۱۳۲۹ وارد دامغان شد و پس از درگیری مختصری قشون دولتی را شکست داده و ذخایر جنگی آنها را به تصرف درآورده و در حالی که تعدادی از سربازان دولتی نیز به اردوی او ملحق شده بودند راه ورامین را در پیش گرفت او در رمضان همان سال به ایوانکی وارد شد و با نیروهای دولتی که برای جلوگیری او اعزام شده بودند روبرو شد و بعد از جنگ مختصری آنان را شکست داد و به طرف امامزاده جعفر روانه شد، امیر مجاهد بختیاری هم با عده ای سوار بختیاری برای متوقف کردن ارشدالدوله به طرف خوار رفت ولی کاری از پیش نبرد و چون خود را در مقابل قوه ای که به مراتب از او نیرومندتر بود ناتوان

۱- تاریخ مشروطیت و انقلاب ایران. ملک زاده - کتاب هفتم ص ۱۴۲۶.

یافت مجبور به عقب‌نشینی شد.^۲

ارشادالدوله به پیروزی خود بر قوای دولتی در امامزاده‌جعفر امیدوار بود زیرا توانسته بود قبل از دشمن تپه‌های امامزاده جعفر را اشغال کند. راجع به اینکه چرا ارشادالدوله امامزاده‌جعفر را برای مقابله با قوای دولتی انتخاب کرد نظرها مختلف است. ملک‌زاده وجود طرفداران شیخ‌محمود و موقعیت خاص تپه‌های امامزاده جعفر را دلیل این کار ذکر کرده است. در صورتی که ابراهیم صفایی^۳ می‌نویسد: «ارشادالدوله قصد داشت شبانه به تهران حمله کند ولی چون دچار تب شدیدی شد اجباراً در امامزاده جعفر باقی ماند».

عبداله مستوفی^۴ با ملک‌زاده هم‌رأی بوده و دلیل این انتخاب را پشت‌گرمی ارشادالدوله به مشایخ پیشوا و عربهای ورامین ذکر می‌کند.

قبل از شرح درگیریهای دو طرف متخاصم بهتر است با تعداد و ترکیب نیروهای دو طرف آشنا شویم، درباره تعداد و ترکیب نیروهای دو طرف بین مورخین اختلاف نظر وجود دارد. ملک‌زاده تعداد و ترکیب نیروهای دو طرف را بشرح زیر بیان کرده است:

قوای ارشادالدوله مرکب از شش‌هزار افراد ترکمن و چند هزار سوار و پیاده متفرقه، شاه‌رودی، سمنانی و بجنوردی و طرفداران شیخ محمود در امامزاده جعفر.

اردوی دولتی شامل ششصد سوار بختیاری به سرکردگی سردار بهادر و سردار محتشم و ۲۰۰ نفر ژاندارم تحت نظر حسن‌خان فولادی معروف به کفری و بقیه از قزاق‌ها و مجاهدینی بودند که یفرم‌خان ارمنی نیز ریاست گروهی از آنها را به‌عهده داشت.

۲- محل استقرار بختیارپها قلعه غیاث‌آباد در جوار روستای جلیل‌آباد بوده است و هنوز آثار گلوله‌های توپ بر دیوار قلعه باقی است.

۳- رهبران مشروطه دوره اول ص ۵۵۰-۵۵۱ (این مؤلف همه‌جا در کتاب خود به اشتباه امام‌زاده جعفر را جعفرآباد نوشته است).

۴- عبدالله مستوفی شرح زندگانی من چاپ دوم. جلد دوم ص ۳۵۵.

مخبرالسلطنه هدایت^۵ تعداد و ترکیب نیروها را بشرح زیر بیان کرده است:

ارشالدوله با ۲۰۰۰ ترکمن و چریک و چهارده عراده توپ و قوای دولتی پانصد نفر سوار بختیاری و ۱۸۰ نفر داوطلب و ژاندارم بهمراه سه عراده توپ شنیدر روی يك عراده توپ مسلسل به ریاست سردار بهادر و امیر محتشم و امیر مجاهد بختیاری که در جلو حرکت کرده بودند و قبل از نیروی یفرم به امامزاده جعفر رسیده بودند. یفرم با سیصد و پنجاه نفر سوار و پیاده و يك عراده توپ ماکزیمم و سه عراده توپ شنیدر و همراه با ماژرها لآلمانی.

از آنجا که شرح درگیریهای قوای ارشالدوله با نیروهای دولتی را ملکزاده با جزئیات و تفصیل بیشتری بیان کرده ما کم و کیف این مبارزه را عیناً از قول این نویسنده نقل می‌کنیم. «اردوی ارشالدوله روز چهارشنبه دهم رمضان وارد امامزاده جعفر شد و تمام نقاط سوقالجیشی و بناهای محکم را اشغال کرد و تپه مرتفعی را که مشرف به قریه بود مرکز اردوگاه خود قرار داد. برای آنکه راه را بطرف طهران باز نماید به چهارصد نفر از سوارهای ترکمن دستور داد که به اردوی امیرمجاهد که در موقع عقب‌نشینی در يك کیلومتری امامزاده جعفر مقام گرفته بودند بتازند و آنها را از میان بردارند.

همینکه خبر ورود ارشالدوله باطلاع دولت رسید یفرم بدون فوت وقت باتفاق ماژرها ل با يك عراده توپ ماکزیمم و سه عراده توپ شنیدر و عده‌ای که برای مقابله دشمن آماده شده بودند بطرف ورامین حرکت کرد و در عقب او ششصد سوار بختیاری به سرکردگی سردار بهادر و سردار محتشم بختیاری راه ورامین را پیش گرفتند و در چند کیلومتری امامزاده جعفر متوقف شده به مشورت و مطالعه میدان جنگ پرداختند. سواران ترکمن با اردوی امیر مجاهد مشغول جنگ بودند و صدای توپ بگوش یفرم‌خان و سرداران بختیاری میرسید، یفرم با دوربین بطوریکه

۵- مخبرالسلطنه هدایت. ایران. قاجاریه و مشروطه ص ۲۷۵.

دشمن او را نبیند تمام نقاطی را که دشمن لشکرگاه خود قرار داده بود از نظر گذرانید و به سرعت نقشه میدان جنگ را در روی صفحه‌ای از کاغذ رسم نمود و در ضمن مطالعه در وضعیت محل متوجه شد که دشمن قوای خود را روی تپه بزرگ و عریضی که بر جلگه ورامین و جاده تهران مسلط است متمرکز و شش عراده توپ هم در نقاط حساس قرار داده است.

یفرم در ضمن بازدید و مطالعه محل متوجه شد که يك تپه مرتفع در چند صد قدمی شمال غرب اردوگاه که اهمیت سوق‌الجیشی مهمی داشت واقع و دشمن از اشغال آن تپه غفلت کرده و با اهمیت آن پی نبرده و با اشغال آن تپه میتواند باردوی ارشدالدوله تسلط یابد و دشمن را زیر آتش توپخانه بگیرد.

او به سرداران بختیاری دستور داد که در جناح راست قشون دشمن موضع بگیرند ولی از تصادف و مقابله خودداری کنند و تا زمانی که او تپه را اشغال نکرده تیراندازی نکنند ولی به محض آنکه صدای توپ از تپه مورد نظر بلند شد به جناح راست دشمن حمله ببرند و نیز به مجاهدین که تحت فرمانش بودند دستور داد در طرف چپ موضع بگیرند و در همان موقع که سواران بختیاری بطرف دشمن حمله میبردند آنان نیز به جناح چپ دشمن هجوم ببرند. پس از آنکه یفرم سفارشات لازم را به خوانین بختیاری و رؤسای مجاهدین و ژاندارمها داد خود باتفاق ماژرها لمانی و دو عراده توپ و پنجاه نفر مجاهد ورزیده و جنگ‌دیده بطوریکه دشمن متوجه نشود راه تپه مورد نظر را پیش گرفت و اردوی ارشدالدوله را دور زد و با زحمت از يك رودخانه خشك^۶ و عمیقی که در آن حوالی بود عبور نمود و خود را به عقب تپه رسانیده و با احتیاط بطرف بالاترین نقطه تپه رهسپار شد.

پس از اشغال تپه مورد نظر بنا بر امر یفرم توپها را در نقاط حساس که مسلط به اردوی ارشدالدوله بود استوار نمودند و مجاهدین و ژاندارمهایی که همراه او بودند در پناه تخته‌سنگها جای گرفتند. و پس از آنکه بوسیله دوربین و فرستادن چند

۶- مسیر عبور یفرم و نیروهای او را اهل محل از مسیر قلعه‌گیری به طرف چاله مورت (یورت) و قراء کرد ذکر می‌کنند.

جاسوس از وضعیت قشون دشمن آگاهی یافتند بطور ناگهانی اردوی ارشدالدوله را زیر آتش شدید توپخانه گرفتند همین که غرش توپها بگوش سرداران رسید سواران بختیاری تحت فرمان سردار بهادر و سردار محتشم با تهور بی نظیری بطرف جناح راست قشون ارشدالدوله که بواسطه شلیک شدید توپخانه دست و پای خود را گم کرده بودند حمله بردند و مجاهدین که تحت امر مستقیم یفرم بودند بنا به دستوریکه او داده بود از طرف چپ به اردوی ارشدالدوله حمله بردند.

اردوی ارشدالدوله که بطور ناگهانی مورد حمله واقع شده بود دچار بی نظمی و اختلال شد و بدون نظم و ترتیب به مقابله با قشون دولتی پرداخت جنگ سختی که در حدود سه ساعت طول کشید میان طرفین در گرفت و اسب و سوار بود که به زمین می غلطید.

ارشدالدوله با کمال رشادت در جلوی سواران خود می جنگید و آنها را به پایداری و مقاومت تشجیع میکرد و در نقطه ای که ضعف و ناتوانی قشون خود را ملاحظه میکرد بیاری آنها می شتافت ولی از بخت بد تیر خورد و به زمین افتاد.

ترکمن ها که از غرش توپها و تلفات زیادیکه داده بودند بی اندازه مضطرب شده و روحیه خود را از دست داده بودند همینکه مطلع شدند سردارشان زخمی شده و از کار افتاده است پای مقاومتشان سست شده و دسته دسته راه فرار را پیش گرفتند. مخبرین خارجی که در آن صحنه رستاخیز حضور داشتند مینویسند در حدود ۵۰۰ نفر کشته و مجروح در میدان جنگ جمع آوری شد و عده زیادی سوار ترکمن که زخمهایشان کاری نبود توانستند از میان جنگ جان به سلامت ببرند.

همینکه افراد اردوی ارشدالدوله راه فرار پیش گرفتند چند نفر از دوستان و مستخدمین صدیق ارشدالدوله کوشش کردند که او را که زخم برداشته بود و قادر به ایستادن روی پای خود نبود سوار بر اسب کرده نجاتش بدهند ولی سعی آنها بی فایده شد و ارشدالدوله بدست سواران بختیاری اسیر شد»^۷.

۷- اهالی پیشوا اظهار می کنند یکی از دلایل شکست ارشدالدوله این بود—

دکتر نورالله دانشور علوی که خود در صحنه درگیری حاضر و جزء گروه بختیاریه‌ها با قوای ارشدالدوله می‌جنگیده در رابطه با زخمی و اسیر شدن ارشدالدوله نظرش با نظر دکتر ملک‌زاده تفاوت دارد. او در این باره می‌نویسد «چون صدای گلوله توپ ارشدالدوله خاموش شد مجاهدین بختیاری و سواران یفرم با يك يورش تپه را اشغال نمودند در این هنگام بنده نگارنده (دانشور علوی) زودتر بالای تپه رسیدم و دیدم يك نفر مرد تنومند که آثار صلابت از چهره او هویدا است با سر و لباس مرتب به پهلوی کنار توپ افتاده است. مجاهدین او را که همان ارشدالدوله بود دستگیر نموده و امیر مجاهد و سایر خوانین باو محبت بسیار کردند وقتی اینجانب خواستم زخم او را پانسمان کنم معلوم شد گلوله استخوان او را سوراخ کرده و از طرف دیگر خارج شده است» دانشور علوی سپس اضافه میکند که سرداران بختیاری ارشدالدوله را پس از پانسمان با کمال احترام به قریه امامزاده جعفر فرستادند تا در آنجا استراحت کند و ضمناً چگونگی واقعه را به طهران گزارش داده از مرکز کسب دستور نمایند بنا به نوشته‌های دانشور علوی بختیاریه‌ها با اعدام ارشدالدوله موافق نبودند ولی دستور مرکز را ناچار بودند اجرا کنند.

او می‌نویسد حتی وقتی یفرم‌خان پیشنهاد کرد پنج نفر از بختیاری و پنج نفر از مجاهدین ارمنی محکوم را تیرباران کنند خوانین بختیاری به علت اینکه در میان ایل بختیاری اعدام زندانی یا اسیر معمول نیست از اجرای این امر خودداری می‌کردند. «ناچار اجرای حکم به پنج نفر از مجاهدین مسلمان قفقاز و پنج نفر از مجاهدین ارامنه محوله گردید».

ملک‌زاده در تاریخ خود چگونگی اعدام ارشدالدوله را بشرح زیر بیان می‌کند.

«ارشدالدوله بعد از اسارت تقاضای عفو می‌کند پذیرفته نمی‌شود و بالاخره صبح روز بعد از دستگیری او را که دستش

که بنا بر توافق دو طرف آتش‌بس چند ساعته‌ای اعلام شد و در نتیجه اکثر افراد ارشدالدوله با خیال راحت در باغهای پیشوا مشغول خوردن انجیر بودند که مورد حمله قوای دولتی قرار گرفتند.

باز بوده به نزدیک دیواری می‌برند و ابتداء بوسیله ژاندارمها و بعد مجاهدین ارمنی تیرباران میشود^۸. ابتداء ژاندارمها مأمور تیرباران او میشوند ولی چون مشکوک به نظر میرسند احضار شده و مجاهدین را برای تیرباران او اعزام می‌کنند.

ارشادالدوله در لحظه تیرباران بر روی زانو بلند شده و زنده باد محمدعلیشاه میگوید در موقع تیرباران او، خارجیانی که در آنجا حضور داشتند حالتش را بدون خوف و اظهار ندامت توصیف کرده‌اند^۹. در این درگیری چهار عراده توپ و چند صد قبضه تفنگ و مقدار زیادی فشنگ و اشیاء دیگر و در حدود ۲۰ نفر اسیر که اکثر آنها ترکمن بودند به تهران آورده و تسلیم مقامات می‌کنند ملک‌زاده در این قسمت می‌نویسد خوشبختانه چون ترکمن‌های شکست‌خورده و فراری تصور میکردند که بختیارها آنها را تعقیب خواهند کرد فرصت غارت دهات و قصبات را پیدا نکرده و سعی کردند هرچه زودتر خود را به مساکنشان برسانند.

البته گرچه اموال مردم ورامین به وسیله ترکمن‌ها غارت نشد ولی طرف غالب که همان سواران و مجاهدین اعزامی از تهران بودند از غارت اموال و احشام مردم این منطقه خودداری نکردند شاید آنها هم میخواستند جیره و حقوق عقب‌افتاده خود را که دولت مشروطه از پرداخت آن عاجز بود از راه غارت اموال مردم ورامین بدست آورند بهر جهت مردم ورامین از این نظر شانس آوردند زیرا اگر ارشادالدوله و سواران ترکمن او فاتح میشدند غارت با قتل و اسارت مردم همراه بود ولی اردوی دولتی فقط به غارت بسنده کرد گرچه بعضی از سواران فاتح مدتها در این منطقه ماندند و گاهی نیز دست به جنایاتی میزدند ولی شواهدی در دست نیست که آنها بعد از شکست ارشادالدوله و

۸- محل تیرباران ارشادالدوله را در محل معروف به حیاط باغچه جلوی صحن امامزاده جعفر ذکر می‌کنند.

۹- بعضی از مورخین شکست و اعدام ارشادالدوله را در امامزاده جعفر ورامین پایان سلطنت قاجارها میدانند اگر این نظر درست باشد میتوان گفت که در ورامین قاجارها به سلطنت رسیدند و در ورامین از اریکه قدرت به زیر کشیده شدند.

غارت اموال مردم دست به قتل و اسارت زن و فرزند آنها زده باشند.

ملك زاده که ما در تدوین مطالب مربوط به مشروطه استفاده زیادی از کتاب تاریخ مشروطه او کردیم عموماً در بحث از مشروطه تلاش در منزه جلوه دادن مشروطه خواهان دارد با این همه خود به غارت اموال و احشام مردم توسط مشروطه خواهان اذعان کرده و می نویسد وقتی برای استقبال سرداران فاتح به حضرت عبدالعظیم رفته به چشم خود دیده که سوارهای بختیاری قاطر، الاغ و اسبهای غارتی را از اموال و اشیای گوناگون بار کرده و به خانه های خود می برده اند.^{۱۰}

در پیشوا کمتر محله و خانه ای از شر غارت غارتگران در امان ماند فقط ساکنان يك یا دو کوچه بخاطر آشنایی که یکی از ساکنان آن با بعضی از سران بختیاری داشت از غارت مصون ماند.^{۱۱}

۱۰- از اثنایه خانه بیشتر به غارت فرش و قالی می پرداختند به طوریکه بیشترین نوع وسیله غارت شده فرش و قالی بوده است.

۱۱- شاید از این واقعه و وقایعی از این قبیل بتوان ریشه خیلی از بی تفاوتی ها و کنارنشستن های مردم را درك کرد زیرا آنها آموخته اند که فتح و غلبه هیچ يك از دو طرف درگیر بهر جهت وضع آنها را بهتر نخواهد کرد.



ارشادالدوله - (اقتباس از کتاب فتح تهران - عبدالحسین نوایی).

اوضاع ورامین در اواخر قاجاریه و اوایل پهلوی
با وجود استقرار مشروطیت و شکست ارشدالدوله و
دستگیری و اعدام او و دستگیری و قتل شیخ محمود سلسله قاجار
هنوز در ورامین طرفداران زیادی داشتند و به حمایت آنها
پشت گرم بودند. علاوه بر روستاهای خالصه که اهالی آنها خود
را رعیت شاهان قاجار دانستند و از آنها حمایت می کردند بعضی
از عشایر نیز از حامیان خانواده قاجار بودند. ملک الشعرا بهار
در شرح وقایع سالهای قبل از کودتای ۱۲۹۹ با (عنوان مردم به
فکر کودتا افتاده بودند) می نویسد: «سالار جنگ یکی از پسران
بانوی عظمی در ورامین تعداد تفنگ راه انداخته و عده ای
تفنگچی دور خود جمع کرد»^۱.

بعد از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ نیز بازماندگان خاندان
قاجار روی قوای طرفداران خود در ورامین حساب می کردند و
امیدوار بودند. مخبرالسلطنه^۲ هدایت در شرح وقایع سال ۱۳۰۳
هجری شمسی می نویسد «احضار شدم (مؤلف از طرف محمد -
حسن خان قاجار ولیعهد احضار شده است) جماعتی از ورامین
دعوت شده اند و شهرت دارد که به گلستان حمله خواهند کرد
همان جماعت که از زمان محمد علی شاه به شهر خواسته شده
بودند که به مجلس بریزند». سیاست انتقالی و اسکان اجباری
عشایر و سران آنها به ورامین که از قرنهای قبل آغاز شده بود
در دوره رضاشاه نیز ادامه یافت چنانکه خسرو و ناصر قشقایی
پسران صولت الدوله نیز مدتی در روستای سرگل تحت نظر بودند
و این روستا در قبال املاکی که توسط رضاخان از آنها در فارس

۱- تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران جلد اول چاپ سوم ص ۶۱.

۲- خاطرات و خطرات وقایع سال ۱۳۰۳ چاپ دوم ص ۲۶۶.

ضبط شده بود به آنها داده شد.^۳
آیتا... مدرس نیز مدتی را به حالت تبعید در ورامین^۴ و
احیاناً در روستای گرگتپه که امروز بنام آن شهید نامگذاری
شده تحت نظر بوده است.

سیاست مبارزه با مذهب رضاخان در ورامین نیز اجرا شد
بطوریکه گفته‌اند در آستانه به قدرت رسیدن او در منطقه ورامین
متجاوز از ۷۰ نفر روحانی به وعظ و ارشاد مردم مشغول بودند
که در طی این دوره بتدریج از تعداد آنها کاسته شد.^۵

رضاخان در ورامین نیز مانند خیلی از نقاط دیگر کشور
املاک و روستاهایی را ضبط کرد این روستاها عبارتند از: ۱-
رین و باجک (معروف به قشلاق کاظم‌آباد) ۲- قریه گل‌عباس
۳- خیرآباد ۴- خورین ۵- کتلان ۶- محمودآباد (خورین) ۷-
عباس‌آباد سرگل ۸- حصار کلک ۹- ارمبویه ۱۰- صالح‌آباد
۱۱- پلشت ۱۲- یبرود اغلان ۱۳- خاتون‌آباد ۱۴- مامازند
۱۵- جیتو ۱۶- قوه و مزرعه قزلاق ۱۷- گرگتپه ۱۸-
حاجی‌آباد (واقع در بهنام پازوکی) ۱۹- جعفرآباد اخوان ۲۰-
قاسم‌آباد اخوان ۲۱- داودآباد و مزرعه رستم‌آباد ۲۲- خاوه
۲۳- موسی‌آباد کاشانی ۲۴- مافی‌آباد ۲۵- باقرآباد.

قراء و اراضی فوق را رضاخان بیشتر در سالهای ۱۳۱۷ تا
۱۳۲۰ تصرف کرد و در شهریور ۱۳۲۰ هنگام خروج از ایران
در دفترخانه اصفهان آنها را به ولیعهد خود واگذار کرد بعضی
از این روستاها بعد از شهریور ۱۳۲۰ به مالکین آن واگذار شد
ولی تعدادی از روستاهای خالصه در سالهای ۲۹ و ۱۳۲۸ به
موجب قانون مصوب مجلس دوباره به تصرف محمدرضا شاه درآمد
بطوریکه قبل از اصلاحات ارضی، املاک قراء سعدآباد (قوشچی)
حاجی‌آباد (جنب قلعه‌نو) داودآباد - خاتون‌آباد - حصار کلک -
صالح‌آباد - پوئینک - محمودآباد - کتلان - خورین - خیرآباد -

۳- اطلاعات اخذ شده از اداره ثبت ورامین.

۴- دریای گهر، مهدی حمیدی چاپ هفتم.

۵- تعداد و اسامی این افراد را برادر علیرضا طالقانی دبیر آموزش و
پرورش ورامین که خود نوه یکی از این افراد است در اختیار نگارنده قرار داد.

گرگ تپه و رین و باجک در اختیار خانواده پهلوی و اراضی روستاهای یوسف آباد - جلیل آباد - شترخوار (خار) علی آباد - محمد آباد - گل عباس و خاوه جزو املاك خالصه بودند^۶.

نحوه قیمت گذاری اراضی که به تصرف رضاخان درآمد بر پایه ۱۰ برابر عواید سالانه ملك بود البته در قیمت گذاری نیز اعمال نفوذ شد و قیمت ها از ارزش واقعی این املاك به مراتب کمتر بود و همین مبلغ نیز تماماً پرداخت نشد در این قسمت به قیمت بعضی از روستاها و تاریخ انتقال آن اشاره می شود^۷.

نام روستا	سال انتقال	قیمت به تومان
۱- رین و باجک	۱۳۱۹	۳۰۰۰۰ تومان
۲- خورین	۱۳۱۷	۱۷۸۲۶۹ تومان
۳- کتلان	۱۳۱۷	۱۷۸۲۶۹ تومان
۴- حصاركلك	۱۳۱۷	۱۷۸۲۶۹ تومان

لازم به تذکر است اکثر روستاهای مورد معامله دارای قنات و حقا به از رودخانه جاجرود و بعضی نیز دارای آسیاب، کوره کول پزی، و يك یا چند باغ بوده اند. همانطور که گفته شد قیمت تعیین شده اراضی نیز تماماً پرداخت نشد.

بعنوان نمونه بعد از شهریور ۱۳۲۰ راجع به اعلام جرم بر علیه محمود بدر وزیر دارائی رضاخان در خصوص فروش املاك روستای خیرآباد در کتاب سیاست موازنه منفی چنین نقل شده است^۸.

(گزارش آقای مجیدزاده در مورد خیرآباد حاکی است قریه خیرآباد در سال ۱۳۱۷ ضمن سایر خالصجات در اجرای قانون فروش املاك خالصه بطور آزاد و بوسیله اشخاص بصیر و مورد اطمینان به مبلغ ۸۸۹۵۱ تومان ارزیابی شده بود که در همان

۶- این اطلاعات را آقای هوشنگ هداوند خانی کارمند اداره کشاورزی ورامین در اختیار نگارنده قرار داد.

۷- این اطلاعات و آمار را برادر حاج محمد کبریایی کارمند اداره ثبت ورامین در اختیار نگارنده قرار داد.

۸- کتاب سیاست موازنه منفی جلد دوم ص ۱۷۰.

سال بطور غیر ازاد به قیمت فروش به اعلیحضرت سابق به مبلغ
۱۹۹۹۹/ تومان و هفت ریال تقدیم گردید و برگهای هردو
ارزیابی در يك پرونده وصل بهم بایگانی شده است).



فر. ۱۳۹۱. تاریخ ۱۳۹۱. ۱۳۹۱.

پروک - **ناجیہ** -

100

فرصت‌های بهت‌ناک در دفتر ایوان

نست ت تدوین

غل تصديق مدير نيت اساد و اميرك لادن .

5.

گفتار هشتم

منطقه ورامین در دوره قاجار به چند بخش تقسیم میشده است امروز شهرستان ورامین به چهار دهستان بنامهای: ۱- بهنام عرب ۲- بهنام پازوکی ۳- بهنام وسط ۴- بهنام سوخته تقسیم میشود. وجه تسمیه بهنامهای عرب و پازوکی بخاطر اینست که این دو قسمت بیشتر محل سکونت دو طایفه به همین نام است. درباره وجه تسمیه بهنام سوخته نیز بعداً توضیح داده خواهد شد ولی مشخص نیست بهنام وسط چرا به این نام معروف شده است و این تقسیم‌بندی از چه زمان و بر اساس چه مبنایی انجام گرفته است. ولی در اسناد دوره قاجار از پنج بهنام به نام ۵ طایفه معروف و قدیمی که از زمان صفویه به بعد به ورامین انتقال داده شده‌اند اسم برده شده است. قبل از آنکه درباره ۵ طایفه مورد نظر و بهنامهای هم‌نام آنها توضیح داده شود باید اشاره کنیم که قدیمی‌ترین سندی که در آن به واژه بهنام اشاره شده نزهة القلوب حمدا... مستوفی است.^۲ او در خصوص تقسیمات ری می‌نویسد: «ولایت ری به چهار قسم است. ناحیه اول بهنام و در او شصت پاره دیه است ورامین و خاوه از معظم قرای آن ناحیه است».

۱- در کتاب مطلع الشمس (منسوب به محمدحسن‌خان صنیع‌الدوله (اعتماد السلطنه) چاپ ۱۲۶۲ ص ۲۳۹ و بعد) با عنوان «راجع به نگارش جناب امین‌السلطان در شرح خوار و قسمتی از ورامین در سال ۱۲۹۷ به نام امین‌السلطان ثبت شده است همین مقاله با مضمون کاملاً یکسان در سال ۱۲۹۷ بنام شخصی بنام محمدعلی-خان نائینی تحت عنوان «سفرنامه خوار و ورامین» در کتابخانه سلطنتی سابق و بصورت نسخه خطی موجود است».

۲- نزهة القلوب. حمدالله مستوفی (تألیف نزهة القلوب قرن ۸ ه. ق است).

اما در توجیه این تقسیم‌بندی میتوان گفت که طوایف پنجگانه که بافت عشایری داشته و به دلایل گوناگون که عمده آن سیاسی بوده به این منطقه کوچ داده شده‌اند اقتصادی مبتنی بر دامداری داشته و برای تأمین مرتع و علف و سیر کردن گله‌های گوسفند همراه دامهای خود در سطح منطقه جابه‌جا میشدند ولی تعلیف تعداد زیادی دام در این منطقه مشکلاتی را همراه داشت و باعث درگیری و جنگ طوایف برای گسترش محدوده چرای دامهای خود میشده است. جنگ و ستیز این طوایف که در منطقه نفوذ و قدرت زیادی داشتند حکومت را ناگزیر به دخالت کرده و اراضی این منطقه را از جهت چرای دامها به پنج قسمت به نام پنج طایفه تقسیم کرده و اعضای هر طایفه را ملزم کرده که دامهای خود را فقط در محدوده تعیین شده بچرانند و از بردن گله‌های خود به محدوده طوایف دیگر خودداری کنند.

۵ بهنامی که در اسناد دوره قاجاریه از آن اسم برده شده بشرح زیر است:

۱- بهنام عرب که محدوده عشایر عرب بوده است این طایفه همانطوریکه قبلاً گفته شد در زمان نادرشاه و بدستور او به این منطقه کوچ داده شده‌اند. این طایفه در زمان قاجاریه مثل امروز بیشتر در جنوب و جنوب شرقی منطقه ورامین زندگی میکردند.

۲- بهنام سیل‌سپور یا سیرسپور که محدوده عشایر سیل-سپور بوده درباره زمان و علت کوچ این طایفه به منطقه ورامین بعداً توضیح داده خواهد شد. محل استقرار این طایفه در زمان قاجاریه بیشتر در غرب منطقه ورامین و اکثراً در روستاهای خورین - محمودآباد - کتلان - ایجدان و ایجدانک بوده است.

۳- بهنام قجر که محدوده عشایر قجر یا قاجاریه بوده است درباره تاریخ کوچ این طایفه به ورامین در صفحات بعد بحث میشود. محل استقرار این طایفه در شمال ورامین و بیشتر در روستاهای سعیدآباد و جمال‌آباد بوده است.

۴- بهنام پازوکی که محدوده زندگی عشایر پازوکی بوده است درباره تاریخ کوچ و موطن اصلی این طایفه در آینده بحث خواهد شد. محل زندگی این طایفه نیز بیشتر روستاهای شمال و شمال غربی منطقه ورامین بوده است.

۵- بهنام بوربور که محدوده زندگی عشایر (بوربور) یا (بربر) بوده است.

از دلایل تغییر تعداد بهنام‌ها و اسامی بعضی از آنها اطلاعات کمی در دست است در علت تغییر بهنام بوربور به بهنام سوخته^۲ چنین نوشته‌اند که آفت سن که همه ساله محصول گندم را در معرض خطر قرار میداد و در این قسمت از ورامین (بهنام بوربور) بیشتر از قسمت‌های دیگر خسارت وارد میکرد و برای مبارزه با آن کمتر راه چاره‌ای به نظر میرسید در زمان نادرشاه بالاخره چاره را در آن دیدند که این منطقه را کلا بسوزانند تا بلکه چاره این آفت شود و از آن به بعد این بهنام به سوخته معروف شد. بوربورها در زمان قاجاریه مثل امروز بیشتر در روستاهای بهنام سوخته یعنی در شمال شرقی و شرق منطقه ورامین مستقر بوده‌اند.

تغییر نام بهنام قجر نیز با روی کار آمدن سلسله پهلوی و قجرزدائی در این دوره امری طبیعی به نظر میرسد. اما درباره علت حذف یا تغییر بهنام سیل‌سپور اطلاعی در دست نیست. لازم به تذکر است که در اسناد دوره قاجاریه هر جا لفظ «بهنام» بدون پسوند بکار رفته مراد بهنام سوخته بوده است.

۳- گزارش امین‌السلطان راجع به خوار و قسمتی از ورامین یا گزارش نائینی از خوار و ورامین.

وضع مالکیت اراضی در دوره قاجاریه

قدیمی‌ترین سندی که راجع به مالکیت اراضی ورامین در دست می‌باشد متعلق به زمان محمدشاه قاجار است این سند نشان می‌دهد که خانواده قاجار بخش عمده‌ای از اراضی و املاک ورامین را در اختیار داشته‌اند تصاحب املاک ورامین بوسیله قاجارها که از قبل از به سلطنت رسیدن آقامحمدخان شروع شده بود در زمان سلطنت این خانواده روند شدیدتری پیدا کرد اولین پادشاهی که از خانواده قاجار فرصت ضبط املاک ورامین را بدست آورد فتحعلی‌شاه بود طبق اسناد موجود فرزندان او هرکدام چند روستا را در ورامین مالک بوده‌اند حتی عزت‌نساء دختر او و همسر حاج‌میرزا آقاسی چند روستا را مالک بوده‌است. علاوه بر شاه خوانین و سران عشایر نیز هرکدام مالک یک یا چند روستا بوده‌اند از جمله علی‌محمد، عباس‌خان، رفیع‌خان قاجار، حاجی اسماعیل کارخانه، محمدحسن‌خان پازوکی و محمودخان کردبچه.

در بین فروشنندگان املاک به حاج‌میرزا آقاسی اسامی افرادی چون سیدحسن امام‌جمعه، ملاابوالحسن تهرانی و آخوند ملایوسف مازندرانی نیز به چشم می‌خورد. بسایین همه از اسناد دوره قاجاریه نمیتوان به وضع مالکیت اراضی در ورامین پی برد زیرا در این اسناد فقط به املاک خالصه و املاک بعضی از رجال سیاسی اشاره شده است در نتیجه تعیین میزان اراضی و املاک خرده مالکی، وقفی و عمده مالکی مقدور نیست فقط در این زمینه میتوان به اسناد دوره پهلوی استناد کرد براساس این اسناد از کل روستاهای منطقه ورامین در سالهای ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱ املاک تمام یا قسمتی از ۲۴ روستا وقف عام و قسمتی از املاک ۲

روستا وقف خاص و ۱۳ روستا املاك سلطنتی و ۷ روستا نیز در تصرف دولت بوده است و در مرحله اولیه اصلاحات ارضی ۴۴ روستا که در تصرف مالکین عمده‌ای که بیشتر از یک روستا را مالك بوده‌اند تقسیم شده است.

منابع آب زراعی در این دوره

آب جهت آبیاری به علت میزان نسبتاً کم بارندگی سالانه در تولید زراعی نقش مهمی داشته و خیلی از اختلافات روستایی حول و حوش مسائل مربوط به آب دور میزده است.

از طرفی نزدیکی به کوههای پر برف البرز و جاری بودن رودخانه جاجرود در این منطقه باعث ایجاد ذخیره عظیمی از آب‌های زیرزمینی شده است بطوریکه قبل از حفر چاههای عمیق و استفاده بی‌رویه از این ذخایر در بعضی نقاط آن سیاه‌آب‌هایی وجود داشت که از زمین آب بصورت زه خارج میشد ناگفته‌نماند که بعضی از قنات‌های معروف از جمله قنات روستاهای طغان-خواه و شهرستان در محل همین سیاه‌آب‌ها حفر شده است. وجود ذخایر زیرزمینی آب حفر تعداد زیادی قنات را در این منطقه امکان‌پذیر ساخته بود.

آب مورد نیاز از رودخانه جاجرود و قنات تأمین می‌شده است. تعداد زیادی از روستاها از رودخانه جاجرود حقا به‌داشتند و بقیه روستاها برای مشروب‌کردن زراعت میتوانستند در برابر پرداخت پول از آب رودخانه استفاده کنند آب این رودخانه در محل کبودگنبد به شاخه‌هایی تقسیم میشد در گزارش امین‌السلطان اشاره شده که آب رودخانه جاجرود در نزدیکی کبودگنبد به ۱۰ شاخه تقسیم شده است. علاوه بر آن بیشتر روستاها از آب قنات نیز استفاده می‌کردند.

تعداد قنات منطقه ورامین را در اواخر قاجاریه^۱ ۲۳۰ و کمی بعد حدود ۲۲۳ رشته ذکر کرده‌اند.

۱- میلسپو. مأموریت آمریکائیه‌ها در ایران، چاپ اول ص ۲۲۵.

آمارهای بعدی نیز نشان می‌دهد که قنات در این دوره رو به خرابی بوده است.

آب قنات اگر باندازه کافی بود برای به‌چرخش درآوردن سنگ طاحونه (آسیاب) مورد استفاده واقع می‌شد. بعضی از قنات سنگ چند آسیا را در مسیر خود به حرکت در می‌آوردند مثلاً قنات گل‌گشنی که از باغهای قراکرد سرچشمه می‌گرفت و اراضی طغان را مشروب می‌کرد سنگ ۵ حجر طاحونه را در مسیر خود به‌چرخش درمی‌آورد قنات شهرستان که در زمان ناصرالدین‌شاه بوسیله شخصی به نام میرزا حسین بلور^۲ حفر شد و بخشی از آب آن از چشمه خانعلی^۳ تأمین می‌شد ۶ حجر طاحونه را به‌چرخش درمی‌آورده است. قنات خاوه که از قسمت شمال قراکرد سرچشمه می‌گرفته تعداد ۱۰ حجر طاحونه را می‌چرخانده است.

قدرت به حرکت درآوردن سنگ آسیا خود بعنوان واحد سنجش برای تعیین آب قنات بکار میرفت مثلاً اگر قناتی آنقدر آبدهی داشت که بتواند سنگ آسیا را به حرکت درآورد در اصطلاح محل دارای يك سنگ آسیا آب داشت^۴.

احداث قنات جدید و تعمیر و کول^۵‌کشی قنات قدیمی در روستاهای خالصه زیر نظر مقنی‌باشی انجام می‌گرفت.

۲- صورت املاك خالصه تهران.

۳- این چشمه در نزدیکی روستای رودبارك واقع است و چون آب آنرا برای مداوای بعضی از امراض مؤثر می‌دانستند تعداد زیادی از مردم از دور و نزدیک برای استفاده از آب این چشمه به آنجا می‌رفتند (دفتر املاك خالصه).

۴- سنگ آسیا نباید با مقدار يك سنگ آب که حدود ۱۲ لیتر در ثانیه است اشتباه شود به نظر میرسد که «سنگ آسیا» خیلی بیشتر از ۱۲ لیتر در ثانیه باشد در اسناد املاك مربوط به حاج میرزا آقاسی يك «سنگ آسیا» آب را مقدار آبی دانسته که در يك مجرا بعرض يك متر و به عمق يك وجب جریان یابد.

۵- کول به فتح (ك) و (و) وسیله‌ای که برای جلوگیری از ریزش مجرای زیرزمینی قنات مورد استفاده قرار می‌گرفت شکل آن بیضی بود در گذشته بیشتر از سفال تهیه می‌شد ولی اخیراً نوع سیمانی آن نیز رواج یافته است.

تعیین نوبت آب در اول سال زراعی و از طریق قرعه که در اصطلاح محلی پشك گفته میشد انجام میگرفت گردش آب یعنی فاصله بین دو نوبت متوالی آب هر کشاورز در روستاهای مختلف بین ۶ تا ۱۲ روز در نوسان بود.

گفتار دهم

اجاره بهای بعضی از روستاها در دوره قاجاریه

همانطور که گفته شد روستاهای خالصه بیشتر اجاره داده می‌شد حق‌الاجاره موقع برداشت محصول وصول می‌شد دولت بذر مورد نیاز مستأجر را در اختیار او می‌گذاشت و در هنگام برداشت خرمن آنرا وصول میکرد. سهم‌الاجاره بصورت نقدی و جنسی که معمولاً شامل غله (جو و گندم) و گاه بود دریافت می‌شد.

در این قسمت به اجاره‌بهای تعدادی از روستاهای منطقه ورامین اشاره می‌کنیم.

اسم روستا یا روستاها	(ق. ه) تاریخ اجاره	مدت اجاره	اجاره‌بها
۱- (محمودآباد - خیر آباد - صالح‌آباد - فخرآباد (سه دانگ) - حصار امیر (۲) دانگ) مبارک‌آباد)	بین سالهای ۱۲۶۴ تا ۱۲۵۰	۱ سال	۶۰۰۰ تومان محمد شاهی
۲- خیرآباد - قوچ حصار و سعدآباد (۲) دانگ)	۱۳۰۰ و ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳	۳ سال	نقد ۲۵۷۸۵ تومان غله ۲۳۴۰ خروار گاه ۲۳۴۰ خروار
۳- داودآباد (همراه با آسیا) ^۱	۱۳۰۲	۱ سال	نقد ۳۰۰۰ تومان گندم ۱۳۹۳ خروار جو ۱۲۵۶ خروار گاه ۲۵۱۲ خروار

۱- رقم مربوط به اجاره بهای روستای داودآباد در مقایسه با روستاهای دیگر غیر عادی به نظر میرسد.

۴- حصار كلك	۱۳۰۱	۱ سال	نقدر ۴۵۰ تومان غله ۶۰۰ خروار كاه ۶۰۰ خروار
۵- كبود گنبد	۱۳۰۱	۱ سال	پول نقد ۲۳۰ تومان غله ۲۱۲ خروار كاه ۲۱۲ خروار
۶- امامزاده جعفر ۲	۱۳۰۹	۱ سال	ش . ه ۲۲۵۰ تومان

۲- همانطور كه تاريخ اجاره نشان ميدهد مربوط به اوائل سلسله پهلوي است.

[illegible][illegible]

2-
علاوة على ذلك، فإننا نلاحظ أن

[illegible][illegible]

علی اللہ نہ دلا بر نامہ عرب الحالت یافت و در این نامہ و خبر از صاحب خدمت می گویم
 از حدیث صاحب راجع به دفع کفر که فرموده است که از باب و از این که از باب
 نام دارد است و در حدیث فرموده است که از باب و از این که از باب
 از حدیث صاحب راجع به دفع کفر که فرموده است که از باب و از این که از باب
 نام دارد است و در حدیث فرموده است که از باب و از این که از باب

اجاره‌نامه روستای حصارکلیک در سال (۱۳۰۱ ه. ق.).

گفتار یازدهم

پادشاهان قاجار بزرگترین مالکین ورامین شدند

بعد از اینکه تهران پایتخت شد پادشاهان و خوانین قاجار علاقه زیادی به خرید اراضی و املاک در منطقه ورامین پیدا کردند. بطوریکه پادشاه بزرگترین مالک منطقه به حساب می‌آید گرچه خوانین قاجار حتی قبل از به قدرت رسیدن املاک نسبتاً زیادی در ورامین تصرف کرده بودند ولی روند تصرف اراضی در دوره سلاطین قاجار بیشتر شد. از بین پادشاهان قاجار محمدشاه و ناصرالدین‌شاه بیشتر از پادشاهان دیگر این خانواده به ضبط املاک پرداختند. به همین علت هنگام اعطای مشروطیت املاک خالصه‌ای را که در آن زمان وجود داشت برحسب اصل و منشأ هریک از املاک به سه دسته عمده تقسیم کردند^۱.

۱- املاکی که در رقبات نادری ثبت شده بود این املاک عبارت بود از زمینهایی که در زمان نادرشاه از طرف دیوان ضبط شده بود.

۲- خالصه‌های^۲ محمدشاهی.

۳- خالصه‌های ناصرالدین‌شاهی یا ناصری.

دسته دوم و سوم مشتمل بر املاکی بود که بابت مالیات معوق یا به علل دیگر ضبط کرده بودند همچنین بعضی املاک که دولت خریده و مالک شده بود. علاوه برآن اگر کسی مورد غضب شاه واقع میشد اراضی و املاکش ضبط میشد خلاف آن نیز واقع میشد یعنی شاه به کسانی که مورد لطفش واقع میشدند گاهی عواید ملکی را برای مدتی به او می‌بخشید و در بعضی موارد مالکیت زمین به او واگذار میشد.

۱- مالک و زارع در ایران - لتون ص ۴۲۵ و ۴۲۴.

۲- املاک خالصه به املاک دولتی یا املاکی که در اختیار حکومت بود اطلاق

می‌شد.

حیف و میل و سوء استفاده گردانندگان این اراضی باعث میشد که چیزی از بهره و عواید اراضی خالصه به خزانه حکومت وارد نشود و املاک و روستاها عموماً رو بویرانی باشد^۳ به همین علت در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه به صلاحدید امین السلطان تعداد زیادی از روستاهای خالصه فروخته شد.

البته ناصرالدین شاه در فرمان خود مبنی بر فروش املاک خالصه اطراف تهران را (ورامین) مستثنی کرده و در نتیجه از فروش خالصه‌های ورامین نیز جلوگیری شد. بطوریکه در اواخر دوره قاجاریه تعداد روستاهای خالصه در ورامین افزایش یافت زیرا تعداد روستاهای مذکور در دوره ناصری حدود ۳۰ روستا بود در صورتی که دکتر میلسپو^۴ که بین سالهای ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۶ ریاست کل مالیه ایران را به عهده داشته تعداد روستاهای خالصه ورامین را ۵۲ روستا ذکر کرده است.

محصول غله این روستاها که متعلق به شاه بود تنها ارزش اقتصادی نداشت بلکه نان جمعیت پایتخت را که بعضی سالها آنرا قحطی و گرسنگی تهدید می کرد و می توانست محرك آشوبها و ناآرامیها باشد تأمین می کرد عبدالله مستوفی در این باره چنین می نویسد^۵ «در سالهایی که وضع غله خوب نبود شاه برای مبارزه با احتکار محصول غله روستاهای خالصه را به تهران حمل و با قیمت مناسب در اختیار خبازها می گذاشت» از میان پادشاهان قاجار بنا بر آنچه دکتر ملک زاده می نویسد احمدشاه ترجیح می داد در سالهای قحطی غله روستاهای مذکور را خود نیز به قیمت گزاف به اهالی تهران بفروشد برای همین موضوع بود که بعضی لقب علاف را برای او انتخاب کرده بودند^۶. مستثنی شدن فروش املاک خالصه ورامین و اطراف تهران حتی در زمان رضاشاه و در سال ۱۳۱۲ که قانون دیگری راجع به فروش (خالصجات و

۳- مالك و زارع در ایران. لتون ص ۲۸۷.

۴- مأموریت آمریکائیه در ایران - دکتر میلسپو - ترجمه دکتر ابوترابیان

چاپ اول ص ۲۲۵.

۵- شرح زندگانی من - عبدالله مستوفی جلد اول ص ۴۸۷ و ۴۸۸.

۶- تاریخ انقلاب مشروطیت ایران - دکتر مهدی ملک زاده چاپ دوم ص

۱۶۲۲.

قرضه‌های فلاحتی و صنعتی) از مجلس گذشت رعایت شد ولی بالاخره قانون اجازه فروش «خالصجات اطراف تهران» به تصویب رسید. براساس قانون فوق می‌بایست املاك خالصه بوسیله افراد خبره قیمت‌گذاری شده و با خریداران فروخته شود ولی در فروش این املاك نیز سوء استفاده‌های زیادی می‌شود و همانطور که دیدیم عملاً وضعی پیش آوردند که املاك را کسی غیر از رضا-شاه و مأمورین عالی‌رتبه دولتی نتوانستند بخرند آنهم با قیمتی بمراتب ارزان‌تر از ارزش واقعی این املاك.^۷

۷- اسناد و مدارك موجود در اداره ثبت اسناد و رامين.

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

Handwritten manuscript page with dense text in a cursive script, likely Persian or Urdu. The text is arranged in approximately 15 horizontal lines. The script is highly stylized and difficult to decipher. The page is numbered '10' in the top left corner. The text appears to be a collection of short phrases or verses, possibly related to the 'Risala' mentioned in the caption.

99

گفتار دوازدهم

روستاهای خالصه در زمان ناصرالدین‌شاه

همانطور که در صفحات قبل ملاحظه شد بزرگترین ممالك منطقه ورامین در دوره قاجاریه شخص شاه بود و از بین سلاطین قاجار محمدشاه و ناصرالدین‌شاه اشتیاق بیشتری به ضبط املاك داشتند. املاك خالصه محمدشاهی بیشتر شامل املاکی میشد که از طرف میرزا آقاسی به او واگذار شد در زمان ناصرالدین‌شاه بعضی از این روستا فروخته یا بخشیده شد ولی در عوض املاك دیگری ضبط شد ما از دوره ناصری دو سند راجع به املاك دولتی در منطقه ورامین در دست داریم یکی مربوط به سال ۱۲۹۷ است و گزارشی است که توسط امین‌السلطان یا شخص دیگری بنام نائینی از ورامین تهیه شده و سند دیگر که عنوان آن «صورت املاك خالصه تهران»^۱ است و تاریخ تحریر آن مشخص نیست ولی احتمالاً بین سالهای ۱۳۰۰ تا سال آخر سلطنت ناصرالدین‌شاه میباشد. با توجه به دو سند فوق‌الذکر به اسامی این روستاها اشاره می‌کنیم.

تعدادی از روستاهای خالصه ورامین در سال ۱۲۹۷ ه.ق.^۲

- ۱- شوران شوش‌آباد ۲- حصارک ۳- عسگرآباد ۴- سعدآباد
- ۵- عمروآباد ۶- طالب‌آباد^۳ ۷- رین و باجک ۸- خیرآباد ۹-
- پوئینک ۱۰- داودآباد ۱۱- قرمزتپه ۱۲- آفرین ۱۳- شترخار

۱- صورت املاك خالصه تهران - نسخه خطی - کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و کتابخانه آستان‌قدس رضوی

۲- گزارش امین‌السلطان راجع به خوار و ورامین.

۳- در این تاریخ ۱۲۹۷ ه.ق در نزدیکی عمرآباد روستایی بنام طالب‌آباد بود که از عمروآباد قدیمی‌تر بوده است.

۱۴- حصار مهتر ۱۵- جلیل آباد ۱۶- زواره بید ۱۷- اهیہ ۱۸-
 حصار امیر ۱۹- کبود گنبد ۲۰- سرخه حصار ۲۱- حصار کلک
 ۲۲- فیلستان ۲۳- سلیمان آباد (خرابه) ۲۴- کلین ۲۵- آفرین
 ۲۶- ابراهیم آباد ۲۷- خاتون آباد (۵ دانگ).

روستاهای خالصه در اواخر دوره ناصری^۴

۱- حسن آباد ۲- کویر آباد ۳- شمس آباد ۴- ایجدان ۵-
 یوسف آباد ۶- احمد آباد (چهار دانگ) ۷- رین و بساجک ۸-
 عمرو آباد ۹- طالب آباد ۱۰- گلعباس (یک دانگ و نیم) ۱۱-
 سعد آباد قجر (سعید آباد) ۱۲- سرخه حصار ۱۳- عباس آباد ۱۴-
 کبود گنبد ۱۵- کتلان^۵ ۱۶- حصار کلک ۱۷- صالح آباد ۱۸-
 سعد آباد (قوشچی) ۱۹- محمود آباد ۲۰- فیلستان ۲۱- خالد آباد
 ۲۲- موسی آباد بختیاری (سه دانگ خالصه) ۲۳- قوئینک (یک
 دانگ خالصه) ۲۴- ظهیر آباد ۲۵- داود آباد - کهریزک (دو
 قریه) ۲۶- مزرعه رستم آباد (در اراضی کهریزک داود آباد) ۲۷-
 پوئینک ۲۸- خیر آباد ۲۹- حصارک و آهنین^۶ ۳۰- شهرستان
 ۳۱- مینه (این روستا در نزدیکی قریه شهرستان واقع بوده و
 امروز اثری از آن نیست) ۳۲- باغخواص ۳۳- طغان ۳۴- خاوه.
 ناصرالدین شاه برای سفر به خارج تعداد ۱۴ روستا از
 روستاهای خالصه ورامین را برای تأمین قسمتی از هزینه سفر
 فروخت.^۷

نحوه اداره بهره برداری از روستاهای خالصه

بهره برداری از روستاهای خالصه به شیوه های مختلف انجام
 میگرفت معمولاً اداره آن با مدیر یا وزیر خالصجات بود املاک

۴- صورت املاک خالصه تهران. کتابخانه مرکزی دانشگاه - نسخه خطی
 بدون تاریخ.

۵- این روستا در نزدیک خورین واقع بوده و امروز اثری از آن نیست.

۶- حصارک و آهنین دو قریه جداگانه بوده اند ولی قریه آهنین در آن زمان در
 حال خرابی بوده و امروز اثری از آن نیست.

۷- نقل از مهندس جعفر رضایی دبیر آموزش و پرورش ورامین و مؤلف
 کتاب امامزاده جعفر (پیشوا).

روستاهای اکثراً بصورت تیول^۸ از طرف شاه به او واگذار میشد. این شخص ممکن بود مدیریت خالصه را با ریاست يك یا چند طایفه از عشایر و حکومت منطقه ورامین یکجا داشته باشد بهر جهت شخص مذکور ممکن بود روستاهای خالصه را بصورت اجاره یا عشر در اختیار زارعان هر روستا قرار داده و با آنها قرارداد تنظیم کند بعضی اوقات این اشخاص با رعایا قرارداد مزارعه بسته و هنگام برداشت محصول بین رعایا و او به نسبت عوامل تولید زراعی تقسیم میشد.

بذر نیز بیشتر موارد از طرف حکومت در اختیار اجاره کنندگان قرار داده میشد و در اجاره نامه شرط میشد که کشاورزان موظفند تمام بذر تحویلی را کشت کنند و اگر به این شرط عمل نمی کردند ۷ تا ۱۰ برابر بذر کشت نشده جریمه میشدند. معمولاً اجاره اراضی بصورت نقدی - جنسی بود باغها بصورت نقدی اجاره میشدند و اجاره آنها (جریبانه) نامیده می شد علاوه بر آن آسیاها و یخچالها نیز هر کدام اجاره ای جداگانه داشته اند که اجاره آسیاها بصورت جنسی ولی اجاره یخچالها نقدی بود سهم غله دیوان^۹ می بایست بوسیله کشاورزان تا انبار ده حمل شود شرط دیگری که معمولاً در اجاره نامه قید می شد (تخفیف به مستأجرین در صورت بروز آفات ارضی و سماوی بود).

هنگام انعقاد قراردادهای زراعی ماه سنبله (شهریور) بود مدیر یا وزیر خالصجات نیز در صورت بروز آفات از مبلغی که باید در قبال تیول اراضی به شاه پیروازد تخفیف میگرفت اعتمادالسلطنه در روزنامه خاطرات خود چنین می نویسد^{۱۰}.

«امین السلطان شنیدم سن خوارگی ورامین را تمام کرده

۸- تیول به صورتهای گوناگون انجام می گرفت گاهی در قبال پرداخت مبلغی به شخص واگذار می شد گاهی در ازای انجام خدمتی و بعضی موارد نیز وقتی کسی مورد مرحمت شاه واقع می شد زمین روستائی بعنوان نان خانه به او بخشیده می شد این بخشش ممکن بود اصل روستا یا ملك و یا عواید آن برای مدتی معین باشد.

۹- نامه های مفیث السلطنه ص ۸۶ وقایع سال ۱۳۲۱.

۱۰- روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه چهارشنبه ذی قعدة ۱۳۰۸ ص ۷۵۷.

صدیق‌الدوله که مباشر خالصه است استدعای تخفیف نموده
عضد‌الملک و اقبال‌الدوله هر دو بدون کسر و نقصان قبول دارند»
هم او در جای دیگر در این زمینه چنین می‌نویسد^{۱۱}.

«شنیدم وزرایی که به کامرانیه امروز جمع شده بودند
قرار خالصه را این‌طور دادند با وجودی که پارسال صد و پنجاه
هزار تومان به صدیق‌الدوله تخفیف داده شد امسال کلیه مالیات
خالصه را بخشیدند بلکه چهل و دو هزار تومان نقدی و یازده
هزار خروار غله برای بذر به صدیق‌الدوله دستی دادند که نسق
خالصه را بکند چون خالصه در اداره وزیراعظم است و پسر
صدیق‌الدوله از ندمای امین‌الملک است این ضرر را دولت باید
بکند».

علاوه بر مدیر یا وزیر خالصجات که املاک خالصه در قبال
پرداخت مبلغ معینی پول و مقداری غله تیول میگرفت. اشخاصی
نیز بودند که در قبال انجام خدمتی چند روستا را در تیول خود
داشتند. مثلاً امین‌السلطان تعدادی از روستاهای ورامین و
ساوجبلاغ را در تیول خود داشت. بدون آنکه مبلغی به‌شاه
بپردازد در عوض تعدادی از شترهای شاهی را در مسیله و
روستاهای بهنام عرب نگهداری میکرد و تعهد کرده بود هزینه
مربوط به جیره‌کارکنان قاطرخانه و شترخانه و علیق دامهای
شاهی را بپردازد و هر وقت شاه عزم شکار یا سفر داشت عده
لازم همراه با قاطر و شترهای لازم را برای حمل بنه‌شاه آماده
میکرد^{۱۲}. اگر کسی مورد لطف شاه واقع میشد شاه ممکن بود
مالکیت یک روستا یا عواید آنرا برای مدتی به او مرحمت کند
چنانچه باغخواص را ناصرالدین‌شاه به ملیجک بخشید و فیلیستان
را مظفرالدین‌شاه به حکیم‌الملک.

از کسانی که مدیریت خالصجات ورامین را در عهدناصری
و مظفری به‌عهده داشت بیشتر اسامی امین‌السلطان^{۱۳}. صدیق-

۱۱- روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه پنجشنبه ۳۰ صفر ۱۳۰۲ ص ۸۳۱.

۱۲- گزارش نائینی راجع به‌خوار و ورامین.

۱۳- ظاهراً محمدابراهیم‌خان امین‌السلطان و پسرش علی‌اصغر خان امین-
السلطان هر دو در ورامین مدتی خالصه‌دار بوده‌اند.

الدوله. اقبال الدوله و صديق الممالك دیده میشود بعضی از این افراد خود جزو بزرگترین مالکین این منطقه بوده و يك يا چند روستا را مالك بوده‌اند که در جای دیگر بآن اشاره شده است.

رجال قاجار و املاك ورامين

در قسمت‌های گذشته مشخص شد که سلاطین قاجار خود بزرگترین مالک این منطقه بودند علاوه بر پادشاهان قاجار رجال دربار و سیاستگران دوره قاجار نیز هرکدام بفراخور حال مالک يك يا چند روستا بودند که در این قسمت به مواردی از آن اشاره می‌شود. ارمبویه در تصرف اعتمادالسلطنه بوده او در جایی از روزنامه خاطرات خود چنین می‌نویسد^۱:

«صبح خانه صدیق‌الدوله^۲ در باب اجاره ارمبویه که خواستم خود را از دست نوکرهای متقلب نمک‌حرام خلاص کنم به او اجاره داده بودم باز نوکرها رفته بودند او را محرك شده بودند دوباره رفتم بگردنش بستم».

روستاهای مامازند - پلشت - قوه - قلعه‌نو - ارمبویه از روستاهای شمال ورامین معروف به املاك عزيزخانی است که بعضی او را همان ملیجك (عزيزالسلطان) می‌دانند و گروهی او را از خواجه‌های حرمسرای شاهان قاجار دانسته‌اند املاك این روستاها در زمان رضاشاه به تصرف او درآمد و در سال ۱۳۲۳ محمدرضاشاه این املاك را به هنرستان دخترانه و پرورشگاه یتیمان شاهپور (متقین) واگذار کرد^۳ در سالهایی که بنگاه آمریکایی خاور نزدیک در منطقه ورامین فعالیت داشت روستاهای مذکور را در اختیار داشت و کارهایی نیز در این روستاها انجام گرفت بنگاه مذکور مجله‌ای بنام زندگی ورامین یا زندگی

۱- روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه وقایع سال ۱۳۰۳ اول جمادی‌الاول.

۲- نامبرده چند سال ریاست خالصه ورامین را بعهده داشته است.

۳- اسناد مربوط به این املاك را برادر علی کرمانی در اختیار نگارنده

قرار داد.

روستائی منتشر می‌کرد^۴. در گزارش امین‌السلطان گل‌تپه نیز از املاك علاءالدوله معرفی شده است^۵.

سه‌دانگک طالم‌آباد (طالب‌آباد) هم متعلق به عباس‌میرزا ملك‌آرا بوده و هنگام تبعید او به بغداد ضبط دیوان می‌شود و طی نامه‌ای به مظفرالدین‌شاه خواستار استرداد آن می‌شود^۶. باغ خاص که زمانی ملك حاج‌میرزا آقاسی بوده بعد از برکناری او از صدارت ضبط و بعد از مدتی ناصرالدین‌شاه آنرا به ملیجك هبه می‌کند. ملیجك که اهل کشت و کار و زراعت نبوده چند سال بعد آنرا با قیمتی ارزان‌تر از ارزش واقعی ملك می‌فروشد به علاءالدوله بمبلغ ۱۵۰۰۰۰ تومان^۷ در سال اولتیماتوم مأمورین شوستر مالیات باغ خاص را ۱۰۰ خروارغله و ۱۰۰ تومان پول یعنی عشر عواید این روستا تخمین زده و مطالبه می‌کردند در صورتیکه علاءالدوله حاضر به پرداخت چیزی بیشتر از ۵ تومان و ۵ خروار غله نبود وقتی ژاندارمها برای وصول طلب دولت به در خانه او در تهران رفتند او ژاندارمها را کتک زد و از خانه خود راند^۸.

علاءالدوله ۳۰ سال باغ خواص را در تصرف داشته و در سال چند روزی را در این روستا سپری می‌کرده^۹ ولی بالاخره مورد غضب واقع می‌شود و علاوه بر باغخواص. شتر. تور و جوال او هم در این روستا به حراج گذاشته می‌شود. باستانی پاریزی در کتاب تلاش آزادی به نقل از اطلاعات ۳۱ تیرماه ۱۳۱۴ چنین می‌نویسد: در باغ خواص ورامین. ده نفر شتر ماده و نر و ۲ نفر

۴- نشریه بانك ملی شماره ۸۷، فروردین و اردیبهشت ۱۳۲۶ (چند شماره از مجله زندگی ورامین در کتابخانه مجلس موجود است).

۵- مطلع‌الشمس، محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه جلد سوم چاپ ۱۳۶۲ ص ۳۳۹ و بعد.

۶- افضل التواریخ - غلامحسین افضل‌الملک - بکوشش منصوره اتحادیه چاپ اول ص ۱۱۹.

۷- یادداشت‌هایی از زندگی خصوصی ناصرالدین‌شاه - دوستعلی‌خان معیر- الممالك ص ۹۳.

۸- شرح زندگانی من - عبدالله مستوفی - جلد دوم - چاپ دوم ص ۳۵۹.

۹- مفیث‌السلطنه وقایع سال ۱۳۲۳.

شتر دیلاغ و بیست زوج جوال و تور و طناب متعلق به آقای امیر حسین خان امیرعلائی - علاءالدوله در روز ۱۹ مرداد ماه ۱۳۱۴ دو ساعت قبل از ظهر در قریه باغ خاص به مزایده گذارده میشود.

رئیس ثبت ورامین و خوار - ایوانکی - رضامشکینی فیلستان در ابتداء ملك عليخان ملقب به ظل السلطان بود و بعد از فوت فتحعلیشاه بفكر سلطنت افتاد و در تهران به تخت نشست ولی بعد از ورود محمدشاه به تهران به كمك قائم مقام بركنار و به زندان افتاد. فیلستان نیز ضبط دیوان شد. مظفر - الدین شاه در زمان خود این قریه را به محمود حکیمی «میرزا محمود حکیم الملك» بخشید. (تاریخ رجال ایران جلد ۲ ص ۳۸۳) روستای کریمخانی و اقبالیه نیز متعلق به اقبال الدوله بود که چند سال اداره خالصجات ورامین را داشته است.^{۱۰} حسین آباد «دفتری» نیز زمانی ملك وزیر دفتر ناصرالدین شاه بوده است.

اراضی روستاهای جعفرآباد اخوان - قاسم آباد - بهمن آباد جزء املاك قوام الدوله بوده که در سال ۱۲۸۴ ه. ش. حکومت منطقه ورامین را داشته است.^{۱۱}

ناصرالدین شاه نیز در سفرنامه خراسان قلعه نو جامکاران را ملك صارم الدوله و مامازند را ملك میرزا رضای مستوفی و اکبرآباد را ملك کریم بیك نایب اصطلیل معرفی کرده است.^{۱۲} نظام السلطنه نیز املاکی در ورامین داشته از جمله طالب - آباد علیاء و سفلی. در نامه ای به یکی از دوستان خود شرح معامله و هدف آنرا بیان می کند.^{۱۳}

تیمور میرزا ملقب به حسام الدوله پسر حسینعلی خان فرمانفرما نیز پس از بازگشت به تهران به حضور ناصرالدین - شاه رسیده و به قول دوستعلی خان معیرالممالك یکی از بهترین

۱۰ - سون هدین کویرهای ایران ص ۱۸۳.

۱۱ - ایران امروز - اوژن اوین ص ۲۶۶.

۱۲ - سفرنامه خراسان. ناصرالدین شاه قاجار ص ۲۲۳ و بعد.

۱۳ - خاطرات و اسناد نظام السلطنه مافی - باب دوم و سوم ص ۳۵۹ واقع

۱۳۲۱ قمری.

املاك ورامين باضافه ماهانه ۱۰۰۰ تومان پول. باو اهدا ميشود.^{۱۴}

از رجال معروف دوره قاجاريه كه در ورامين املاكي داشته‌اند يكي محمد ناصرخان (ظهيرالدوله اول) است كه پسر محمدابراهيم خان سردار و نوه جان محمد ايلخاني ايل قاجار كه حامی اقامحمدخان در منطقه ورامين بوده ميباشد. ظهيرالدوله مدتي وزير دربار ناصرالدین شاه قاجار بوده است او پدر ميرزا علي خان ظهيرالدوله (ظهيرالدوله دوم) است. بنا بر آنچه كه ابراهيم صفائي در كتاب خود به نام رهبران مشروطه آورده ظهيرالدوله اول مالك چند روستا از روستاهای ورامين بوده است.^{۱۵} كه تعدادی از آنها را از جمله گل‌دسته^{۱۶} - كريم آباد - قاسم آباد - شمس آباد و سه دانگ علي آباد را وقف کرده است مؤلف فوق‌الذكر اضافه می‌کند كه بعدها «محمدعلي خان قوام - الدوله»^{۱۷} تصرفات نامشروع و مالكانه در آن رقبات نموده است.^{۱۸}

پدر عبدا... مستوفي نیز سه دانگ فتح آباد را به مبلغ ۷۵۰۰ تومان خريده و به او بخشیده^{۱۹} است كه لابد مستوفي مالياتي ورامين نیز از اين خوان بی نصيب نمانده باشد. قوشچی و زين‌دارباشی سلاطين قاجار نیز هرکدام مالک روستایی بوده‌اند. قریه سعدآباد معروف است به (سعدآباد

۱۴- رجال عصر ناصري - دوستعلي خان معيرالممالك ص ۱۸۷.

۱۵- ابراهيم صفائي در كتاب خود به اين مطلب اشاره نكرده است كه آيا ظهيرالدوله علاوه بر روستاهائي كه وقف کرده املاك ديگري در ورامين داشته است يا خير.

۱۶- نگارنده تا آنجا كه اطلاع دارم در ورامين روستایی به اين نام کسی نمی‌شناسد شايد مؤلف در ثبت اسم روستا اشتباه کرده باشد و يا اينكه روستای نامبرده تخريب شده باشد البته احتمال تغيير نام آن طی حدود يك قرن ميرود.

۱۷- به قوام‌الدوله و املاکی كه بنام او ثبت شده در جای ديگر اشاره كرديم لازم به يادآوری است كه نامبرده مدتي نماينده حكومت در ورامين بوده است.

۱۸- رهبران مشروطه - ابراهيم صفائي دوره اول ص ۱۳۵.

۱۹- شرح زندگانی من عبدالله مستوفي جلد اول چاپ دوم ص ۲۱۴.

قوشچی) و خسرو را نیز در اسناد دوره قاجاریه با «عنوان خسرو زین‌دارباشی» یاد کرده‌اند.^{۲۰}

از رجال دوره قاجار میرزا علی‌اصغر خان امین‌السلطان نیز در ورامین تعلقاتی داشته است. امین‌السلطان بقعه امامزاده شاهزاده محمد واقع در نزدیکی ایجدان را در سال ۱۳۰۳ ه.ق. تعمیر یا بنا کرده است.

رجال دوره پهلوی هرکدام به تناسب قدرت و اشتیهای خود توانستند در ورامین املاکی را تصاحب کنند و تعدادی از روستاهای خالصه را آنها خریدند.

از آنجا که براساس منابع موجود در بین رجال دوره قاجار حاج میرزا آقاسی از نظر ضبط املاک و انجام کارهای عمرانی در ورامین وضع خاصی داشته در قسمت بعدی در این زمینه بیشتر بحث خواهد شد.

۲۰- صورت املاک خالصه تهران - نسخه خطی آستان قدس رضوی - کتابخانه مرکزی دانشگاه.

گفتار چهاردهم

املاك حاج ميرزا آقاسی و كارهای عمرانی او در منطقه ورامین همانطور كه ملاحظه شد نزدیکی تهران به ورامین یکی از علل انتخاب آن بعنوان پایتخت از طرف آقامحمدخان قاجار بود بعد از استقرار حكومت قاجارها در تهران خانواده قاجار و مأمورین حكومت برای تصاحب املاك و اراضی این منطقه سعی و تلاش فراوان كردند و در نتیجه بعد از مدتی تعدادی از بهترین روستاهای ورامین به تملك پادشاهان و خوانین دربار قاجار درآمد. قدیمی‌ترین سند موجود در اینمورد كتابچه‌ای است خطی كه در آن صورت املاك حاج ميرزا آقاسی، تاریخ خرید یا تصاحب آن، قیمت ملك و كارهای عمرانی انجام شده بوسیله او بعضی اطلاعات ارزشمند دیگر ثبت شده است.

معروف است كه ميرزا به حفر قنوات و ساختن لوله توپ علاقه وافری داشت باید از خرید اراضی و روستاهای متعدد نیز بعنوان یکی از كارهای مورد علاقه او اسم برد. او در مدت ۱۳ ساله صدارتش تعداد زیادی از روستاهای ایران را كه بیشتر آنها در آذربایجان و اطراف تهران بود و تعداد آنها را تا ۱۴۳۸ روستا ذكر کرده‌اند بنام خود ضبط كرد^۱.

در مورد اینکه روستاها و املاك متصرفی خود را چگونه بدست آورد سند دیگری غیر از كتابچه صورت املاك او كه احتمالا بوسیله خود ميرزا یا با نظارت او نگاشته شده در دست نیست و كتابچه صورت املاك نیز نشان میدهد كه ميرزا این اراضی را با رضایت فروشنده و قیمتی گران‌تر از قیمت معمول آن زمان خریده است. مزارع و روستاهای خریده شده بوسیله

۱- زندگی حاج میرزا آقاسی تألیف حسین سعادت نوری، انتشارات وحید

میرزا در منطقه ورامین از بهترین روستاهای این منطقه بوده است و این مطلب نشان می‌دهد که او بوسیله کارگزاران خود اطلاعات دقیقی از وضع روستاهای ورامین داشته است او این روستاها را در فاصله سالهای بین ۱۲۶۰ تا ۱۳۶۴ یعنی سالهای آخر صدارت خود خریده است.^۲

تعداد دیگری از روستاهای ورامین در اجاره او بوده که میزان اجاره آنها مشخص است که در جای دیگر به آن اشاره شده است.

از آنجا که در طول تاریخ همیشه بین ثروت و قدرت رابطه نزدیک و دو طرفه وجود داشته است حاجی نیز تا وقتی برمسند صدارت تکیه داشت این املاک را در اختیار داشت و روز بروز نیز به مقدار آن می‌افزود ولی بعد از فوت محمدشاه و سقوط میرزا آقاسی از اریکه قدرت تمام دارائی او ضبط دیوان شد و او را با یک دست لباس راهی عتبات کردند.^۳

چنانچه گفته شد میرزا تنها به خرید اراضی و املاک روستاها اکتفاء نکرده بلکه در جهت حفر قنوات، احداث قلعه، بنای حمام و احداث یخچال و حفر نهرها اقداماتی انجام داد که در دفتر املاک او ثبت است و اگر آنچه در این دفتر نگاشته واقعیت داشته و خالی از اغراق باشد به حق میتوان گفت در زمان صدارت میرزا علی‌رغم بدنامی این شخص در تاریخ معاصر ایران کارهای او در زمینه ترویج کشاورزی و عمران روستاها از تمام اقداماتی که در دوره قاجاریه در منطقه ورامین بوسیله حکومت انجام گرفته بیشتر است.

میرزا محکوم است به اینکه بودجه مملکت را صرف حفر قنات و ساختن لوله توپ کرده است، البته عشق مفرط میرزا به

۲- دفترچه املاک حاج میرزا آقاسی. نسخه خطی.

۳- میرزا آقاسی حتی قبل از فوت محمدشاه بنابر قول عبدالله مستوفی از طرف شاه مجبور شد املاک خود را به او واگذار کند ولی حسین سماعت‌نوری مؤلف کتاب «زندگی میرزا آقاسی» می‌نویسد میرزا خود داوطلبانه اراضی و املاکش را به محمد شاه واگذار کرد و گفت من آنچه خریده‌ام از پول دولت بوده است.

حفر قنات^۴ و احداث انهار باعث میشده که در بعضی موارد بودجه صرف شده با بهره‌ای که حاصل میشده تناسبی نداشته باشد ولی خیلی از قنات حفر شده بدستور میرزا از جمله پر آب‌ترین و معروفترین قنات این منطقه بوده و بعضی از آنها در مسیر خود سنگ ۷ تا ۱۰ آسیا را بگردش در می‌آورده است که در جای خود بآن اشاره شده است.

در این قسمت به تعداد روستاها، نام فروشنده یا فروشندگان آن و قیمت روستا و تاریخی که املاک یا روستاهای مورد نظر خریده شده اشاره میشود.

متأسفانه بعضی از قسمتهای این سند خوانا نیست که جای آن خالی گذاشته شده است.

نام روستا یا مزرعه	نام فروشنده یا فروشندگان	قیمت مزرعه یا روستا به تومان	دانگ	سال معامله هـ - ق	تاریخ و
۱- سمیدآباد	ورثه علی محمد خان قاجار الحسن تهرانی	-	-	۱۲۶۳	
۲- محمودآباد	طلبکاران ملا ابو	-	-	۱۲۶۱	
۳- خاتون آباد	-	-	-	۱۲۶۲	
۴- حصار امیر	حاج عبدالکریم	۲۰۰۰	-	-	
۵- علی آباد	قاجارها	۹۰۰	-	-	
۶- سرخه حصار	محمودخان کردیچه	۱۰۰۰	-	-	

۴- درباره حفر قنات بوسیله حاج میرزا آقاسی داستانها و اشیاء زیادی گفته‌اند از جمله اینکه، او بطور ناشناس روزی به سراغ مقنی‌ها رفت که در حال حفر قنات بودند از آنها درباره پیشرفت کار و آبدهی قنات سؤال کرد. مقنی‌ها که حاجی را نمی‌شناختند در جواب گفتند حاج میرزا آقاسی دلش خوش است وگرنه قنات آبی نخواهد داشت حاجی در جواب گفت اگر قنات برای حاجی آب ندارد برای شما که نان دارد.

۵- صورت املاک حاج میرزا آقاسی (این نسخه خطی را آقای فرجاد تهرانی دبیر تاریخ منطقه ۷ آموزش و پرورش تهران در اختیار نگارنده گذاشت که از لطف ایشان سپاسگزارم).

-	-	-	سلطان خانم	۷- ظهیرآباد
۱۲۶۳	-	۳۵۰۰	حاج عبدالکریم ورثه علی محمد	۸- حصاركلك
-	۱ دانگ و ۳ ربع	۹۶۰۰	خان قاجار	۹- غیاث آباد
-	-	۲۰۰	-	۱۰- طالب آباد
-	-	-	ورثه حاج سید	۱۱- حاجی آباد
-	-	-	حسین تهرانی	-
-	-	-	عباس خان قاجار و خان محمد	۱۲- چهارباغ
-	-	-	سیلپور	-
-	-	-	عباس خان قاجار و خان محمد	۱۳- قرمز تپه
-	-	-	سیلپور	-
-	-	-	آخوند ملا یوسف مازندرانی	۱۴- شوران و شوش آباد
-	-	۲۰۰۰	طهرانی المسکن	-
-	یک دانگ	-	رفیع خان قاجار	۱۵- قوئینك
-	-	-	محمد حسین ولد حاجی اسماعیل	۱۶- جلیل آباد
-	-	-	کارخانه	-
-	-	-	آقامحمد سنگسری	۱۷- حصار امیر
-	-	-	محمد حسین ولد حاجی اسماعیل	۱۸- بهمن آباد
-	-	۱۰۰۰	کارخانه	-
-	-	۲۸۵۰	سید حسین امام جمعه محمد حسن خان	۱۹- حصارك
۱۲۶۲	-	-	پازوکی	۲۰- مزید آباد (زید آباد)
-	-	-	-	۲۱- کلین و
۱۲۶۴	-	۳۰۰۰	یوسف تهرانی حاجی سید حسین	عمرآباد
۱۲۶۳	-	۲۵۰۰	زواره ای	۲۲- زواره ور

۶- این روستا احتمالا در نزدیک روستای عمروآباد قرار داشته زیرا در اسناد دوره ناصری از روستایی به این نام در حوالی عمروآباد نام برده شده است.

مطلب قابل تذکر اینکه روستای حصارک همراه با قلعه-
 گبری و قزل حصار ساوجبلاغ به مبلغ مذکور خریده شده است.
 علاوه بر روستاها و مزارع فوق اسامی روستاهای زین آباد.
 عبدل آباد و احمدآباد نیز جزو املاک او ثبت شده ولی چون
 قطعاً معلوم نیست که از روستاهای منطقه ورامین باشد جز
 املاک ورامین او به حساب نیاوردیم. گذشته از آن چون سه
 روستای خاوه. خیرآباد صالح آباد در صورت املاک هست ولی در
 مورد خرید آن مطلبی نیامده احتمال میرود از روستاهایی بوده
 باشند که میرزا آنها را مدتی در اجاره خود داشته و بعداً آنها را
 خریده است زیرا از این سه روستا در اسناد دوره ناصری همه جا
 بعنوان روستاهای خالصه یاد شده است.

مطلب دیگری که باید بآن توجه شود این است که تعداد
 روستای خریده شده، بیشتر از تعدادی است که در صورت املاک
 ثبت است. بعنوان مثال باغخواص یکی از روستاهای حاج میرزا-
 آقاسی است ولی در صورت املاک از آن اسمی برده نشده است.
 چنانچه از اسامی فروشندگان قراء و مزارع برمی آید
 قاجارها بیشترین اراضی را در این دوره در منطقه ورامین در
 اختیار داشتند علاوه بر قاجارها. طوایف سیل سپور. کارخانه
 یوسفی کردبچه و پازوکی جزو بزرگترین مالکین منطقه بوده اند.
 میرزا تعدادی از روستاهای ورامین را مدتی در اجاره داشته
 است از جمله روستاهای زیر که متعلق به حاجیه عزت نساء
 شاهزاده قجر همسر میرزا بوده است.^۷

۱- محمودآباد ۲- خیرآباد ۳- صالح آباد ۴- فخرآباد (سه
 دانگ) ۵- حصار امیر (دو دانگ) ۶- مبارک آباد. میزان اجاره
 سالیانه ۶ روستای فوق مبلغ ششمهزار تومان محمدشاهی در نظر
 گرفته و قرار براین بوده که هزینه زراعت بعهده میرزا باشد.
 میرزا به حفر انهار علاقه فراوانی داشت ما به بعضی از
 اقدامات او در این زمینه مطابق آنچه در کتابچه صورت املاک
 او ثبت شده اشاره می کنیم.

۷- زندگی حاج میرزا آقاسی تألیف حسین سعادت نوری ص ۱۵۰.

- ۱- نهر شوران که از جاجرود منشعب گشته باراضی شوران جاری است و از آنجا با نهر شهر طغان متفق شده باراضی شهر طغان^۸ جاری است.
 - ۲- نهر فرهاد که از جاجرود منشعب شده از میان حصار امیر می‌گذرد تا... و آن اراضی را مشروب می‌سازد.
 - ۳- نهر قرمزتپه بشرح ایضاً چهارباغ و قرمزتپه رامشروب می‌سازد.
 - ۴- نهر قنوت شورکاب که از صحرای شورکاب منشعب گشته به رودخانه جاجرود نزدیک... جاری است و اراضی دهات ورامین را مشروب می‌سازد.
 - ۵- نهر چهارباغ ورامین که از جاجرود منشعب گشته اراضی چهارباغ را مشروب میکند.
 - ۶- نهری از محاذی پارچین تا مقابل شوران و شوش‌آباد و از آنجا تا خود شهر طغان.
 - ۷- نهر شهر طغان که از آب کرج و نهر کاج برداشته شده است.
 - ۸- نهر جدیدی که از جاجرود برداشته تا شوران و علی‌آباد جاری شده از (ناخوانا) گذشته به شهر طغان جاری شد.
 - ۹- نهر قدیم قوئینک.
 - ۱۰- نهر حصار مهتر.
 - ۱۱- نهر سعدآباد قوشچی.
- میرزا آقاسی دستور حفر قنوتی برای روستاهای طغان. شوران و شوش‌آباد داده است. حاج میرزا آقاسی به کارهای عمرانی دیگر نظیر احداث حمام. یخچال. آسیاب و

۸- در اسناد دوره قاجاریه از طغان جائی با عنوان شهر طغان و در جای دیگر با عنوان ده طغان یاد شده گویا ده طغان بخش محدودی از منطقه‌ای بوده که عنوان شهر طغان را داشته است که شامل بیشتر از ۲۰ روستا و قنوت متعدد بوده است حاج میرزا آقاسی در جائی نوشته «سیاه آبهای شوران و علی‌آباد ورامین را با نهر عظیمی که پنجاه سنگ آسیاب را بگرداند... بشهر طغان که تعمیر کرده طغان‌شاه بوده و در حال مغروبه شده بردم و آن زمین را مزروع ساختم که بیست ده معتبر بزرگ باشد.

احداث باغ نیز توجه داشته است. او دستور میدهد در روستاهای زیر حمام احداث شود.

۱- قرمز تپه. ۲- حصار امیر ۳- شوران و شوش آباد ۴- قلعه های شهر طغان ۵- محمودآباد ۶- خیرآباد.

در روستاهای حصار امیر و چهارباغ بدستور او یخچال احداث میشود. در روستاهای حصار امیر. قوئینک. جلیل آباد و شوش آباد بدستور او آسیا ساخته میشود.

بدستور او در روستاهای حصار امیر. سرخه حصار (دو قطعه) محمودآباد - قوئینک - حصار مهتر و جلیل آباد باغهایی احداث میشود. درختهای غرس شده در این باغها. انگور. انار. انجیر. سماق. چنار. تبریزی و باغهای حصار امیر و قوئینک دارای توت ابریشم نیز بوده است.

از کارهای عمرانی میرزا در ورامین احداث کاروانسرای در حصار امیر قابل ذکر است.

میرزا آقاسی تصمیم داشت آب رودخانه جاجرود را به تهران منتقل کند ولی وقتی کشاورزان ورامین و خوار از این تصمیم میرزا مطلع میشوند با این کار مخالفت می کنند و او ناچار از اقدام به این کار منصرف میشود.

۹- میرزا تقی خان امیرکبیر. عباس اقبال به اهتمام ایرج افشار چاپ اول ۱۹۱ و نیز ایران و قضیه ایرانی تألیف لرد کرزن (جلد اول ص ۳۳۵) و تاریخ رجال ایران مهدی بامداد جلد ۲.

گفتار پانزدهم

وضع عمومی روستاها در دوره قاجاریه

روستاها را از نظر نوع مالکیت میتوان به روستاهای خالصه (دولتی) - عمده مالکی و خرده مالکی تقسیم کرد^۱. روستاهای خالصه عموماً از بهترین روستاهای این منطقه بودند. محصول - خیزترین اراضی همانهایی بود که در اختیار دولت بود. ولی عموماً به آنها بی توجهی میشد و حیف و میل در آن زیاد انجام میگرفت در منطقه ورامین باغخواص. خاوه. طغان. فیلستان و سعیدآباد که از بهترین روستاهای منطقه ورامین هستند هرکدام زمانی خالصه بوده اند. روستاهای خالصه از لحاظ شکل و بافت بناهای مسکونی و بناهایی که جنبه عمومی داشت با هم شباهت - هایی داشتند در هر روستا معمولاً انبار گندم. انبار کاه. اصطبل و طویله که محل نگهداری غله و دامهای دولتی بود وجود داشت. دیوار قلعه در اطراف ده از ضروریات بود و بوسیله دیوان ساخته میشد. اگر در داخل قلعه جا باندازه کافی برای سکونت نبود رعایا در خارج قلعه خانه هایی که عموماً حقیرتر از خانه های دیوانی بود برای خود می ساختند ولی اسکان در خانه های خارج از قلعه با اکراه و وحشت همراه بود. عشایر نیز که تابستان را در دامنه های جنوبی البرز در ییلاق بسر میبردند در زمستان در خانه های موقتی که خیلی ساده و محقر بود بسر میبردند^۲. اکثر روستاها، حمام و مسجد داشتند و در بعضی نیز

۱- وقفی را نیز باید به سه نوع فوق افزود ولی از نقطه نظر بحث این قسمت میتوان آنها را یکی از تقسیم بندی های فوق قرارداد.
۲- صورت املاک خالصه تهران - نسخه خطی - کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران شماره ۸۶۴۹.

حسینیه وجود داشته است.^۳ آسیا نیز در هر روستائی که دارای قنات پرآب بود احداث شده بود. یخچال نیز در بعضی از روستا از جمله باغخواص و موسی‌آباد بختیاری وجود داشته است.

تعدادی از روستاهای منطقه ورامین در تاریخ مورد بحث ما از بعضی جهات معروفیت بیشتری داشته‌اند. باغخواص که از جمله پرجمعیت‌ترین روستاها بود و جمعیت آنرا حدود ۲۱۰ خانوار ذکر کرده‌اند دارای حمام جداگانه زنانه و مردانه بوده و نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء در این روستا به جماعت برگزار می‌شده است.^۴

احمدآباد که اواخر دوره قاجاریه حکومت‌نشین ورامین بوده دارای مغازه‌های خبازی، حجاری، صباغی، بزازی و عطاری بوده است.

علاوه بر ورامین و پیشوا که در اطراف آنها باغهای متعدد میوه وجود داشته در روستاهای باغخواص، احمدآباد، موسی‌آباد بختیاری، قوئینک، سرخه‌حصار، حصار مهتر و جلیل‌آباد نیز باغهای میوه متعدد وجود داشته است.

موسی‌آباد بختیاری دارای باغ‌گل بزرگی بوده که هر سال در فصل گلاب‌گیری محصول گل آن جهت گلاب‌گیری به ورامین حمل می‌شده است.

ساکنین خالدآباد به مهارت در صیفی‌کاری در منطقه ورامین شهرت داشته‌اند و چون اراضی این روستا بحد کافی نبوده کشاورزان خالدآباد برای صیفی‌کاری به روستاهای دیگر منطقه می‌رفتند. ساکنین کبودگنبد که بیشتر از طایفه خلج بودند در طالع‌بینی شهرت داشتند و طالع‌بینان آن سخن‌آفرینانی توصیف شده‌اند که از این روستا به همه جای ایران برای طالع‌بینی می‌رفته‌اند.^۵

۳- نائینی در گزارش خود اشاره کرده که هنگام عبور از منطقه ورامین در یکی از روستاها بعد از غروب آفتاب صدای دهلی را که برای دعوت مردم به روضه‌خوانی به صدا درآمده بود شنیده است.

۴- این قسمت بیشتر از صورت املاک خالصه تهران نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه به شماره ۸۶۴۹ اخذ شده است.

۵- صورت املاک خالصه.

سعدآباد قجر (سعیدآباد) که در اوائل سلسله قاجاریه محل زندگی خوانین قاجار و بیعت‌کنندگان با آقامحمدخان بوده بوسیله جاده مستقلی به تهران متصل میشده که در اسناد دوره قاجار جابه‌جا به آن اشاره شده است.^۶

بعضی از روستاهای بهنام‌سوخته از جمله جلیل‌آباد و شوران محل مسابقه اسب‌دوانی بهاره بود و پائیزه آن در مازندران برگزار میشد.^۷

در بعضی از روستاهای پرجمعیت يك یا چند روحانی جهت ارشاد مردم ساکن بوده‌اند افراد روحانی اکثراً دامغانی. طالقانی یا لاریجانی معرفی شده‌اند.

همانطور که قبلاً گفته شد حیف و میل در املاك و اراضی خالصه خیلی زیاد بود در گزارشی در اواخر دوره ناصری تهیه شده اشاره شده که تعدادی از مالکین که در اطراف اراضی خالصه ملك داشتند در بعضی موارد بخشی از اراضی خالصه را به املاك خود ضمیمه کرده‌اند.

مأمورین دولت نیز برای حمل غله و محصول روستاهای خالصه از چهارپایان روستائیان بدون پرداخت کرایه به‌استفاده میکردند.

برای اینکه بیشتر با وضع عمومی روستاهای ورامین آشنا شویم در اینجا به گزارشی که از دو روستای باغخواص^۸ (در زمان ناصرالدین‌شاه) و کریم‌خانی^۹ (در زمان مظفرالدین‌شاه) که اولی بوسیله يك مأمور حکومت و دومی بوسیله سون‌هدین تهیه شده اشاره میشود.

۶- صورت املاك خالصه و گزارش امین‌السلطان.

۷- خاطرات و خطرات مخبرالسلطنه هدایت چاپ چهارم ص ۲۸۴ (هدایت این برنامه را در زمان سلطنت پهلوی ذکر کرده است ولی شواهد نشان میدهد که از قبل نیز وجود داشته است).

۸- صورت املاك خالصه تهران (این دفتر بدون تاریخ است و احتمال میرود که زمان تدوین آن مربوط به حدود سالهای ۱۳۰۰ ه ق باشد).

۹- سون‌هدین. کویرهای ایران ترجمه دکتر پرویز رجبی چاپ اول ص ۱۸۳

و ۱۸۴.



قلعه غیاث آباد - از قلعه‌های دوره قاجاریه و محل استقرار بختیاریه‌ها در جنگ با ارشادالدوله.



قلعه ده وین. از قلاع دوره قاجاریه.

باغخاوص

باغخاوص که در اجاره میرزا معصوم بوده است مهمترین خالصه ورامین است هیچ يك از دهات خالصه به باغخاوص نمیرسد در صورتیکه بعمل آنجا رسیدگی شود اراضی بسیار خوب. قنوات قابل و جمعیت زیاد در هر صورت آبادی باغخاوص قابل تفصیل است که در سنوات قبل قلعه بسیار خوب بزرگی داشته که الحال مخروبه است لکن سکنه دارد از کثرت جمعیت قلعه گنجایش نداشت.

در چهار سمت قلعه رعایا خانه ساختند منزل گرفتند که ظاهر است در ایام سابق در قلعه حمام داشتند خراب شد دو مرتبه یکنفر از اهل باغخاوص از نو ساخت که آنهم رو به خرابی است. الحال تعمیر لازم دارد حاجی حبیب نامی است در باغخاوص در جنب همین حمام يك حمام زنانه ساخته است مسجدی هم در این قریه هست که تعمیر لازم دارد نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا در این مسجد با جماعت خوانده میشود عمارات رعیتی در کل باغخاوص بی قاعده و بی فایده و بد است. از غنی و فقیر يك خانه خوب ندارد و اصل آبادی هم خیلی بیقاعده است. عمارتی از دیوانی در اینجا ساخته اند باغچه هم دارد مخروبه شده، بهار بند و اصطبل و غیره و انبار غله در جنب همین عمارت از دیوانی است.

تعمیر لازم دارد. آب جاری هم از میان عمارت عبور دارد در چند سال قبل از این که باغخاوص را بدیوان فروختند بنای قلعه و باغی در خارج آبادی باغخاوص گذاشتند که دیوار قلعه و باغ بقدر يك ذرع شد و همه قنوات را کار کردند بعضی از قنوات هم آب جاری شد. تعمیرات واقع شده بود این کارها همه موقوف شد بهمین حالت باقی ماند همان دیوارهای قلعه و باغ قدری هست اما رو بخرابی میباشد و در ایام قدیم باغهای خوب داشته که همه جای باغها معلوم و نمایان است. بعضی را از جهت دیوان زراعت میکنند و بعضی را قطعه قطعه نموده به رعایا داده اند زراعت کساری مینمایند نصف بدیوان میدهند و باغات كوچك با اشجار یا (ناخوانا) قطعه در باغخاوص هست.

در لب نهرها و جویها از قدیم قدری اشجار داشته غرس شده چند تل خاکستر و خاک روبه در آبادی باغخواس هست مدتی است که روی هم ریخته اند بهمین واسطه در آبادی باغخواس نمیتوان ماند در حقیقت قریه باغخواس باین اسم و رسم قلعه جدید خوبی لازم دارد. سکنه اینجا قریب دویست و ده خانه وار میشود و تعداد نفوس عرض شد. ملایان این قریه اولاد و برادر هستند از اهل آب اسک و لاریجان تابستان میروند در اسک در زمستان می آیند در باغخواس پیشوایی امت مینمایند. اسامی آنها از این قرار است که ذکر میشود^{۱۰}.

شمال آبادی باغخواس امامزاده ای مدفون است و اسمش امامزاده زین العابدین است نسب به امام موسی کاظم میرساند محوطه ای دارد با اشجار (ناخوانا). جد این سادات در اینجا مدفون است. از علامات دیگر تل بزرگی در اراضی آبادی است که بعدها در حدود ذکر خواهد شد. و علامات دیگر همین که در قدیم قریه آبادی بوده است و باغات خوب داشته و عمارات آن خراب شده است که معلوم است یخچالی دارد که هنوز برقرار است و میگویند میتوان یخ انداخت در جنوب و شرق آبادی باغخواس قلعه کهنه است يك حجر طاحونه... است که در گردش است و...^{۱۱}.

کریمخانی^{۱۲}

در این میان به آخرین دهکده^{۱۳} نزدیک می شویم کلبه های گلی این ده که سقف گنبدی شکل دارند رفته رفته واضح تر می شوند، دیوارهای زرد تیره رنگ ده و چند بید به خوبی دیده میشود اسم ده از اسم کسی گرفته شده بود که الان مدتی است

۱۰- چون اسامی ناخواناست از ذکر آن خودداری می شود.

۱۱- بقیه مطالب مربوط به حدود اراضی باغخواس و وسعت این اراضی است که از ذکر آن خودداری می شود.

۱۲- کویرهای ایران سون هدین ص ۱۸۳ و ۱۸۴.

۱۳- امروزه کریمخانی مسکونی نیست و آثار خرابه های آن در نزدیکی مبارکیه باقی است.

که مرده است. این ده سابقا کریمخانی نامیده میشد ولی امروز به طور معمول عباس آباد نامیده میشود. صاحب این ده اقبال الدوله است که در تهران است در جنوب غربی و در سه فرسخی ماده و کوه دوازده امام دیده میشود و کمی جلوتر دهکده مبارکیه قرار دارد.

کریمخانی ۱۵ خانه دارد و جمعیت آن ۴۰ نفر است. این ده، ده ماقبل حاشیه کویر است ساکنین این ده ۶۰ شتر و ۱۰۰ گوسفند دارند و ثروتمندترین مرد ده در ضمن کدخدای ده هم هست. در سالهای خوب این ده برای صاحبش ۱۰۰ خروار گندم و جو محصول دارد. اما امسال محصول فقط ۲۰ خروار بوده است در اینجا معمولا هندوانه و سبزی هم کاشته میشود. آب ده بوسیله يك قنات تأمین میشود که از ده حصارقلی (گلی) شروع میشود.

گفتار شانزدهم

خرابی روستاها و رکود کشاورزی

روند تخریب مناطق روستایی و رکود کشاورزی که با سقوط صفویه شروع شده بود در زمان قاجارها ادامه یافت احیای قنوات و بازسازی شبکه آبیاری کاری نبود که از عهده رعایا و خرده-مالکین برآید بلکه مستلزم توجه حکومت و سرمایه‌گذاری دولت بود ولی شاهان قاجار پرداختن به امور حرمسرا و تفنن و سرگرمیهائی همچون شعر و شراب و شکار را به سروسامان دادن اوضاع اقتصادی کشور ترجیح میدادند و مردم و ثروت کشور را ارث پدران خود می‌دانستند که خاقان شهید پایه‌گذار سلسله قاجار با نیروی شمشیر بدست آورده است^۱.

بهمین علت بود که هر منطقه و از جمله ورامین را سالانه در قبال پرداخت مبلغی معین به تیول میدادند و شخص تیول-گیرنده فقط در برابر پرداخت مبلغ معین به حکومت احساس مسئولیت میکرد و میتوانست تا چند برابر این مبلغ را به انحاء مختلف از مردم بستاند گذشته از آن چون ممکن بود هرآن نظر شاه که تیول دهنده بود نسبت به او عوض شود و احیاناً مورد قهر و غضب هم قرار گیرد مترصد بود تا در کمترین فرصت آنچه تا آخر عمر لازم دارد از مردم غارت کند.

مسلم است چنین افرادی نمی‌توانستند به فکر عمران و آبادی منطقه باشند. اسناد مختلف دوره قاجاریه نشان میدهد وضع روستا و روستائی مرتب رو به انحطاط بوده و کسانی که در زمینه اراضی و قنوات و محصول کشاورزی اظهار نظر کرده‌اند در مقام مقایسه اوضاع روستاها در آن زمان با گذشته اظهار تأسف

۱- هجوم سیل‌آسای انواع کالاهای غربی در این دوره نیز به رکود اقتصادی و تخریب روستاها که محور اقتصاد ایران بود کمک کرد.

کرده‌اند. قدیمی‌ترین سند مربوط به دوره قاجاریه در این زمینه متعلق به زمان محمد شاه و صدارت حاج میرزا آقاسی است.^۲

میرزا و کارگزارانش جا به جا نسبت به گذشته این ناحیه تأسف می‌خوردند از این سند چنین برمی‌آید که حتی قسمت زیادی از منطقه سیاه‌کوه زمانی آباد و دارای قنوت و روستاهای نسبتاً زیاد بود که تعداد آنها را ۷۰ روستا ذکر کرده است و آثار قنوت و روستاهای خرابه آن تا زمان محمدشاه برجای بوده است.

از دوره ناصری نیز دو سند^۳ در دست است که هرکدام بفاصله چند سال تدوین شده است تهیه کنندگان این اسناد بااحتمال زیاد مأمورین حکومتی بودند که برای بررسی اوضاع روستاهای خالصه باین منطقه آمده‌اند گزارش آنها مایوس‌کننده است. آنها در توصیفات خود قنات‌ها را بایر، روستاها را خراب و آنها را بی‌قلعه و حصار، رعیت را فقیر و زندگی‌اش را فلاکت‌بار وصف کرده‌اند. در یکی از این^۴ اسناد آمده که ناصرالدین‌شاه در یکی از سفرهای خود برای شکار بطرف سیاه‌کوه یا قرق‌سیف هنگام عبور از یکی از روستاهای خالصه با مشاهده ویرانی روستا از اطرافیان خود درباره مالک روستا سؤال می‌کند. (این روستا مینه بوده که در نزدیکی روستای شهرستان واقع شده و امروز اثری از آن نیست و کسی چنین روستائی را در آن نزدیکی به یاد ندارد). اطرافیان شاه باستحضار او میرساند که روستای مذکور خالصه است و او دستور رسیدگی و بازسازی قنات روستا را میدهد. در سند فوق‌الذکر که گزارشی از حدود ۳۰ روستای این منطقه تهیه کرده چنین برمی‌آید که ۶ روستا قنات نداشتند و یا داشتند ولی بایر بوده و کلاً از تعداد ۵۱ رشته^۵

۲- کتابچه املاک حاج میرزا آقاسی نسخه خطی.

۳- سند اول صورت املاک خالصه تهران نسخه خطی موجود در آستان قدس و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. سند دوم گزارش امین‌السلطان راجع به خوار و ورامین که در جای دیگر با عنوان سفرنامه نائینی از آن یاد شده است.

۴- صورت املاک خالصه تهران.

۵- بیشتر روستاها دارای یک رشته قنات ولی بعضی تعداد بیشتری داشته‌اند مثلاً طلفان ۱۲ رشته خاوه ۴ رشته که یکی از آنها بسیار پرآب بوده و سنگ حدود

قنوات روستاهای مورد بحث تعداد ۱۷ رشته یعنی ۱۶ آنها بایر بوده است.

لمتون محقق^۶ انگلیسی می نویسد که املاك خالصه در این دوره غالباً رو به ویرانی نهاده بود و عواید آن چیزی بر درآمد های مالیاتی کشور نمی افزود. بنابراین علل و به سبب احتیاج دائمی شاه به پول در این دوره میل غالب بر آن بود که زمینهای خالصه از طریق فروش (و در بعضی موارد از راه غصب) مبدل باملاك شخصی گردد هم او در جای دیگر در زمینه املاك خوار و بلوك تهران نوشته که بسیاری از دهات اعم از «اربابی و خالصه» رو بویرانی نهاده وضع زمینهای اربابی در همه جا بهتر از وضع زمینهای خالصه است.

سون هدین که در اواخر قاجاریه یعنی زمان مظفرالدین شاه از منطقه ورامین عبور کرده تعداد روستاهای خالی از سکنه منطقه را حدود ۵۰ روستا ذکر کرده است.^۷

۱۰ آسیا را بگردش درمی آورده است. باغ خواص نیز در آن تاریخ دارای چهار رشته قنات بوده که چند رشته آن بایر بوده است.
۶- مالك و زارع در ایران لمتون ص ۲۸۷.
۷- سون هدین. کویرهای ایران.

گفتار هفدهم

جمعیت بعضی از روستاهای ورامین بر حسب خانوار

(در زمان ناصرالدین شاه)

در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه یکی از مأمورین حکومت گزارشی^۱ از بعضی از روستاهای ورامین که جزء املاک حکومتی بوده تهیه کرده و در آن ضمن توصیف وضع عمومی روستاها به جمعیت آنها و طوایفی که در آنها ساکن بودند اشاره کرده است گرچه شخص مذکور در ذکر ارقام مربوط به خانوار چندان دقت نکرده و تعداد خانوارها بطور تقریبی بیان شده با اینهمه مقایسه جمعیت آنروز با جمعیت فعلی روستاهای مذکور خالی از فایده نیست و تغییرات جمعیت را در فاصله يك قرن نشان میدهد.

نام روستا	تعداد خانوار	طایفه یا طوایف ساکن در روستا
۱- عمروآباد	۳۰ خانوار	هداوند
۲- کبود گنبد	۱۵ خانوار	خلج
۳- حصارکلك	۲۰ خانوار	کردبچه
۴- باغخواص		
(باغ خاص)	۲۱۰ خانوار	—
۵- کتلان	۱۰ خانوار	شیرازی (سیل سپور) ^۲
۶- صالح آباد	۳۰ خانوار	هداوند

۱- صورت املاک خالصه تهران. نسخه خطی، آستان قدس و کتابخانه مرکزی دانشگاه بدون تاریخ.

۲- سیل سپورها کرد هستند و از منطقه غرب به ورامین انتقال داده شده‌اند و شیرازی نیستند.

سیل سپور	۴۰ خانوار	۷- محمود آباد (خورین)
چند خانوار سیل سپور	۱۵۰ خانوار	۸- فیلستان
و چند خانوار عمله جات		
نقاره خانه	۸۵ خانوار	۹- خالد آباد
هداوند - بختیاری	۴۰ خانوار	۱۰- شهرستان
-	۲۰ خانوار	۱۱- حصارک
		۱۲- موسی آباد
بختیاری	۳۰ خانوار	(بختیاری)
(بیشتر از طایفه لرنی)	۶۰ خانوار	۱۳- قوئینک
هداوند - شیرازی		
اردستانی	۱۰۰ خانوار	۱۴- خیر آباد
-	۵ خانوار	۱۵- حسن آباد
-	۱۰۰ خانوار	۱۶- کویر آباد
-	۵ خانوار	۱۷- شمس آباد
-	۴۰ خانوار	۱۸- ایجدان
	۴۰ خانوار	۱۹- یوسف آباد
	۱۵۰ خانوار	۲۰- احمد آباد
۳۰ خانوار در جوار	۷۰ خانوار	۲۱- رین و باجک
احمد آباد و ۴۰ خانوار		
هداوند		
هداوند	۴۰ خانوار	۲۲- پلنگ دره
لرنی	۴۰ خانوار	۲۳- عباس آباد
پازوکی	۶۰ خانوار	۲۴- خاتون آباد

گفتار هیجدهم

نرخ بعضی از اجناس مورد نیاز مردم

کسانی که در دوره قاجاریه از این منطقه عبور کرده‌اند وضع ارزاق را فراوان و ارزان توصیف کرده‌اند. البته این وضع شامل سالهایی که محصول غله بعلت آفت سن و یا خشکسالی خسارت دیده بود نمیشد در این قسمت به نرخ بعضی از اقلام اشاره میشود. در سال ۱۲۹۷ هـ ق - نرخ ارزاق و علوفه در کاروانسرای خاتون‌آباد بشرح زیر اعلام شده است^۱

نان يك من سه عباسی

گوشت يك من هفتصد دینار

جو يك من پانصد دینار

کاه يك من پنج‌شاهی

مادام دیولافوا^۲ در زمان اقامت خود در ورامین ارزش يك مرغ را ۷ شاهی ذکر کرده‌است در زمان مظفرالدین‌شاه سون‌هدین نرخ بعضی از اقلام را بشرح زیر بیان کرده است^۳.

شتر يك نفر ۱۵ تومان

کاه ۸ خروار ۳/۵ تومان

هیزم هر خروار ۵ تومان

سون‌هدین حقوق يك چوپان را در سال ۱۸ تومان و يك نمد و يك چارق و ماهیانه نیز ۱۲ من آرد و ۲ چارك كره و يك چارك روغن ذکر کرده است.

در سند دیگری هزینه مسافرت يك نفر از تهران تا ورامین بین سالهای ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۶ هـ ق - يك قران ذکر شده است^۴.

۱- گزارش امین‌السلطان و نائینی راجع به‌خوار و ورامین.

۲- ایران - کلد. آشور. مادام دیولافوا ص ۱۵۵.

۳- کویرهای ایران. سون‌هدین - ص ۱۹۱ و ۲۰۸ و ۲۱۳.

۴- مجله آینده - سال دوازدهم شماره ۹ و ۱۰ - آذر و دی ۱۳۶۵ - عنوان

مقاله - خاطرات يك مستوفی.

گفتار نوزدهم

مالیات و شیوه اخذ آن

گرچه میرزا تقی خان امیرکبیر سعی فراوان کرد تا به شیوه اخذ مالیات سر و سامان دهد ولی تا قبل از استقرار مشروطیت شیوه معمولی اخذ مالیات از ولایات بیشتر براساس سیستم تیول بود شاه ایالات مختلف کشور را به اشخاص واگذار میکرد در قبال مبلغ معین، شخص صاحب تیول فقط خود را در برابر شاه و پرداخت مبلغ مورد نظر به شاه مسئول میدانست و گاهی نیز عواید يك منطقه به عنوان نان پاره به یکی از نظرکرده های شاه تعلق میگرفت بدون اینکه او خود را موظف به پرداخت چیزی به حکومت بداند نماینده حکومت یا صاحب تیول به عناوین مختلف به اخاذی از مردم می پرداخت. علاوه بر مالیات برعواید حاصل از کشت و کار یا کسب و تجارت به مناسبت های مختلف چون اعیاد، تولد فرزندان در خانواده حاکم و غیره نیز مردم می بایستی پیشکش تقدیم کنند. امیرکبیر برای اینکه نظم و نسقی به سیستم اخذ مالیات دهد «شیوه بنیجه» را معمول کرد که براساس آن میزان مالیات به تناسب مقدار زمین و آب دریافت میشد. مالیات کلا به سه صورت دریافت میشد ۱- نقدی ۲- جنسی ۳- نقدی و جنسی توأم.

۱- مالیات نقدی شامل مالیات باغات، مالیات سرانه عشایر و مالیات احشام، میشد. بعنوان نمونه مالیات باغهای آبپاریک در سال ۱۳۰۷ مبلغ ۱۸ قران برآورد شده است.^۱

از جمله مالیات نقدی مالیات برعشایر بود که بطور سرانه دریافت میشد مالیات سرانه عشایر شاهسون در اواخر دوره قاجاریه ۷ قران و مالیات سرانه عربها يك تومان^۲ منظور شده

۱- اسناد اداره مالیه (دارایی).

۲- اسناد اداره مالیه.

است. در این دوره از احشام نیز مالیات سرانه بشرح زیر اخذ میشد.

۱- گوسفند هر رأس ۵ شاهی

۲- گاو هر رأس ۱ قران

۳- الاغ هر رأس ۱ قران

۲- مالیات جنسی^۲ این مالیات بیشتر به طاحونه (آسیا) تعلق میگرفت دارندگان آسیا سالانه مقداری حدود ۳۰۰ تا ۵۰۰ من غله بایستی بعنوان مالیات به حکومت تحویل دهند مثلاً آسیای آبیاریک در سال ۱۳۰۷ مقدار ۳۰۰ من گندم و جو (۲۰۰ من گندم و ۱۰۰ من جو) و امیرآباد - فتح آباد در سال ۱۲۹۷ پانصد من گندم بوده است.

۳- مالیات (نقدی. جنسی) این نوع مالیات که عمده ترین نوع مالیات به حساب میآید به اراضی زراعی تعلق میگرفت. برای تعیین میزان آن هرچند مدت یکبار از طرف وزارت مالیه باتوجه به مقدار آب و زمین ممیزی بعمل میآمد بعد از تعیین مقدار اراضی. میزان آیش و کارم آن مشخص و بایستی در نظر گرفته میشد که ملك مورد ارزیابی معمولاً هر تخم چند تخم محصول میدهد. مقدار آب زراعی هر روستا بر مبنای سنگ و ساعت ارزیابی میشد در رابطه با برآورد مالیات بعضی از روستاهای ورامین عبدالله مستوفی^۴ چنین می نویسد.

«بعد از ورود به ورامین صلاح دیدیم که از ده کهریزك - مندكان شروع کنیم بعد از اینکه به ده رسیدیم به منزل کدخدا سلطان محمد بوربور که مالک آن ده و ده مجاور به نام خلیفه آباد بود رفتیم. کدخدا میخواست مخارج ما را به گردن بگیرد ولی ما راضی نشدیم^۵.

از نیمه ثور تا اول سرطان چهل و پنج روز در ورامین ماندیم در این مدت سه بار مرکز فعالیت خود را عوض کردیم از کهریزك

۲- این بحث کلاً با استفاده از اسناد وزارت مالیه (دارائی) تنظیم شده است.

۴- شرح زندگانی من عبدالله مستوفی جلد دوم ص ۴۷۱ و ۴۷۲.

۵- همانطور که قبلاً اشاره شد ممیزی مالیات بعد از اقدامات اصلاحی میرزا تقی خان امیرکبیر رواج یافت و قبل از آن بیشتر به صورت تیول بود.

به محمودآباد نو رفتیم و از آنجا به باغهای امامزاده جعفر و ده فتح آباد در این مدت چهل و پنج قریه پشت سرهم نقشه برداری شد و نزدیک ۱۰۰۰۰ تومان و ۲۰۰ خروار غله به نفع دولت دریافت کردیم و تابستان به دماوند رفتیم. ارقام مالیاتی بعضی از روستاها در اواخر دوره قاجاریه موجود است که بآن اشاره میشود.

مالیات روستاهای امیرآباد و فتح آباد در سالهای ۱۲۹۶ و ۹۷ و ۹۸ بشرح زیر بوده است.

۱- پول نقد ۳۹۸۶ قران

۲- گندم ۸۰۹۴ من

۳- جو ۶۸۶۸ من

۴- کاه ۲۵۰۰ من

عبدال... مستوفی میزان مالیات باغخواص را در زمان مأموریت مورگان در سال التیماتوم صد خروار غله و ۱۰۰ تومان دانسته است.^۶

از مالکین در قبال استفاده از آب رودخانه نیز مالیاتی تحت عنوان - حق میرابی دریافت میشد. مالیات دکاکیں نیز جدا بود در اسنادی که مربوط به بعد از سالهای ۱۳۰۰ میباشد عواید دکاکیں موقوفه پیشوا ۱۳۸۰ قران ممیزی شده که ۵ درصد آن به عنوان مالیات دریافت میشده است.^۷ در اواخر دوره قاجاریه که آمریکائیهها اداره خزانهداری و وصول مالیات را بعهده گرفته و در صدد تغییراتی در آن بودند با مقاومت و اعتراض شدید بعضی از مالکین مواجه شدند که بعضی از این اسناد در بایگانی وزارت مالیه موجود است.^۸

۶- شرح زندگانی من - عبدالله مستوفی - چاپ دوم جلد دوم ص ۴۷۲.

۷- اسناد اداره مالیه (دارایی).

۸- عبدالله مستوفی راجع به تعداد و ترکیب گروه ممیزهای مالیاتی در ص ۴۶۸ جلد دوم کتاب خود چنین می نویسد :

«من برای این خدمت (ممیزی) دو دسته مهندس، يك نفر مقنی، يك نفر منشی، هفت هشت سر اسب سواری و هفت سر قاطر برای حمل بنه و آشپز و آبدار و ناظر خرج و جلودار و مهتر و قاطرچی و لوازم آشپزی و آبداری و فرش پیشنهاد کردم بدون كسر يك قلم تمام را تصویب کرد، اعضا و لوازم تدارك شد

گفتار بیستم

محصولات کشاورزی

قسمت اعظم اراضی مزروعی به کشت گندم و جو اختصاص داشت. کشت حبوبات نیز بخش کمتری از اراضی را به خود اختصاص میداد و از این نظر که در برابر آفت سن مصون بود در سالهایی که آفت سن به محصول گندم منطقه خسارت میزد به جای نان مصرف میشد.

مزارع خشخاش نیز کم و بیش قسمتی از اراضی را پوشانده بود. مادام دیولافوا^۱ در دوره ناصری^۱ به مزارع وسیع خشخاش که در آن کشاورزان مشغول تیغ زدن گرزهای خشخاش بوده اند اشاره کرده است.

محصولات صیفی در بعضی روستاها کشت میشده ولی به وسعت امروز نبود و نوع آن نیز با محصولات صیفی امروز متفاوت بوده و بیشتر شامل محصولاتی چون گرمک، طالبی، هندوانه و خربزه میشده است. تعداد باغهای میوه نسبتاً زیاد و بمراتب از زمان فعلی بیشتر بوده است. کشت توت جهت پرورش کرم ابریشم نیز بنا به آنچه که در دفترچه املاک حاج میرزا آقاسی اشاره شده رواج داشته است.^۲

برخلاف آنچه انتظار میرود در منطقه ورامین کشت شلتوک بطور پراکنده رواج داشته است در گزارشهای نائینی از چند محل که کشت برنج در آن رواج داشته نامبرده است. در بهنام- عرب نیز بنا بر آنچه یکی از مطلعین^۳ محل به نگارنده اظهار داشت

۱- ایران. کلد. آشور. مادام دیولافوا - چاپ سوم ص ۱۴۹ و بعد.

۲- دفترچه املاک حاج میرزا آقاسی.

۳- نقل از حاج محمدخان علیدائی (از معمرین و مطلعین دهستان بهنام

عرب).

هنوز نه‌ری بنام نه‌ر شلتوکی معروف است. در قاسم‌آباد اخوان نیز این محصول کشت میشده^۴ و تعداد زیادی از اطفال در این روستا بعلت ابتلاء به بیماری مالاریا تلف میشده‌اند. در کتاب میلسپو از برنج به عنوان یکی از محصولات کشاورزی ورامین اشاره شده است^۵.

جمعیت تهران در زمان قاجاریه مرتب رو به افزایش بود این مسئله خود برنوع محصولات کشاورزی ورامین تأثیر زیاد داشت. نزدیکی ورامین به تهران بلژیکی‌ها را به فکر خرید بخشی از اراضی ورامین جهت کشت چغندر قند و حمل آن به کارخانه‌ای که قرار بود در تهران تأسیس کنند انداخت ولی این تصمیم عملی نشد^۶. وجود اراضی مستعد برای زراعت چغندر باعث شد که دولت کارخانه قندی را که قرار بود در مازندران تأسیس شود به ورامین منتقل کند^۷.

در زمستان بعضی از خانوارهایی که چارپای باربر در اختیار داشتند برای مبادله گندم با برنج به مازندران می‌رفتند. در سالهایی که محصول گندم باندازه کافی نبود و خانوارها چندماهی از سال را بی‌نان می‌ماندند مجبور بودند کمبود گندم را از مناطقی مثل ایوانکی و خوار (گرمسار) یاری و مناطق دیگر تأمین کنند در همین سالها بود که اثاثیه و ظروف قیمتی به‌گرو گذاشته میشد.

۴- نقل از حاج میرزا عباسعلی ممیزی (از معمرین و مطلعین ساکن در ورامین).

۵- مأموریت آمریکائیه‌ها در ایران - دکتر میلسپو چاپ اول ص ۲۲۵.

۶- تاریخ اقتصادی ایران. چارلز عیسوی. ترجمه یعقوب آژند ص ۴۷۸.

۷- خاطرات و خطرات. مخبرالسلطنه هدایت - چاپ چهارم ص ۳۹۳ - (مردم چنین نقل می‌کنند که ابتدا قرار بود این کارخانه در مرکز شهر تأسیس شود ولی صاحبان اراضی در این محل به بهانه اینکه اگر کارخانه دایر شود کسی دیگر حاضر به رعیتی کردن نخواهد بود از واگذار کردن زمین خودداری کردند دولت ناچار شد کارخانه را در اراضی رین و باجک که خالصه بود بنا کند).

گفتار بیست و یکم

تقسیم محصول غله بین مالک و زارع

عبدال... مستوفی که خود یکی از مالکین منطقه ورامین بوده و در بعضی سالها روستاهایی را نیز از مالکین آن اجاره و از طریق مزارعه با کشاورزان به کشت میپرداخته. در زمینه تقسیم محصول در ورامین اشاره می‌کند که در این منطقه سهم ارباب از مناطقی نظیر غار و پشاپویه - شهریار و کوهپایه بیشتر است. و علت آنرا مرغوبیت و بازده نسبتاً بالای اراضی ورامین میداند گرچه او سعی دارد از منافع مالکین دفاع کند و نتیجه‌گیری می‌کند که برای بهتر کردن وضع رعیت نباید ب فکر این باشیم که سهم بیشتری به رعیت داده شود زیرا رعیت با توجه به مرغوبیت اراضی خود بخود در منطقه‌ای جذب میشود که به مصلحت او باشد و اشاره می‌کند که در ورامین با اینکه سهم مالک از مناطقی چون غار و پشاپویه و شهریار و کوهپایه بیشتر است باز داوطلب رعیتی در ورامین از مناطق مذکور بیشتر است. مستوفی در این باره می‌نویسد^۱.

«در ورامین بذر را رعیت از سهم خود میکارد و با مالک تنصیف میکنند در کوهپایه مالک حاضر است بذر را از سهم خود بکارد و سه سهم از ۵ سهم را به رعیت بدهد و لسی رعیت گیر نمی‌آورد و املاک آن بواسطه همین کم‌بازویی خیلی نابرومند است. در پشاپویه بذر از سهم رعیت کاسته میشود و بهره مالکانه صدی چهل و سه است. در بلوک غار بذر را رعیت میکارد و دو سهم از پنج سهم را به مالک میدهد و در شهریار و ساوجبلاغ بذر را قبل از قسمت از میان برمیدارند و حاصل را نصف

۱- شرح زندگانی من عبدالله مستوفی. جلد سوم ص ۲۸۳.

می‌کنند. تفاوت‌های جزئی دیگری هم، در مخارج سرخرمن و حمل کاه و دان به انبار مالک در این بین‌هاست. مثلاً در ساوجبلاغ کاه و دان مالک را رعیت باید بانبار او ببرد و ده و نیم درصد از سهم خود را هم بعنوان ضابطانه به مباشر مالک بدهد و مزد و مخارج خرمن‌پایی با رعیت است. ولی در ورامین مالک کاه و دان خود را خود به انبار می‌برد و مخارج خرمن‌پایی را از میان می‌دهند. در پشاپویه بردن کاه و دان مالک برعهده خودش است ولی خرج خرمن و خرمن‌پایی غیر از جمع‌کنی که از میان می‌دهند با رعیت است».

در منطقه ورامین نیز تقسیم محصول یکنواخت انجام نمی‌گرفت و بستگی داشت به قدرت، نفوذ و انصاف ارباب مثلاً در سعیدآباد براساس مطالعاتی که نگارنده شخصاً انجام داده‌ام از ۵ عامل (زمین آب - بذر - وسیله شخم - نیروی انسانی) ۴ عامل بوسیله ارباب و نیروی انسانی بوسیله زارع تأمین می‌شد و موقع تقسیم محصول ارباب بابت تأمین گاو (وسیله شخم) از هر خروار محصول ۲/۵ من به نفع خود تصاحب می‌کرد و بقیه محصول به نسبت یک چهارم و سه چهارم بین زارع و مالک تقسیم می‌شد. در بعضی از روستاها نیز مالک به نحو دیگری قسمتی از محصول را به نفع خود ضبط می‌کرد مثلاً در بعضی از روستاهای بهنام عرب مالک برای دادن مساعده به رعایا از سنگی برای وزن کردن غله استفاده می‌کرد که ۵ من وزن داشت ولی موقع برداشت خرمن طلب خود را با سنگی از رعیت وصول می‌کرد که وزن آن حدود ۶ من بود^۲.

۲- نقل قول از حاج عباسعلی اردستانی ساکن حصار بالا.

گفتار بیست و دوم

گندم ورامین و نان تهران

امروزه بیشتر محصول صیفی و تره بار ورامین برای ساکنین تهران آشناست ولی در زمان قاجاریه محصول غلات و بخصوص گندم ورامین که در تأمین نان تهران با قیمت مناسب نقش مهمی داشت اهمیت بیشتری را دارا بود زیرا بعلت نزدیکی به تهران و میزان قابل توجه غله آن در صورت عدم بروز آفت میتوانست بقدر کافی گندم به خبازهای تهرانی عرضه کند تا مردم بتوانند نان مصرفی خود را با قیمت مناسب بدست آورند اگر محصول بلوک اطراف تهران را که ورامین مهمترین آنها بود آفت میزد ناوایان تهرانی میبایست به فکر تهیه گندم از ساوه، اراک، آذربایجان و... می افتادند که مسلماً با تأخیر به تهران میرسید و بخاطر کرایه بیشتر مجبور میشدند نان را به قیمت گران تر عرضه کنند.

مؤلف کتاب افضل التواریخ^۱ درباره اهمیت گندم ورامین و بلوک های دیگر در نان تهران می نویسد «در فصل سنبله و میزان هذالسنه ۱۳۱۶ (ه. ق) که وقت دروکردن و برداشتن خرمن ها بود زارعین هرملکی در بلوکات تهران مثل خوار و ورامین و سایر بلوک، خرمن ها را که روی هم انباشتند. گمان کردند که حاصل خوب به دست آمده است و اهل تخمین و «خدار» هر خرمنی را پربار تصور کردند ولی چون خرمن کوبیده شد و گندم از کاه جدا گشته و به میزان آمد تمام «خداران» و «خراصان» دیدند که خطا کرده اند و حاصل درست بعمل نیامده است مثل آنکه خرمنی را که به چهل خروار گندم حدس و تخمین زده بودند، بیست خروار

۱- افضل التواریخ، غلامحسین افضل الملك. به کوشش منصوره اتحادیه ص

و هیجده خروار به دست آمد،... بار گندم هر روز در میدان کم آمد و آوردن آرد به خبازخانه دیر رسید و کسر آمد خبازان و اهل شهر محتاج به گندم خمسه و ساوه و عراق^۲ شدند کرایه بارگیری گندم از شهرهای دور به قیمت گندم افزوده و در نتیجه خبازها بفکر گران کردن نان افتادند».

از آنجا که آفت خطرناک غله (گندم و جو) سن بود و در بعضی از سالها بکلی آنرا از بین میبرد سن خوردگی گندم و رامین جزء اخبار مهم کشور بود که در کتب مختلف^۳ این دوره بآن اشاره شده است زیرا با بروز آن سایه شوم قحطی بر سر مردم سنگینی میکرد.

اگر آفت سن به محصول گندم و رامین خسارت نمی زد بیشتر از آنچه مردم تهران طی سال احتیاج داشتند غله تولید میشد عبدالله مستوفی^۴ میزان تولید گندم و رامین را در سالهای بی آفت صد هزار خروار ذکر کرده و آنرا از مصرف سالانه مردم تهران در آن زمان چهل روز اضافه دانسته است.

مستوفی^۵ درباره تأثیر محصول گندم و رامین بر قیمت نان در تهران و نوسان آن در جای دیگر چنین توضیح میدهد «دوازده خروار آردی که دو برابر سالهای عادی ذخیره کرده بودیم تا شب عید بیشتر دوام نیاورد میرزا مهدی را به ده فرستادیم دو خروار آرد در خرواری یکصد و بیست تومان خریداری کرد و برای ما فرستاد این آرد با کمال صرفه ای که میکردیم دو ماه بیشتر دم ما بند نشد... بالاخره مجبور شدیم وقتی جو خوشه و رامین در اوائل جوزا^۶ (خرداد) به شهر رسید و قیمت آن از صد و بیست

۲- خمسه اسم قدیم منطقه زنجان و عراق (عجم) اسم قدیم منطقه اراک است.

۳- روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه - روزنامه اخبار مشروطیت سید احمد

تفرشی ص ۱۱.

۴- شرح زندگی من عبدالله مستوفی ص ۶۷۵.

۵- شرح زندگی من عبدالله مستوفی جلد ۲ ص ۷۱۵.

۶- در تقویم زراعی از بروج دوازده گانه که اسامی آن بشرح زیر است

استفاده می شد: ۱- حمل (فروردین) ۲- ثور (اردیبهشت) ۳- جوزا (خرداد) ۴-

سرطان (تیر) ۵- اسد (مرداد) ۶- سنبله (شهریور) ۷- میزان (مهر) ۸-

عقرب (آبان) ۹- قوس (آذر) ۱۰- جدی (دی) ۱۱- دلو (بهمن) ۱۲- حوت (اسفند).

سی تومان به شصت هفتاد تومان تنزل کرد يك خروار جو خریده
آرد کردیم و ماه رمضان را با جو گذراندیم تا اول سرطان رسید
و از گندم ترکوب ده ارد آوردند در سال ۱۲۹۷ سال خوب شد
به خصوص که «سن» ورامین هم دوره نیامدنش شروع شده بود،
در ظرف ماه سرطان گندم به سی و پنج و جو به بیست و پنج تومان
تنزل کرد و غلا و تنگی به سرآمد.

آنچه مسئله عرضه نان را در تهران مشکل میکرد علاوه بر
آفات، احتکار غله بوسیله مالکان و تجار بود. رعایا و خرده مالکین
که چیزی اضافه بر مصرف سالانه عایدشان نمیشد و احياناً اگر
چیزی هم اضافه داشتند سر خرمن و با قیمت نازل میفروختند ولی
مالکین و تجار حاضر نبودند آنرا باسانی و به قیمت مناسب در
اختیار مردم بگذارند حتی آنها به این علت کشت غلات را بر
صیفی جات که در آن زمان رونقی نداشت ترجیح میدادند که
امکان احتکار و ذخیره سازی آن بود.

شاهان قاجار نیز که بزرگترین مالک منطقه بودند از احتکار
نان مردم خودداری نمیکردند احمدشاه را به این علت که محصول غله
املاک خالصه اطراف تهران را احتکار کرده و در بازار به قیمت
گران میفروخت احمد علاف گفته اند.^۷

مشکل نان مردم تهران سبب شد که در سال ۱۳۳۴ قمری
دولت برای حل آن به فکر تأسیس شرکتی با سرمایه تجار و بمنظور
خرید گندم مناطق ورامین - ساوجبلاغ و شهریار و تحویل آن به
خبازهای تهرانی بیفتد. هدف از تأسیس چنین شرکتی در حقیقت
انحصاری کردن خرید گندم این مناطق بوده بطوریکه مالکین
حق فروش گندم را به غیر از شرکت نداشته باشند و اگر قصد
فروش آنرا نداشتند و میخواستند در انبارهای خود نگهداری
نمایند می بایست خرواری (۵ هزار - ۵ ریال) مالیات بدهند.^۸
شاید در رابطه با انحصاری کردن خرید گندم ورامین بود

۷- تاریخ انقلاب مشروطیت ایران. دکتر مهدی ملک زاده.

۸- نامه های یوسف مغیث السلطنه. وقایع ۱۰ شعبان سال ۱۳۳۴ ص ۱۲۹ و

که مخالفت گروهی از کشاورزان ورامین از جمله تعدادی از ساکنین روستای جوادآباد را بنا بر آنچه دهخدا در یکی از شماره‌های صوراسرافیل می‌نویسد به‌درگیری با قزاق‌های حکومت برانگیخت. عبدالله مستوفی در زمان احمد شاه از اینکه در اوائل سرطان و بحبوه خرمن ورامین می‌شنود. در تهران نان کمیاب شده اظهار تعجب می‌کند و علت آنرا سوءمدیریت مسئولین امر می‌داند.^۹ صنیع‌الدوله نیز آنطور که ابراهیم صفائی در کتاب رهبران مشروطه نوشته در زمان تصدی خود در وزارت دارائی قصد داشت بوسیله راه آهن ورامین را به تهران متصل کند تا حمل‌گندم ورامین به تهران آسان‌تر انجام بگیرد و دول خارجی نتوانند با سیاست نان از دولت باج بگیرند. او حتی در این باره با يك کمپانی آلمانی و بلژیکی صاحب امتیاز خط آهن تهران - ری مذاکره کرد ولی قبل از آنکه فکر او به ثمر برسد مورد سوءقصد قرار گرفت.^{۱۰}

۹- شرح زندگانی من عبدالله مستوفی جلد دوم ص ۲۸۵.

۱۰- ابراهیم صفائی رهبران مشروطه. دوره اول. چاپ سوم ص ۳۶۸-۳۶۹ و ۳۷۸.

گفتار بیست و سوم

آفت سن و مبارزه با آن

گندم غذای اصلی مردم بود و در منطقه ورامین مهمترین محصول که بیشتر اراضی مزروعی را بخود اختصاص میداد ولی این محصول را آفات متعدد تهدید میکرد که خطرناکترین آنها سن بود. این حشره با مکیدن مواد غذایی بوته گندم از ساقه و یا دانه آن در مدت کوتاهی می توانست مزارع گندم را به نابودی کشاند. هجوم آفت سن به مزارع بدنبال خود گرانگی و قحطی داشت. کشاورزان برای جلوگیری از خطر قحطی و گرسنگی در هنگام سن زدگی معمولاً به کشت محصولات دیگری چون جو و حبوبات می پرداختند تا در صورتیکه محصول گندم را سن زد بتوانند قسمتی از غذای خود را از مواد دیگر تأمین کنند. دولت نیز دست به اقداماتی می زد از جمله گاهی مزارع را برای نابود کردن این حشره می سوزاند چنانچه دیدیم در زمان ' نادرشاه یکبار کلاً منطقه بهنام سوخته را آتش زدند و این بهنام نام خود را مدیون این آتش سوزی است. در کوه قره آقاج که حشره سن مدتی از سال را در آنجا می گذراند نیز اقداماتی انجام میگرفت. راه دیگری که دولت برای مبارزه با این آفت در پیش گرفته بود تشویق مردم به گرفتن این حشره از مزارع و تحویل آن بدولت و دریافت مبلغی پول بعنوان دستمزد بود برای نیل به این مقصود مأمورین حکومت در هنگام هجوم این حشره در محل حاضر شده اردو می زدند افراد مقدار سنی را که در روز صید میکردند تحویل میدادند مأمورین نیز آنها را به مرکز انتقال داده و یا در محل معدوم میکردند. در محل اردو برای کارگران سن گیر وسایل غذا مهیا

۱- گزارش امین السلطان راجع به خوار و ورامین.

بود. این حشره زمستان را در کوههای قره‌آقاج زندگی کرده و اوائل بهار به ورامین حرکت میکرد و تا مسیله پیش میرفت حرکت آنها به سمت ورامین گاهی آنچنان انبوه بود که فضا را تیره میکرد و صدای حرکت آنها مانند جریان رودخانه‌ای بود که از فاصله‌ای نسبتاً دور شنیده شود. هجوم این حشره صرف نظر از خساراتی که بهمراه داشت آثار روانی و اجتماعی خاصی در منطقه بدنبال داشت بطوریکه در آن ایام اشتغالات ذهنی و نقل مجالس مردم عموماً هجوم این آفت و پیامدهای آن بود.

سردی و گرمی و جریان حرکت هوا نقش عمده‌ای در تعجیل یا تأخیر حرکت این حشره به ورامین داشت و سالهایی که دیرتر هجوم می‌آورد خسارت آن کمتر بود.

مردم عقیده داشتند سه سال پشت سرهم سال آمدن سن است منتها با شدت و ضعف و سه سال پشت سرهم سال نیامدنش است. این حشره در مناطق اطراف تهران بیشتر از همه به منطقه ورامین لطمه میزد در منطقه ورامین هم بعضی بخشها از جمله بهنام سوخته معمولاً خسارت بیشتری می‌دید.

عبدالله مستوفی^۲ میزان خسارت این آفت را در منطقه ورامین هر سال بطور متوسط حدود پنجاه هزار خروار غله تخمین زده است. مستوفی اشاره می‌کند که در راه مبارزه با سن ورامین دولت مبالغ کلانی خرج کرده است او پیش‌بینی می‌کند برای از بین بردن این حشره در قره‌آقاج احتیاج به پنج فوج هزار نفری به مدت چهار ماه و نیم از آذر تا نیمه فروردین لازم بوده است تا بتوانند این کوهها (قره‌آقاج) را از ساحل چپ رودخانه جاجرود تا نزدیکی ایوانکی بسوزانند.^۳

۲- شرح زندگی من عبدالله مستوفی جلد دوم ص ۴۸۴ لازم به تذکر است که نامبرده مدتی ممیزی مالیاتی ورامین بوده و در سال ۱۲۹۶ ریاست اردوی مبارزه با سن در ورامین را بعهده داشته است.

۳- شاید برای خوانندگان عزیز ارائه چنین پیشنهادی بوسیله عبدالله مستوفی تعجب‌آور باشد ولی برای درک اهمیت مسأله بد نیست به نظر همین مؤلف در زمینه تأثیر سن‌خوارگی گندم ورامین در قحطی و کمبود نان در سالهای ۱۲۹۷ تا ۱۲۹۵ اشاره کنیم مستوفی در این باره چنین می‌نویسد «قحط و غلای سال

مستوفی^۴ در سال ۱۲۹۶ ریاست اردوی مبارزه با سن (سن-گیری) را در پاچالك^۵ بعهده داشته او می نویسد در این اردو وسایل زیست حدود ۱۰۰۰ نفر بمدت ۲ ماه فراهم بوده و در این مدت متجاوز از ۱۲ خروار^۶ سن گرفته و به تهران تحویل داده است.^۷

۱۲۹۶ و دو مائه بهار سال ۱۲۹۷ نتیجه پنج سال خشکسالی و تاخت و تاز قشون اجنبی در سرتاسر خاک ایران بود که مایه زراعتی را در کلیه این مملکت بمرور تحلیل برده و ته انبارها و ذخیره های شخصی و عمومی را بالمره بالا آورده و در تهران مساله سن خواری و راکمینی که در این سه ساله اخیر مالک و رعیت را از هستی انداخته، مزید برعلت گشته بود سال قبل از ۱۲۹۵ هم بقدری خشکی و کم بارانی در این مملکت وجود داشت که غالباً زارعین باندازه بندر هم برداشت نکردند (شرح زندگانی من جلد ۳- ص ۳۳).

۴- شرح زندگانی من عبدالله مستوفی جلد دوم ص ۴۸۱.

۵- محلی است نزدیک پارچین و امروزه قسمتی از روستای حمامک.

۶- افراد سن را از مزارع گندم گرفته و آنرا وزن کرده و در قبال آن پول دریافت می کردند.

۷- قسمتی از آنچه راجع به زندگی سن و زمان حرکت آن به ورامین ذکر شد نقل قول مردم است.

گفتار بیست و چهارم

عشایر ورامین

منطقه ورامین از جمله مناطق استثنائی کشور است که طوایفی از بیشتر عشایر ایران در آن زندگی می‌کنند. اکثر این عشایر در طول ۴ قرن اخیر یعنی از زمان حکومت سلاطین صفوی به منطقه ورامین کوچ کرده‌اند و بهمین جهت این ناحیه از نقطه نظر برخورد فرهنگ عشایر مختلف کشور موقعیتی خاص دارد.

کوچ عشایر که اکثراً علت سیاسی داشته به این قصد انجام می‌گرفته که عشایر از موطن اصلی خود دور شده و در منطقه مرکزی ایران تحت نظر باشند در دوره قاجاریه که تهران پایتخت ایران شد گروهی از عشایر موافق و مخالف حکومت به مناطق اطراف تهران و از جمله ورامین کوچ داده شدند.

چنانچه قبلاً گفته شد عشایر مخالف بیشتر بخاطر اینکه تحت نظر باشند به نزدیک پایتخت کوچ داده می‌شدند. حکومت سعی داشت ضمن انتقال عشایر وسیله اسکان آنها را فراهم کند تا عشایر سرکش و مخالف به افراد کشاورز و زراعت‌پیشه تبدیل شوند زیرا در اینصورت خطر سرکشی و عصیان نیز در آنها کمتر میشد.

علاوه بر آن حکومت گروههایی از عشایر پشتیبان خود را نیز به منظور پشت گرمی خود یا مقابله با عشایر مخالف به نزدیک پایتخت انتقال داده بود. علی‌رغم میل سلاطین که اصرار به اسکان عشایر داشتند به علت موقعیت خاص جغرافیائی این منطقه که از یکطرف به دامنه‌های جنوبی البرز (محل بیلاق) و از طرف دیگر به سیاه‌کوه، مسیله، و قرق سیف (محل قشلاق) نزدیک است به عشایر

امکان داد که کم و بیش بافت زندگی عشایری خود را حفظ کنند.^۱ کوچ عشایر به منطقه ورامین که از زمان صفویه آغاز شده بود در زمان افشاریه و زندیه ادامه یافت و با روی کار آمدن قاجارها و پایتخت شدن تهران شدت یافت در نتیجه بیشتر طایفه های عشایر که فعلاً در این منطقه زندگی می کنند در زمان قاجاریه به ورامین کوچ کرده اند.

عشایر به علت همبستگی قومی شدید و مقتضیات زندگی کوچ نشینی و بعضاً حمایت حکومت دارای قدرت قابل توجهی بودند و چنانچه قبلاً دیدیم بهنام های ورامین نیز هر کدام بنام یکی از طوایف بانفوذ و قدرتمند این منطقه نامگذاری شده بود.

قدرت عشایر در حدی بود که بنا بر آنچه در اسناد دوره قاجار آمده است در فصل زمستان تعدادی از شترداران منطقه آذربایجان جهت حمل بار و چرای شتران خود باین منطقه می آمدند. عشایر شتردار منطقه که طبیعتاً نمی توانستند با این کار موافق باشند با فشار بر حکومت آنرا مجبور کردند که از ورود ساربایان آذربایجانی به منطقه جلوگیری کند.^۲

درگیریها و کشمکش عشایر

درگیری طوایف مختلف عشایر با هم از یکطرف و عناصر بومی و کشاورز از طرف دیگر در این منطقه سابقه ای طولانی دارد. درگیریهایی که منشأ طایفگی دارند در سالهای اخیر نیز کم و بیش در ورامین دیده شده است. خوانین و مأمورین حکومت نیز از سادگی عشایر استفاده کرده و آنها را فدای منافع و غرض ورزیهای خود کرده و در مقابل هم قرار میدادند. ناظم-

۱- عشایر بعد از انتقال به ورامین زبان و اقتصاد آداب و رسوم و همبستگی طایفگی خود را حفظ ولی قشربندی و ساخت اجتماعی آنها دگرگون شد و در بین آنها سلسله مراتب ایلی مثل ایلخان، خان، کلانتر، کدخد، ریش سفید: و واحد هایی چون ایل، طایفه کلانتر، اولاد و ... دیده نشده است.

۲- سفرنامه محمدعلی خان نائینی یا گزارش امین السلطان از خوار و ورامین

نسخه خطی.

الاسلام کرمانی در تاریخ بیداری^۲ در این باره ماجرای را بشرح زیر بیان می‌کند «میرزا حسین‌خان معین‌حضور پسر میرزا- ابوالقاسم‌خان است... پس از عزل امین‌السلطان و رفتن او به فرنگ، معین‌حضور بعضی از دهات خالصه خار (خوار. گرمسار) و ورامین را اجاره کرد و يك مزرعه ملکی هم که در ایوان‌کیف (کی) خرید... شمس‌الملک پسر عین‌الدوله طالب و مایل آن ملک گردید و سایل و وسایط برانگیخت که آن ملک را در شصت هزار تومان بخرد. چون ریاست خالصه ورامین و ایلات آن سامان ضمیمه شغل‌هایش بود در خفا محرك يك ایلی گردید که زراعت آن خالصه را که به اجاره معین‌حضور بود غارت کرده و آتش زدند و در ملک معین‌حضور هم خیلی خرابی وارد آوردند و مدعی هم برایش پیدا کردند. از این طرف هم مطالبه مال‌الاجاره جنس خالصه را نمودند» در وقایع دوره مشروطه نیز عشایر ورامین نقش مؤثر و فعالی داشته‌اند و هردو جبهه موافق و مخالف سعی داشتند نیروهای طرفدار خود را از بین عشایر بسیج کنند.

مخبرالسلطنه هدایت^۴ درباره اعزام ۱۰۰۰ نفر از عشایر ورامین به ریاست اقبال‌الدوله می‌نویسد (از ایل نفر ورامین قریب هزار نفر با چماق در اصطبل نشسته بودند ریاست آنها با اقبال‌الدوله بود^۵).

منبع دیگری از اعزام سواران ایل اصانلو به طرف تهران برای مقابله با مشروطه سخن به میان آورده است^۶.

اداره عشایر

حکومت برای اداره عشایر و جمع‌آوری مالیات يك ایلخان و

۲- تاریخ بیداری ایرانیان. بخش اول ص ۴۶۶ انتشارات آگاه. لوح.

۴- گزارش ایران. قاجاریه و مشروطه. مخبرالسلطنه هدایت باهتمام محمدعلی صوتی چاپ نقره ص ۲۰۴.

۵- اقبال‌الدوله مدتی ریاست املاک خالصه ورامین را بعهده داشت و مالک چند روستا از جمله کریمخانی و اقبالیه بود.

۶- انقلاب مشروطیت ایران. الکسیویچ زنیوف وزیرمختار سابق روسیه در ایران ص ۶۶.

يك ایل بیگک بر ایلات می گماشت^۷ در بعضی موارد سمت ایلخانی و ایل بیگی به يك نفر واگذار میشد این فرد ممکن بود سرکرده عشایر باشد یا به وسیله حکومت از مرکز اعزام شده باشد در منطقه ورامین بیشتر مواقع اداره امور عشایر و اداره املاک خالصه به يك نفر واگذار میشد. عشایری که تحت نظر يك ایلخان اداره میشدند ابوابجمعی او به حساب میآمدند. در منتظم ناصری^۸ راجع به عشایر خوار و ورامین و رؤسای آن چنین می نویسد:

۱- جماعت قراچورلوی خوار. ابوابجمعی جناب امین السلطان. بسرکردگی عزیز محمدخان.

۲- جماعت کردبچه. جمعی نصرا... خان سرتیپ.

۳- جماعت هداوند. ابوابجمعی جناب امین السلطان. بسرکردگی رحیم خان.

مؤلف منتظم ناصری در جای دیگر ایلات دارالخلافه^۹ را که ریاست آنها بمعده علی اصغر صاحبجمع پسر امین السلطان بوده بشرح زیر بیان می کند. عرب ورامین. عرب میش مست. عرب صحنانی. ایل هداوند. ایل اصانلو. ایل قراچورلو - ایل الکائی (الیکائی). ایل گاوباز. ایل بختیاری. ایل قشقائی. ایل اوریات. ایل متفرقه. عرب کلکو.

ایلخان موظف بود سهم مالیات عشایر را که معمولاً بصورت سرانه دریافت می شد. جمع آوری و به مرکز انتقال دهد عشایر تعدادی از نفرات خود را به عنوان غلام یا نوکر برای خدمت در اختیار حکومت قرار میدادند. به استنادیکی از اسناد دوره ناصری^{۱۰} در این دوره آن دسته از عشایر. لرنی. خلیج. کردبچه. هداوند و سیل سپور که بیشتر در روستاهای عباس آباد. کبودگنبد. حصا کلک

۷- مالك و زارع در ایران لمتون ص ۲۹۸.

۸- منتظم ناصری - اعتمادالسلطنه تصحیح دکتر محمد اسماعیل رضوانی.

۹- آقامحمدخان قاجار بعد از اینکه تهران را پایتخت خود کرد عنوان دارالخلافه را برای آن انتخاب کرد.

۱۰- صورت املاک خالصه تهران.

صالح آباد. محمودآباد. فیلستان. و پوئینک و گل عباس ساکن بودند به حکومت نوکر میدادند. رؤسای عشایر در ورامین اکثراً همان افرادی بودند که در قسمت املاک خالصه بعنوان مدیر خالصجات از آنها یاد شد. ایلخان موظف بود هر سال تعدادی از بهترین اسبهای عشایر ابوابجمعی خود را برای اصطبل خانه شاه بفرستد.

ییلاق و قشلاق عشایر

ییلاق عشایر ورامین دامنه جنوبی کوههای البرز^{۱۱} میباشد ماه اول را بیشتر در اطراف دماوند می گذرانند ولی با بروز گرمای بیشتر به ارتفاعات بلندتر صعود کرده به نواحی لار می روند قشلاق عشایر بیشتر اطراف ورامین از جمله سیاه کوه - مسیله و قرق سیف بوده است. از عشایر بابت علف چر دامها در ییلاق و قشلاق مبلغی بعنوان باج دریافت میشد ساموئل بنجامین که بین سالهای ۱۸۸۳ و ۱۸۸۵ در ایران بوده اشاره کرده عشایر در ییلاق برای هر رأس گوسفند ماهانه يك عباسی به باجگیران می پرداختند^{۱۲} گاهی نیز حکومت برای دلگرمی بعضی از عشایر و تشویق به سکونت در این منطقه یا بعنوان حق السکوت اجازه میداد که از اراضی محدوده خاص برای چرای دامها استفاده کنند بعنوان نمونه عشایر عرب کتی ادعا دارند که علفزار سیاه کوه جهت چرای دامها از طرف ناصرالدین شاه به آنها بخشیده و سند آن که بر روی پوست آهو و به خط صدر اعظم ناصرالدین شاه است در دست آنهاست^{۱۳}.

در مورد اینکه عشایر از چه زمانی و چگونه به ییلاق راه یافتند نظرات گوناگون مطرح شده است بعضی از مورخین از جمله توحیدی عقیده دارند از زمان صفویه عشایر کرد مستقر در ورامین

۱۱- عشایر منطقه ورامین ماه اردیبهشت کوچ به سوی ییلاق را آغاز می کنند معمولاً خردادماه را در اطراف دماوند می گذرانند و در ماه تیر بسوی نقاط مرتفع تر حرکت می کنند و زمان حرکت آنها به سوی قشلاق شهریور است.

۱۲- ایران و ایرانیان، ساموئل بنجامین ص ۳۱۶.

۱۳- اکثر کتی ها چنین ادعایی دارند ولی نگارنده هرچه سعی کردم نتوانستم چنین سندی را بدست آورم.

از ارتفاعات البرز در تابستان استفاده میکرده‌اند. مسلم است در اواخر قاجاریه اکثر عشایر ورامین از مناطق مذکور بعنوان بیلاق استفاده میکرده‌اند. سون‌هدین^{۱۴} در دوره مظفرالدین‌شاه در منطقه سیاه‌کوه چادر عشایر عرب، ترك و فارس را دیده و شخص دیگری در همین دوره از لار بعنوان بیلاق ایل عرب و بربر (بوربور) و هداوند یاد کرده است^{۱۵} او در این باره می‌نویسد.

«در سه ماه تابستان ایل «عرب» و ایل «بربر» و ایل «هداوند» از ورامین بلوک تهران کوچ کرده به این سرزمین به «بیلامیشی» می‌آیند و چادرهای پشمی می‌افرازند و با شکوه و نژاهت به یورت‌های این سرزمین می‌رفتند. دوغ‌های خوب دارند، کره و روغن و کشك و پنیری از آنها بدست می‌آید که نهایت امتیاز را دارد. «پنیر لاری» معروف است که بهتر از «پنیر دولت آمریک» است که از خوك می‌گیرند و به تهران می‌آورند» در کتاب ایلات و عشایر راجع به راه یافتن عشایر به ارتفاعات البرز چنین آمده است.

«اراضی ارتفاعات البرز که از لحاظ کشاورزی ارزش چندانی نداشت بوسیله مالکین بزرگ به تملك در نیامد ولی بعد از اینکه تهران پایتخت شد این اراضی به مالکیت دولت درآمد دولت آنها را خالصه اعلام کرد و بعد به صورت اجاره در اختیار عشایر گذاشت و بعضی قسمت‌ها را نیز بآنها فروخت و یا اینکه از عشایر حق علف‌چر دریافت می‌کرد»^{۱۶}.

طوایف مختلف عشایر و تاریخ انتقال آنها به ورامین

تنوع عشایر در این منطقه بررسی و تفکیک گروه‌های مختلف عشایر را مشکل کرده و تشخیص زمان کوچ و منشأ آنها مستلزم مطالعه و تحقیق بیشتری است زیرا کوچ بعضی از طوایف به این منطقه سابقه‌ای دیرینه دارد و بعضی از گروه‌های عشایری بعد

۱۴- سون‌هدین - کویرهای ایران ص ۱۶۹ و ۱۸۲ و ۱۸۳.

۱۵- افضل التواریخ. غلامحسین افضل‌الملک. به‌کوشش منصوره اتحادیه ص

۲۵۵.

۱۶- ایلات و عشایر - انتشارات آگاه ص ۱۳۱.

از انتقال به این منطقه عنوان جدیدی برای خود انتخاب کرده‌اند بعضی دیگر نیز به علت کمی نفرات به نحوی در فرهنگ گروههای دیگر هضم شده و هویت فرهنگی خویش را از دست داده و حتی زبان خود را فراموش کرده‌اند بنابراین آنچه در این مبحث گفته میشود بعنوان يك مقدمه است و در آن علاوه بر استناد به اسناد مکتوب به اقوال افرادی که احتمال میرفت اطلاعات آنها مفید بوده باشد اشاره شده است.

۱- عشایر کرد: سابقه کوچ عشایر کرد به منطقه خوار و ورامین از طوایف دیگر بیشتر است این عشایر که شامل. پازوکی‌ها. سیاه‌منصوریه‌ها. چگنی‌ها. قراچورلوها. سیرسپور (سیل‌سپور)ها کردبچه‌ها. لرنی‌ها و بوربورها میشدند باستانی لرنی‌ها و بوربورها همگی در زمان صفویه و بفرمان شاه‌عباس به منطقه خوار و ورامین و خراسان انتقال داده شده‌اند. در این زمینه مؤلف کتاب: حرکت تاریخی کرد به خراسان می‌نویسد:^۲ «کردها به‌میل و رغبت خود از منطقه آذربایجان و مهاباد به نزدیکی تهران کنونی که آنموقع ملک ری می‌گفتند و بهترین سرزمینهای حاصل‌خیز ایران را دربر داشت کوچ کردند. زیرا منطقه آذربایجان و کردستان نمیتوانست این همه نیرو را در خود جذب کند چونکه سالها بود ترك‌ها نیز در این مناطق اسکان یافته بودند بر اثر بی‌کفایتی سلطان محمد خدابنده سرزمینهای قفقاز جنوبی یعنی قراباغ و شیروان و گنجه و نخجوان و سواحل ارس که محل ییلاق کردهای چشم‌گزگ شادلو بود پس از جنگ‌های متعدد از تصرف ایرانیان خارج و به اشغال نیروهای عثمانی درآمد بود و کردها و قاجارها و استاجلوها و افشارها از آن مناطق به‌داخل آذربایجان کوچیده بودند جمع‌شدن تمام نیروهای کرد در آن منطقه باعث شده بود که گله‌ها و احشامشان از بابت تعلیف دچار مضیقه شوند و همواره بر سر مراتع و آبگاه و علفگاه میان ایلات اختلاف و نزاع روی‌دهد. شاه‌عباس هم که شخص زرننگ و سیاستمداری بود از اجتماع

۱۷- حرکت تاریخی کرد به خراسان جلد ۲ ص ۱۴۲ و ۱۴۳ کلیم‌الله توحیدی.

این نیروی عظیم کرد در آن منطقه به وحشت افتاده و چاره‌ای اندیشید و سران چشمگزگ را به این عنوان که نواحی خوار و ورامین برای دامداری و کشاورزی منطقه‌ای کافی و مناسب می‌باشد آنان را برای چنین حرکت و کوچ بزرگی تشویق و آماده ساخت. البته بعدها تعدادی از عشایر کرد از این منطقه به طرف خراسان کوچ کردند توحیدی کوچ عشایر کرد را به خراسان در ماه رمضان سال ۱۰۰۶ ذکر کرده است.

توحیدی^{۱۸} درجایی دیگر از کتاب خود به درگیری شاه‌علیخان چشمگزگ (کرد) و کردهای طرفدار او با مهاجمان ازبك در اردوگاه خوار و ورامین و خرد و نابودکردن ازبکان در این محل اشاره می‌کند. توحیدی درباره قره‌چورلوها می‌نویسد «قراچورلو و بقولی قراچوللو یکی از مهمترین ایلات زعفرانلو است که سرزمین اصلی آنها در شمال دیاربکر و در شرق دریاچه وان در کردستان ترکیه بود و قلعه قره‌چولان از قلاع کردستان ترکیه بود. کردهای قراچورلو همگی اسکان یافته‌اند و در اطراف بجنورد و آلاداغ بویژه در شلوغلن و سعلقان و اسفراین... می‌باشند بعضی از قراچورلوها نیز در خوار و ورامین و دماوند و مشهد و برخی هم در درگز اسکان دارند»^{۱۹}.

توحیدی در کتاب خود از قول مؤلف عالم‌آرای عباسی درباره کردهای سیل‌سپرانلو چنین می‌نویسد. سیل‌سپرانلو روستایی است در دهستان مرزی جیرستان از بخش بازگیران در نوار مرزی، کردهای سیل‌سپور از طرفداران جدی شاه عباس بودند که «شاهسون» نامیده می‌شدند در سال ۱۰۱۲ قمری کردان سیل‌سپیر در کردستان ترکیه رومیان را به شدت قتل و غارت نمودند و همچون جاروب آنها را رویدند و به همین سبب لقب و عنوان «سیل‌سپور» گرفتند زیرا بقول شاه‌عباس «سیل تک سپور» یعنی همچون سیل جاروب کردند، مؤلف عالم‌آرای عباسی می‌گوید این

۱۸- حرکت تاریخی کرد به خراسان. کلیم‌الله توحیدی جلد دوم ص ۱۴۲.

۱۹- ایل زعفرانلو از ایلات مهم کرد بود و خود از طوایف مختلف تشکیل می‌شد که شادلو قراچورلو و کیوانلو از جمله آنهاست (لو) در زبان ترکی مفهوم تملک و محل را نیز می‌دهد.

کردها از آنموقع به عبارت ترکی خود را سیل سپر نام نهاده‌اند یعنی پاک‌بروب این طایفه از طرف شاه‌عباس در ولایات ری - ساوه و خوار و فیروزکوه اسکان یافته و جهت آنها بیلاق و قشلاق تعیین شد. (عالم آرای عباس ص ۶۴۸ و ۷۸۲).

پازوکی‌ها نیز از اکراد غرب ایران بوده‌اند و در زمان صفویه به منطقه ورامین و گرمسار انتقال داده شده‌اند گرچه بعضی از مؤلفین از جمله مهدی بامداد^{۲۰} و مؤلف تاریخ عضدی^{۲۱} معتقدند که این طایفه از فارس به گرمسار و ورامین انتقال داده شده‌اند ولی توحیدی آنها را از کردهای غرب کشور می‌داند و با مؤلف کتاب مردم‌شناسی ایران هم عقیده است. هنری فیلد در کتاب مردم‌شناسی ایران درباره پازوکی‌ها می‌نویسد^{۲۲}.

«پازوکی یا پازکی زمانی قبیله مقتدری بود که در نزدیکی ارض‌روم سکنی داشتند و نام بعضی از رؤسای آنها در کتاب اکرادنامه شرف‌الدین ذکر شده است این قبیله در اواخر قرن شانزدهم (میلادی) از هم پاشید و بعضی از آنها بایران مهاجرت کردند و در حدود ۱۰۰۰ خانوار در خوار و ورامین در شرق و جنوب شرقی تهران ساکنند بعضی از آنها ترکی و برخی به کردی تکلم می‌کنند»^{۲۳}

مجنون‌خان پازوکی یکی از رهبران پرقدرت این طایفه در زمان آقا محمدخان قاجار بود و در وساطت بین بنیان‌گذار سلسله قاجار و خوانین مستقر در ورامین نقش مهمی ایفا کرد او در لشکرکشی‌های آقامحمدخان در تسخیر قلعه‌های دشمن مهارت و سرعت عمل شگفت‌انگیزی داشت که در کتاب خواجه تاجدار

۲۰- تاریخ رجال ایران. جلد سوم ص ۱۹۶ زیرنویس.

۲۱- تاریخ عضدی تألیف سلطان احمد میرزا (عضدالدوله) به کوشش عبدالحسین نوایی ص ۲۹۴.

۲۲- هنری فیلد مردم‌شناسی ایران - ترجمه عبدالله فریار انتشارات ابن‌سینا.

۲۳- احتمال می‌رود که پازوکی‌ها که اصلا کرد و موطن اصلی آنها غرب ایران بوده است ابتداء به منطقه فارس و از آنجا به ورامین و گرمسار انتقال داده شده باشند.

ژان‌گوره به تفصیل درباره آن سخن رفته است سران این طایفه بخصوص بعد از به قدرت رسیدن قاجارها در منطقه ورامین ثروت و نفوذ زیادی داشتند و توانستند املاک زیادی را تصاحب کنند. سیاه‌منصوریه‌ها و چگنی‌ها از طوایف دیگر کرد بودند که در زمان صفویه به منطقه اطراف تهران منتقل شدند و در کتاب حرکت تاریخی کرد جابه‌جا به آنها اشاره کرده است.

بوربورها طایفه دیگری از عشایر کرد منطقه ورامین هستند که بیشتر در روستاهای بهنام‌سوخته و بهنام‌پازوکی اسکان دارند درباره سرزمین اولیه آنها اطلاعی در دست نیست بعضی آنها را^{۲۴} از اکراد غرب کشور میدانند در صورتیکه عده‌ای دیگر معتقدند بوربورها از منطقه فارس به منطقه ورامین کوچ داده شده‌اند. در لغت‌نامه دهخدا نیز بوربورها از منطقه فارس معرفی شده و به نقل از جغرافیای سیاسی کیهان درباره آنها چنین آمده است «تیره‌ای از ایل بهارلو از ایلات خمسه فارس و از ایلات اطراف تهران. ساوه. زرند و قزوین است. ییلاقشان کوه‌های شمالی البرز قشلاقشان ورامین میباشد و چادر نشین هستند».

درباره تاریخ کوچ این طایفه به ورامین سند متقنی در دست نیست بنابر گزارش یکی از مأمورین حکومت در دوره ناصری^{۲۵} طایفه بوربور از زمان نادرشاه در این منطقه زندگی می‌کرده‌اند لازم به تذکر است که در اسناد دوره قاجاریه از این طایفه بیشتر با عنوان «بربر» یاد شده است. کتاب ایلات و عشایر از انتشارات آگاه زمان کوچ بوربورها را به ورامین زمان کریمخان و شاهان اولیه قاجار می‌داند^{۲۶}.

لرنی‌ها طایفه دیگری از کردها هستند خود عقیده دارند از اطراف کرمانشاه و از روستائی بنام لرن به ورامین کوچ کرده‌اند در لغت‌نامه دهخدا لرنی دهی از دهستان روضه چای

۲۴- در کتاب ایلات و عشایر ایران از انتشارات آگاه موطن بوربورها کردستان ذکر شده است ص ۱۳۱.

۲۵- گزارش امین‌السلطان راجع به‌خوار و ورامین - نسخه خطی.

۲۶- این قسمت با توجه به اظهارات يك نفر از لرنی‌ها و اسناد دوره ناصری تنظیم شده است.

بخش حومه شهرستان رضائیه (ارومیه) معرفی شده است در اسناد دوره ناصری از ساکنین چند روستا با عنوان لرنی نام برده شده است از تاریخ کوچ خود به ورامین اطلاع دقیقی ندارند ولی قرائن و شواهد نشان میدهد که در زمان قاجاریه به منطقه ورامین کوچ کرده‌اند.

کردبچه‌ها نیز طایفه‌ای از کردها هستند درباره سرزمین اصلی و تاریخ کوچ آنها به ورامین نگارنده نتوانست اطلاعی بدست آورد احتمالاً کردبچه‌ها نیز از عشایر غرب کشورند که از زمان صفویه به منطقه ورامین کوچ کرده‌اند.

۲- عشایر هداوند: این طایفه از عشایر لر بوده و سرزمین اصلی آنها لرستان است جمعیت آنها نسبت به عشایر دیگر منطقه ورامین بیشتر است افراد این طایفه براین عقیده‌اند که طایفه آنها را کریم‌خان زند به اطراف تهران کوچانده ولی لمتون^{۲۷} از قول مؤلف تاریخ قم می‌نویسد عشایر هداوند اهل خرم‌آباد هستند و کریم‌خان زند آنها را به فارس و آقامحمدخان آنها را از فارس به تهران کوچ داد.

هداوندها به سه طایفه سیری - خانی - میرزائی تقسیم می‌شوند هرکدام از سه طایفه فوق نیز خود به شاخه‌هایی تقسیم می‌شوند جمعیت هداوندها را هنگام کوچ به ورامین ۶۰۰ خانوار ذکر کرده‌اند عشایر هداوند اکثراً باهم به زبان لری تکلم می‌کنند هداوندها در بعضی از روستاهای بهنام پازوکی - بهنام سوخته و روستاهای اطراف ورامین سکونت دارند^{۲۸}. تعداد قابل توجهی از خانواده‌های این طایفه تا سالهای اخیر به دامداری اشتغال داشتند ولی امروز اکثراً اسکان یافته و به کشاورزی مشغولند.

۳- عشایر عرب: عربهای ساکن در منطقه ورامین را می‌توان بچند دسته تقسیم کرد.

۲۷- مالک و زارع - لمتون چاپ سوم ص ۲۷۱.

۲۸- افراد طایفه هداوند بیشتر در روستاهای عمروآباد - کاظم‌آباد - سرگل - پوئینگ - خیرآباد - صالح‌آباد - پلنگ دره - توچال - حمامک - سوره - معین‌آباد - قوئینک (رخشانی) - کریم‌آباد - شوش‌آباد - گل عباس - شوران - حیدرآباد و چند روستا به نام قشلاق ساکن می‌باشند.

الف. عربهایی که امروز به فارسی تکلم می‌کنند و جمعیت آنها از طوایف دیگر عرب بیشتر است و به نام‌های - عرب سلمانی - عرب سرهنگی. عرب سالاری. عرب خواری. عرب حلوایی. عرب - علیدائی و عرب علیدوستی خوانده می‌شوند. همانطور که گفته شد این طایفه اکثراً در روستاهای بهنام عرب ساکن بوده و به کشاورزی اشتغال دارند و به فارسی تکلم می‌کنند. در مورد اینکه این دسته از عشایر عرب از ابتدا يك طایفه بوده‌اند و بعد عناوین مختلفی برای خود انتخاب کرده‌اند و یا منشأ جداگانه‌ای داشته‌اند نگارنده اطلاعی در دست ندارد.

در نهضت مشروطه جماعتی از آنها مشروطه‌خواه بوده و به همین علت مورد خشم حاج حسن خان قرچکی قرار گرفته بود حاج حسن خان جهت کشتار و غارت اموال آنها به سراغ ساکنین بعضی از روستاهای بهنام عرب میرود و پسرهای علی‌اصغر عرب^{۲۹} از ترس او از روستای خود فرار می‌کنند.

این گروه از عربهای ورامین بنا به قول عبدالله مستوفی^{۳۰} در زمان نادرشاه به این منطقه انتقال داده شدند و هنگام روی کار آمدن قاجارها از آقامحمدخان حمایت کردند آقامحمدخان در تهران نیز محله عربها را بنا و تعدادی از آنها را در این محل اسکان داد این طایفه در دوره قاجاریه ساکن بوده و به کشاورزی اشتغال داشته‌اند و بقول عبدالله مستوفی در آن دوره هنوز لهجه جنوبی - های فارس در زبان آنها مشهود بوده است مستوفی در این باره چنین می‌نویسد «... فرزندان ایل بیگیهای سابق آنها در ورامین به ملاکی و افراد آنها به رعیتی مشغولند. اینها هنوز هم اصطلاحات محلی اصلی را فراموش نکرده و حتی کردم و گفتم و میگم جنوبیهای فارس را امروز در محاورات خود بکار می‌بندند»^{۳۱}.

در زمان قاجاریه بعضی از روستاهای بهنام عرب محل نگهداری اسبها و شترهای شاهی بوده و هر موقع شاه قصد سفر

۲۹- روزنامه اخبار مشروطیت نوشته احمد تفرشی حسینی به کوشش ایرج افشار.

۳۰- شرح زندگانی من عبدالله مستوفی جلد اول چاپ دوم ص ۶.

۳۱- شرح زندگانی من عبدالله مستوفی جلد سوم ص ۵۰۷.

یا شکار داشت در عرض چند ساعت شترها و اسبها جهت این کار آماده میشدند.

ب: عشایر عرب میشمست: این طایفه از اعرابی هستند که در قرن اول هجری به خراسان رفته و در مناطق سرخس ابیورد و قاینات ساکن شدند^{۲۲} از افراد نامدار این طایفه میرمحمدخان عرب میشمست سردار نامی ارتش نادر بود میرزا محمدتقی و عبدالعلیخان عرب میشمست دو تن از سرداران نادر بودند که حکومت کرمانشاه به آنها واگذار شده بود شخص اخیرالذکر زمانی در دربار نادر سمت توپچی‌باشی را بعهده داشت^{۲۳}. اسکان طایفه عرب میشمست در اطراف تهران و ورامین در زمان قاجاریه انجام گرفت^{۲۴} این طایفه در گذشته بیشتر در مسیله و منطقه سیاه‌کوه زندگی میکردند عرب میشمست‌ها با طایفه دیگری از عربها معروف به عرب کتی برسر تصاحب و استفاده از مراتع و آبشخورهای سیاه‌کوه درگیریهای زیادی داشته‌اند هنوز در منطقه سیاه‌کوه چاه میشمست و منطقه ریگ میشمست معروف است تعداد افراد این طایفه از گروه قبلی کمتر است شغل عمده این طایفه در زمان قاجاریه گله‌داری و پرورش شتر بوده است گوسفندهای این طایفه از نظر مرغوبیت پوست در منطقه ورامین معروف بوده است^{۲۵}.

ج: کتی‌ها یا کوتی‌ها: دسته دیگری از عربهای مستقر در ورامین هستند. این طایفه برخلاف طوایف دیگر عرب بافت زندگی عشایری را کم و بیش حفظ کرده‌اند و تا سالهای اخیر اکثریت قریب به اتفاق آنها به دامداری و زندگی کوچ‌نشینی اشتغال داشتند^{۲۶}.

کوتی‌ها با یکدیگر به زبان عربی که واژه‌های فارس، ترکی و

۲۲- حرکت تاریخی کرد به خراسان - کلیم‌الله توحیدی ص ۳۲۹ - زیر نویس.

۲۳- کریم‌خان زند و زمان او - دکتر پرویز رجبی ص ۳۲ و ۳۹.

۲۴- مالك و زارع در ایران. لمتون ترجمه منوچهر امیری ص ۲۷۱.

۲۵- پارك ملی کویر - سازمان محیط‌زیست ص ۱۷.

۲۶- هنوز نیز تعداد قابل توجهی از خانوارهای کتی به کوچ‌نشینی و دامداری اشتغال دارند.

لری در آن دیده میشود تکلم می کنند معروفترین تیره های طایفه کوتی عبارتند از صادقی. شریفی. مؤمنی. جعفری. بقرای. آقاحسینی. محمدی. اولاد جمعه و... کتی ها علاوه بر ورامین در منطقه گرمسار و ری نیز پراکنده اند. کوتی ها گرمسار بیشتر از صادقی ها هستند. در باقرآباد شهر ری نیز تعدادی از آنها مستقر بوده و محله ای در آنجا به محله عربها معروف است. کتی های باقرآباد ری بیشتر از بقرای ها هستند. در ورامین نیز در روستاهای حصار بالا و غیاث آباد هر کدام حدود ۳۰ خانوار ساکن هستند و بقیه در روستاهای مختلف پراکنده اند.

کتی ها که اصلا از اعراب نجد عمان^{۲۷} بودند در قرون اولیه اسلام به نواحی فارس و خوزستان مهاجرت کرده اند کوتی های ورامین از منطقه فارس مهاجرت کرده و تاریخ کوچ آنها در دوره قاجارها میباشد. اکثر کتی ها تاریخ مهاجرتشان را به ورامین در زمان ناصرالدین شاه میدانند و مدعی هستند که این پادشاه بخشی از علفزار سیاهکوه را به طایفه کتی بخشیده است. در کتاب ایلات و عشایر زمان کوچ این طایفه را به اطراف تهران دوره کریم خان و اوایل قاجاریه ذکر شده که چندان قابل قبول به نظر نمیرسد^{۲۸}. د. از اعراب دیگر این منطقه میتوان از کلکوها و صحنانها نام برد طایفه کلهکو در گذشته بیشتر در اطراف مسیله زندگی میکردند و بیشتر شغل آنها گلهداری بود. گوسفندهای آنها در منطقه بنام خودشان معروف و سفیدرنگ و دارای پشم مرغوب^{۲۹} بود این طایفه امروز بصورت پراکنده در بعضی نقاط ورامین دیده میشوند در زبانی که با آن سخن میگویند تعدادی لغات عربی دیده میشود. اعراب صحنانی گروهی از عربها هستند که امروز در ورامین کمتر شناخته میشوند در آثاری چون منتظم ناصری از

۲۷- فارسنامه ناصری ص ۳۱۱.

۲۸- ایلات و عشایر - انتشارات آگاه ص ۱۳۱ و ۱۳۲.

۲۹- در کتاب جغرافیای مفصل ایران جلد سوم ص ۲۵۴ و ۲۵۵ در این زمینه چنین آمده است: در نواحی مرکزی ایران چون قم و ورامین نژادهایی از نوع کلکو (گوسفند) سرببرند که دارای پشم سفید و مرغوب بوده که بهترین و مرغوبترین پشم ایران است که تا حدودی در سطح پشم مرینوس می باشد.

آنها اسم برده شده است.

۴- عشایر بختیاری: تعدادی از خانوارهای بختیاری در بعضی از روستاهای ورامین بصورت پراکنده زندگی می‌کنند ولی تمرکز آنها بیشتر در روستاهای موسی‌آباد بختیاری. سعیدآباد. و قلعه‌خواجه و کهریزک بختیاری است درباره زمان مهاجرت آنها به ورامین میتوان گفت در چند مرحله انجام گرفته است. گروهی از آنها بنا بر آنچه مؤلف کتاب کریم‌خان زند نگاشته در زمان این پادشاه به نواحی خوار و ورامین کوچ کردند مؤلف فوق‌الذکر مهاجرین را از هردو طایفه بزرگ هفت‌لنگ و چهار-لنگ دانسته و در این باره چنین می‌نویسد:

«... و برای این منظور دو طایفه بزرگ هفت‌لنگ و چهارلنگ بختیاری را به قم و بلوک فسای فارس کوچاند و عده‌ای را نیز از سرحد اصفهانی تا خوار و ورامین متفرق نمود. افراد ایلات بختیاری مقیم فارس پس از کریم‌خان به وطن بازگشتند و تنها تیره‌ای از آنان در تنک‌کرم فسا و قریه کنگان فسا ماندند این افراد هرچند که به ایلات نوترکی شهرت یافتند ولی سیاه‌چادر و زبان لری خود را حفظ کردند»^{۴۰} نوایی علت کوچاندن عشایر بختیاری را به مناطق مذکور بوسیله کریم‌خان زهرچشم گرفتن از سران این ایل و پراکنده کردن آنها از مناطق صعب‌العبور بختیاری به نقاط دیگر ذکر کرده است.

لمتون^{۴۱} نیز از اسکان گروهی از عشایر بختیاری در زمان فتح‌علی‌شاه در اطراف تهران بعنوان گروگان و برای تضمین نیک رفتاری بقیه افراد این طایفه یاد می‌کند.

بعضی از افراد طایفه بختیاری عقیده دارند که اجداد آنها را در زمان ناصرالدین‌شاه و بدستور ظل‌السلطان مسعود میرزا حاکم اصفهان به اطراف تهران کوچ داده‌اند. ناظم‌الاسلام کرمانی در کتاب تاریخ خود جزو وقایع روز

۴۰- کریم خان زند. عبدالحسین نوایی. چاپ دوم. شرکت کتابهای جیبی ص ۹۷.

۴۱- مالك و زارع در ایران. لمتون ترجمه منوچهر امیری چاپ سوم ص ۲۶۹.

۲۷ صفر ۱۳۲۷ از آمدن جمعی از بختیارپها به ورامین سخن می‌گوید بدون اینکه صحبتی از اسکان در میان باشد یا هدف آن روشن شده باشد^{۴۲} در نهضت مشروطه نیز آنچنان که دیدیم برای مقابله با ارشدالدوله جمعی از مجاهدین بختیاری همراه نیروی اعزامی به ورامین آمدند و بعد از شکست ارشدالدوله گروهی از آنها برای مدتی در ورامین باقی ماندند ولی شواهدی در دست نیست که از این گروه افرادی برای همیشه در ورامین ساکن شده باشند.

۵- قاجارها: تعدادی از افراد این طایفه در زمان صفویه^{۴۳} به مناطق مرکزی ایران کوچ داده شدند ولی این موضوع که تعدادی از خانوارهای قاجار در این دوره در اطراف تهران و ورامین آمده باشند قطعی نیست.

کریمخان^{۴۴} زند نیز تعدادی از خانوارهای قاجار را از حدود استرآباد به خوار و ورامین آورد و اسکان داد این طایفه در آستانه به قدرت رسیدن آقامحمدخان در منطقه ورامین قدرت و ثروت زیادی داشتند و محل استقرار آنها بیشتر در مناطق شمالی ورامین از جمله سعدآباد و جمالآباد بود از دفترچه صورت املاک حاج میرزا آقاسی چنین برمیآید که سران این طایفه در آن زمان مالک چندین روستا از روستاهای ورامین بوده‌اند.

۶- اصانلو^{۴۵}: این طایفه در زمان آقامحمدخان و بوسیله او به منظور جلوگیری از هجوم ترکمن‌ها به حدود خوار و ورامین کوچ داده شدند^{۴۶} زیرا ترکمن‌ها غالباً به قصد غارت و چپاول حمله کرده و تا این مناطق پیش می‌آمدند تعداد خانوارهای مهاجر را به این منطقه ۱۰۰۰ تا ۵۰۰ خانوار ذکر کرده‌اند.

۷- کنگرلو: این طایفه از ترکهای ایروان هستند و تاریخ کوچ آن زمان فتح‌علیشاه و جنگهای ایران و روس و اشغال این

۴۲- تاریخ بیداری ایرانیان - ناظم‌الاسلام کرمانی.

۴۳- تاریخ اجتماعی سیاسی دوران معاصر سعید نفیسی جلد اول ص ۱۹.

۴۴- روضة الصفا جلد ۹ ص ۱۲۹.

۴۵- عشایر اصانلو در اسناد دوره مشروطه از عشایر ورامین معرفی

شده‌اند در صورتی که بیشتر افراد این طایفه در گرمسار زندگی می‌کنند.

۴۶- مطلع‌الشمس اعتمادالسلطنه ص ۳۷۳.

نواحی بدست سپاهیان روس است یکبار وقتی ایروان به دست سپاهیان ایران آزاد شد فتحعلی شاه کلبعلیخان کنگرلو را به ریاست این ایل منصوب^{۴۷} کرد. در جنگ دوم ایران و روس رئیس این طایفه فرماندهی قسمتی از نیروی ایران را بعهده داشت که مأموریت آنها حفظ قلعه عباس آباد بود این شخص بوسیله روسها تحبیب شده و قول داده بود که در فرصت مناسب قلعه را به روسها تسلیم کند این فرصت با فرار آصف الدوله که او نیز فرماندهی قسمت دیگری از نیروی ایران را بعهده داشت برای کلبعلیخان پیش آمده و قلعه عباس آباد را به روسها تسلیم کرد^{۴۸}. افراد طایفه کنگرلو بیشتر در روستای کهنه گل زندگی می کنند و به کشاورزی اشتغال دارند.

۸- طایفه کارخانه یوسفی: از موطن اصلی و تاریخ مهاجرت این طایفه به منطقه ورامین اطلاع دقیقی در دست نیست بعضی از افراد این طایفه سرزمین اصلی خود را اطراف باختران و بعضی دیگر اطراف زنجان میدانند.

قدیمی ترین سندی که سابقه سکونت این طایفه را در ورامین نشان میدهد مربوط میشود به زمان محمدشاه قاجار^{۴۹} از اسناد موجود چنین برمی آید که طایفه مذکور در این زمان در بعضی از روستاهای بهنام سوخته مستقر بوده و خوانین آن املاک زیادی را در این منطقه در اختیار داشته اند از جمله در دفتر املاک حاج میرزا آقاسی فروشنده اراضی روستاهای جلیل آباد و بهمن آباد شخصی بنام محمدحسین ولد حاجی اسماعیل کارخانه معرفی شده است. تاریخ معامله بین سالهای ۱۲۶۴ تا ۱۲۶۰ هجری قمری است. ناصرالدین شاه نیز در سفرنامه خراسان به حضور این طایفه در منطقه ورامین اشاره کرده است^{۵۰} کارخانه یوسفی ها بیشتر در روستاهای شور، یوسف آباد، جلیل آباد و محمودآباد ساکن بوده و

۴۷- ایران در دوره سلطنت قاجارها - علی اصغر شمیم ص ۶۱.

۴۸- تاریخ ایران در دوره قاجاریه گرنٹ واتسون ترجمه وحید مازندرانی ص ۲۱۶.

۴۹- دفترچه املاک حاج میرزا آقاسی.

۵۰- سفرنامه خراسان - ناصرالدین شاه قاجار ص ۲۲۳ و بعد.

به کشاورزی اشتغال دارند.

۹- عشایر شاهسون: خانوارهایی از عشایر شاهسون در روستاهای طغان - باقرآباد، داوودآباد، نجفآباد و طارند ساکن هستند. در بعضی از روستاها نیز بصورت پراکنده خانوارهایی از این طایفه زندگی می‌کنند. افراد این طایفه با هم به زبان ترکی تکلم می‌کنند، شاهسونهای طغان در کنار کشاورزی به گله‌داری نیز اشتغال دارند.

موطن اولیه این طایفه آذربایجان است تعدادی از این عشایر در زمان نادرشاه به اطراف ساوه انتقال داده شدند، در زمان قاجاریه بخشی از این عشایر به اطراف تهران و از جمله ورامین کوچ داده شدند^{۵۱}.

هنوز شاهسونهای ورامین با شاهسونهای ساوه ارتباط دارند در مورد اینکه شاهسونهای ساوه در زمان کدام پادشاه قاجار به ورامین منتقل شدند اطلاعی در دست نیست.

۱۰- قشقایی‌ها: از عشایر منطقه فارس هستند بیشتر در روستای باغ‌خاص زندگی می‌کنند درباره باغ‌خاص از حدود سالهای ۱۳۰۰ ه. ق. تکی‌نگاری^{۵۲} در دست است که در آن به تعداد خانوارها، حمام، مسجد، قنوات و موضع کلی روستا اشاره شده است از آنجا که در سند مذکور هیچگونه اشاره‌ای به این طایفه نشده بایستی سال مهاجرت این طایفه به ورامین بعد از تاریخ مذکور باشد. قشقایی بیشتر در باغ‌خاص و روستاهای اطراف آن زندگی می‌کنند و اغلب به کشاورزی اشتغال دارند^{۵۳}.

۱۱- عشایر نفر: عشایر نفر از عشایر منطقه فارس و از ایلات خمسه (ایلات خمسه عبارتند از اینانلو، بهارلو، نفر، باصری و عرب) هستند از زمان انتقال آنها به ورامین اطلاعی در دست نیست در دوره مشروطه همانطور که قبلاً گفته شد حدود

۵۱- جزوه آشنایی با جامعه عشایری ایران - منوچهر ترکمان.

۵۲- صورت املاک خالصه تهران، کتابخانه مرکزی دانشگاه - کتابخانه آستان قدس، نسخه خطی.

۵۳- بعضی از قشقایی‌ها عقیده دارند پدران آنها در اواخر قاجار از چهارمحال اصفهان به ورامین انتقال داده شده‌اند.

۱۰۰۰ نفر از این طایفه به ریاست اقبال الدوله جهت مخالفت با مشروطه به تهران اعزام شدند^{۵۴} عشایر نفر اصلا ترك زبان هستند. ۱۲- طایفه لشنی: از عشایر منطقه فارس هستند که در کتاب فارسنامه ناصری به آن اشاره شده است محل سکونت آنها را در فارس دهات حفرك و مرو دشت ذکر کرده اند از زمان انتقال این طایفه به ورامین اطلاعی در دست نیست.

۱۳- طایفه خلج: تعدادی از افراد این طایفه که از ایلات ترك زبان منطقه فارس هستند در منطقه ورامین زندگی می کنند از تاریخ انتقال آنها به ورامین اطلاعی در دست نیست در گزارش امین السلطان راجع به خوار و ورامین از این طایفه نام برده شده است (زمان ناصرالدین شاه ۱۲۹۷ هـ.ق).

۱۴- الکایی، الیکائی یا علیکائی: این طایفه بیشتر در روستاهای بهنام سوخته و بعضی از روستاهای گرمسار ساکن هستند. سرزمین اصلی آنها را مازندران و آنها را از ترك زبانان گیلک معرفی کرده اند^{۵۵} در دامنه های شمالی البرز در مناطق جنگلی مازندران محلی است بنام الکا احتمالا موطن اصلی این طایفه است. زمان انتقال این طایفه به ورامین در دوره قاجاریه و احتمالا در زمان آقامحمدخان قاجار بوده است.

در خاتمه بحث اشاره به این موضوع ضروری است که طوایف فوق الذکر از جمله معروفترین طوایف عشایری منطقه ورامین هستند و گر نه طوایف دیگری نیز بطور پراکنده در این منطقه زندگی می کنند^{۵۶} که بآنها در این دفتر اشاره نشده است.

۵۴- گزارش ایران، قاجاریه و مشروطه مخبرالسلطنه هدایت باهتمام محمدعلی صوتی چاپ نقره صفحه ۲۰۴.

۵۵- ایلات و عشایر - انتشارات آگاه، صفحه ۱۳۱.

۵۶- در اینجا باید به این مطلب اشاره کنیم که علاوه بر عشایر مهاجر در منطقه ورامین مهاجرین دیگری زندگی می کنند که اکثرا در اواخر دوره قاجاریه و اوائل پهلوی به این منطقه کوچ کرده اند سرزمین اولیه آنها بیشتر اردستان، زواره و مه آباد بوده است. اینها بیشتر به کشاورزی اشتغال دارند، مطلب دیگری که ممکن است بصورت سؤال در ذهن هر خواننده ای مطرح شود اینکه مردم بومی این منطقه چه کسانی بوده اند آیا مردم بومی منطقه ورامین نیز به مناطق

گفتار بیست و پنجم

اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهر ورامین در دوره قاجاریه

از اظهار نظر سیاحان خارجی و ایرانیانی که در دوره قاجاریه از ورامین گذر کرده و راجع به مشاهدات خود در این شهر چیزی نوشته‌اند چنین برمی‌آید که قسمت زیادی از خرابه‌های دوران افغانها و شاید تیمور به‌جا بوده‌است و واحدهای مسکونی بصورت پراکنده در گوشه و کنار این خرابه‌ها به چشم می‌خورده‌است. قدیمی‌ترین سند مربوط به دوره قاجاریه سفرنامه فریزر است او که بین سالهای ۱۸۲۰ و ۱۸۳۰ میلادی از ایران دیدن کرده درباره ورامین چنین می‌نویسد «در این محل (ورامین) ظاهراً آمیزه‌ای از بناهای ادوار مختلف وجود دارد. در اینجا به‌گورها و ساختمانهایی برمی‌خوریم شبیه به آنچه در خراسان، بسطام و جاجرم و در ساری مازندران یافته میشود و قدمت آن به هفتصد سال تخمین زده شده است... توده‌های درهم‌برهمی از بناهای خشتی ویران که ممکن است متعلق به تمام یا یکی از اعصار باشد از این گذشته به یکی از دژهایی برمی‌خوریم که از گل محکم ساخته شده و قلعه گبر خوانده میشود... از این‌رو این ویرانه‌ها نمودار بقایایی از شهری باستانی است باغهای آن وسیع است و قسمتی از آنها را روستائیانی که در بعضی قسمتهای این خرابه‌ها به سر می‌برند منظم نگاه داشته‌اند و قسمت دیگر را که به حال

دیگر کوچ کرده‌اند. اینها سؤالاتی است که فعلاً برای آنها جوابی نداریم ولی می‌توان گفت که اختلاط و امتزاج اقوام مختلف در طی قرون کار تفکیک و تشخیص را مشکل کرده است تنها می‌توان گفت مردم بومی منطقه اکثراً همانهایی هستند که عنوان تاجیک را برای خود انتخاب کرده‌اند بعضی از اینها نام روستای محل سکونت را نیز به دنبال این لفظ اضافه کرده‌اند.

ویرانی رها کرده‌اند به شکل جنگلی درآمده است بسیاری از درختان کهن میوه و تنه‌های اشجار سالخورده خاص دشتهای مشرق‌زمین را می‌بینیم که بر اثر پیری و پوسیدگی میان‌تهی شده اما روزی، روزگاری سخت تناور بوده‌اند و اکنون نهالهای تازه که به سرعت رشد می‌کنند از پوست‌های توخالی بیرون می‌زنند...»^۱ اگر آنچه راجع به جمعیت ورامین در دوره قاجاریه گفته شده به واقعیت نزدیک باشد میتوان گفت که جمعیت ورامین حتی از جمعیت روستاهای آباد و پرجمعیت این منطقه کمتر بوده است. در یادداشت‌های امین‌السلطان^۲ که در سال ۱۲۹۷ ه. ق و در دوره ناصرالدین‌شاه تهیه شده از ورامین بعنوان قصبه معتبری که در گذشته شهر بزرگی بوده یاد شده است نامبرده از تعداد خانوارهای ساکن در ورامین سخنی به میان نیاورده است. سون‌هدین که چند سال بعد و در زمان مظفرالدین‌شاه از ورامین عبور کرده و شبی^۳ را در آنجا به صبح رسانده قهوه‌خانه و کاروانسرای شهر را^۴ برای بیتوته مناسب ندانسته و ترجیح داده است شب را در باغهای اطراف شهر در چادری که همراهانش برپا داشته‌اند بگذرانند او در جایی درباره وضع شهر می‌نویسد «حالا روبه‌رویمان در جنوب شرقی، اندام باریک و لاغر درختهای زیادی به چشم می‌خورد که طبق معمول چنار است و بید. چند درخت به قدر کفایت در اطراف مزارع بعد کلبه‌های گلی به چشم می‌خورد و دیوارها و خرابه‌ها و مسجدی که در میان جلوه می‌فروشد وارد اولین کوچه باریک ورامین می‌شویم و باید از روی خندقی بگذریم» او در جای دیگر درباره ورامین چنین می‌نویسد «دور و بر را خرابه‌هایی از زمانهای بسیار دور فرا گرفته بود زمانهایی که ورامین هنوز مثل ری شهر بود و از نظر بزرگی و زیبایی هنر

۱- سفرنامه فریزر - ترجمه منوچهر امیری، چاپ اول ص ۱۶۷ و ۱۶۸.

۲- گزارش امین‌السلطان راجع به خوار و ورامین.

۳- کویرهای ایران - سون‌هدین - ترجمه پرویز رجبی ص ۱۶۷.

۴- مادام دیولافوا که در زمان ناصرالدین‌شاه به ورامین سفر کرده آنها را فاقد کاروانسرا دانسته و خود و همراهانش که توصیه دکتر تولوزان را همراه داشته شب را در خانه کسدا مهمان بوده است.

معماریش به قضاوت بعضی از این خرابه‌ها اهمیتی داشت آن زمان می‌شد این‌جا را شهر ورامین خواند درحالی که الان ورامین فقط دهکده‌ای است کوچک و پراکنده»^۵ سون‌هدین در جای دیگر تعداد جمعیت ورامین را حدود ۵۰۰ نفر ذکر کرده است. فریزر^۶ و مادام دیولافوا که یکی حدود سال ۱۸۲۱ و دیگری بین سالهای ۱۸۸۱ و ۱۸۸۴ میلادی از ورامین دیدن کرده‌اند از وجود باغهای متعدد در اطراف شهر سخن گفته‌اند. در این دوره محل استقرار نماینده حکومت نیز بعضی از روستاهای بزرگ و پرجمعیت از جمله احمدآباد بوده است.^۷

محل فعلی مسجد خاتم‌الانبیاء (ص) آثار خرابه مسجدی باقی بوده ولی بیشتر آفتاب‌نشین مردم در فصل زمستان بوده و چند سندی که از این دوره در دست است در آن اشاره‌ای به اقامه نماز جماعت و وجود روحانی یا روحانیونی جهت موعظه و ارشاد مردم نشده است.

ولی مجالس عزاداری در دهه اول محرم برپا بوده و جا به‌جا در وصیت‌نامه‌ها به موقوفه‌هایی که وقف سیدالشهداء (ع) شده برمیخوریم از وصیت‌نامه‌ها نیز چنین برمیآید که حمل اجساد به عتبات عموماً مرسوم بوده و بخصوص قشر صاحب ثروت در انجام آن مصر بوده‌اند.

از آنجا که در این دوره نگاهها متوجه افق‌هایی بوده که وصول بآنها نیز چیزی جز سلحشوری و ماجراجویی را طلب نمیکرد عموماً تحصیل علم در سطح عالی‌تر ضروری به نظر نمی‌رسید و در نتیجه علم و عالم نیز خریداری نداشته و از مدارس دینی معتبر و معروفی چون فتحیه و رضویه که در قرن ششم دایر و برقرار بوده اثری باقی نمانده و تعداد باسوادان خیلی کم و عموماً برداشت مردم از سواد و علم چیزی در حد میرزا

۵- سون‌هدین - کویرهای ایران ص ۱۶۷ و ۱۶۸.

۶- سفرنامه فریزر - ترجمه منوچهر امیری. چاپ اول ص ۱۶۷ و ۱۶۸.

۷- بی‌دلیل نبود که ساکنین بعضی از روستاهای منطقه به‌طعن می‌گفتند که ورامین از شهریت فقط یک چنار دارد با یک منار (منظور چنار که‌نسال جنب میدان و برج علام‌الدین است).

بنویسی بوده که آن هم بیشتر در انحصار تعدادی محدود از قشر متنفذ و صاحب مکنّت قرار داشته و به این منظور کسب میشده تا در تنظیم صورت حساب رعایا و مشتریان مفاز دستشان باز باشد.

استعمال تریاک و قمار از شیوه‌های مرسوم گذران اوقات بیکاری در آن زمان بوده و قمار در ایام نوروز و ۱۳ فروردین رواج بیشتری داشته و بعضی آن را خوش‌یمن می‌پنداشته‌اند و حتی حرمت بعضی از مکانهای مقدس را رعایت نکرده از جمله در این ایام در نزدیک امامزاده معروف^۸ به شاهزاده محمد این عمل را مرتکب میشده‌اند. کشتی و زورآزمایی جوانان طوایف مختلف با یکدیگر نیز مشتاقان و تماشاگران فراوان داشت و بخشی از اوقات بیکاری افراد را بخود اختصاص می‌داد.

چند خانوار یهودی نیز در شهر ساکن بوده و بیشتر به کارهایی چون عتیقه‌خری و مشروب فروشی و صراف‌ی اشتغال داشته‌اند.

مادام دیولافوآ از چیزی شبیه بازار هفتگی در ورامین یاد می‌کند و اشاره می‌کند که در این بازار^۹ زنان نقش عمده‌ای در داد و ستد داشتند. معاملات بصورت گروگذاری و بیع شرط انجام میشده و این وضع بخصوص با گسترش استعمال تریاک و مصرف کالاهایی مثل قند و چای افزایش یافته بود و خود باعث می‌شد که باغ و باغچه یا خانه‌ای در قبال تحویل چند من قند و چای یا مقداری تریاک به گرو و بعد از مدتی به تصرف دیگری درآید. مادام دیولافوآ ارزاق را در ورامین فراوان و قیمت آن را ارزان توصیف کرده است^{۱۰}. روند تخریب بناهای معتبر تاریخی

۸- امامزاده شاهزاده محمد در زمان قاجاریه در تمام منطقه تهران معروف بوده و از تمام دارالخلافه تهران برای زیارت به اینجا می‌آمده‌اند. تعداد زائران این امامزاده را در سال ۱۰۰۰۰ نفر و قربانیانی که ذبح می‌شدند تا ۲۰۰۰ رأس کوسفند ذکر کرده‌اند صورت املاک خالصه تهران. نسخه خطی - کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

۹- ایران - کلد - آشور. مادام دیولافوآ ص ۱۶۲، چاپ سوم اسفندماه ۱۳۶۴.

۱۰- ایران - کلد - آشور. مادام دیولافوآ... ص ۱۵۰ و بعد.

شدت یافته زیرا با هجوم استعمارگران به اقصی نقاط کشور ما در این دوره کمتر آثار یا شیئی ارزشمندی از شر تجاوز آنها در امان مانده است این گروه به کمک ایادیشان با ارزش ترین آثار این منطقه را برایگان یا به ثمن بخش چپاول کرده اند^{۱۱} ناآگاهی مردم و فقر و تنگدستی آنها نیز زمینه ای میشده تا عمده خوبی برای این ظلمه و غارتگران باشند گاهی افراد فقیر قانع بودند به اینکه مبلغی به اندازه حقوق کارگری يك روز دریافت کرده و محراب یا کاشی امامزاده و مسجدی را دو دستی تقدیم اجانب یا عمال آنها نمایند.

در یادداشت های امین السلطان^{۱۲} راجع به مسجد جامع و علل و عواملی که به ویرانی آن کمک کرده اند اشاره شده و از جمله مینویسد «صحن بزرگ مسجد بوسیله اشخاص خراب شده و زارعین در صحن بزرگ آن به کشاورزی مشغول بوده اند او متذکر میشود از نهر عمروآباد نیز دوبار به محوطه مسجد آب افتاده و تا ارتفاع ۲ متر از این بنا به زیر آب رفته است.»

کاشیهای آن بوسیله بعضی اشخاص سودجو به غارت رفته و بچه ها نیز با انداختن سنگ مقداری از گچ بریهای آنرا از بین برده اند. گروهی نیز نیم خرابه های آنرا خراب و اقدام به حمل آجرهای آن جهت فروش یا بنای ساختمان میکردند.

سایه شوم ناامنی و غارت بر سر مردم سنگینی میکرد و بعضی برای مصون نگه داشتن اموال خود در موقع هجوم غارتگران محلی برای اختفاء اثاثیه در خانه ها تعبیه کرده و در صورت بروز حادثه اثاثیه را به آنجا انتقال میدادند و خود نیز در آنجا مخفی شده یا به دامن صحرا فرار میکردند^{۱۳}.

۱۱- بلوشر سفیر آلمان در کشور ما در زمان رضا شاه اشاره می کند که در ایام قدیم رسم بر این بود که يك شنبه ها هیأت سیاسی مقیم تهران گردش های سواره به شهر ری ترتیب می دادند در آنجا بین خرده ریزها به جستجو می پرداختند و بصورتی تصادفی به حفاری دست می زدند (سفرنامه بلوشر ص ۲۴۱ و ۲۴۲).

۱۲- گزارش امین السلطان راجع به خوار و قسمتی از ورامین.

۱۳- لازم به تذکر است که چنین محله هایی در بعضی از مناطق روستایی نیز وجود داشت نگارنده آثار به جا مانده از چنین پناهگاهی را در داخل قلعه قوئینک رخشانی دیده ام.

مجاورت ورامین با منطقه سیاه‌کوه به‌یاغیان و غارتگران امکان فرار از دست مأمورین را در صورتی که مورد تعقیب واقع میشدند میداد. از منطقه شمال نیز ترکمن‌ها گاه به این منطقه هجوم می‌آوردند. چنانکه دیدیم آقامحمدخان طایفه اصانلو را برای جلوگیری از هجوم ترکمن‌ها در منطقه گرمسار مستقر کرد گرچه ورود طوایف جدید برای مردم این منطقه نیز خالی از دردسر و زحمت نبود.

کدخدا بر امور مربوط به اداره محل نظارت داشت و هم او بود که بین افراد در صورت اختلاف حکم میکرد، و خود حکم را جاری می‌ساخت او در هفته یک یا چند روز خود را اختصاص به رسیدگی به شکایات مردم می‌داده است.

مادام دیولافوا که خود شاهد چندجلسه از تشکیل این دادگاه در ورامین بوده اطلاعات بیشتری در این زمینه ارائه میدهد. او می‌نویسد کدخدا اجازه چوب‌زدن و گرفتن جریمه هم دارد و اگر خطا و خیانت مهم باشد مقصر را تحت‌الحفظ نزد حاکم ایالت که اقتدار او مانند خودش محدود نیست می‌فرستد.

در شهر محله‌ای اختصاص به سکونت دراویش داشت علاوه بر آن در فصل درو و برداشت محصول تعدادی درویش از نقاط دیگر به این منطقه می‌آمدند و در اطراف شهر سکونت اختیار میکردند.

عقل و نفس و ابدان و بقية النفس كنهها في نفس كل دم

ثم بعد ذلك في ليلة الحوت وبنابر حديث سفيان

[illegible]

مجلس عمومی کوهستان

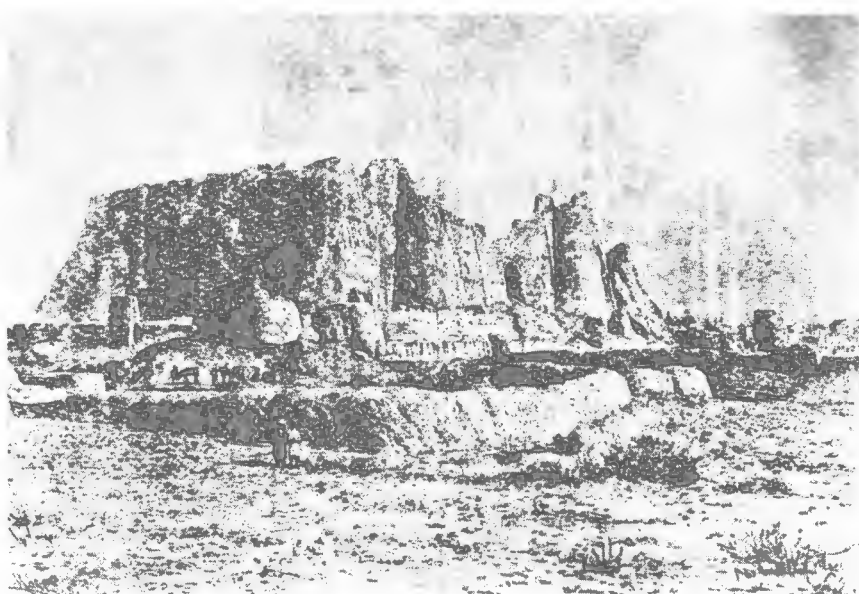


وصیت نامه مربوط به سال ۱۳۰۲ ه. ق.



دورنای ورامین

دورنمای ورامین - (اقتباس از سفرنامه مادام دیولافوآ).



ارک خرابه ورامین - (اقتباس از کتاب مادام دیولافوآ).



برج قدیمی ورامین - (اقتباس از کتاب کویرهای ایران - سونهدین).



درویشی از ورامین - (اقتباس از کتاب کویرهای ایران - سونهدین).

گفتار بیست و ششم

غارت و تخریب آثار تاریخی در این دوره^۱

چنانچه قبلاً گفته شد قسمت اعظم آثار ارزشمند هنری و معماری منطقه ورامین در دوره قاجاریه بوسیله بیگانگان به غارت رفته و با توجه به ناآگاهی و عدم شناخت ارزش واقعی این آثار بوسیله مردم و با دست خودشان تخریب گشته و در قبال مبلغ ناچیزی تحویل بیگانگان شده است. شاه و درباریان نیز در غارت این منابع ارزشمند ید طولایی داشتند چنانکه یکی از تفریحات ناصرالدین شاه عتیقه یابی و کندوکاو در اطراف آثار گذشتگان جهت دست یابی باین آثار بوده است. وضع قلعه ها و تپه ها صورت دیگری داشت و کشاورزان از خاک آنها جهت تقویت محصول صیفی استفاده میکردند در این قسمت به بعضی آثار و روند تخریب آنها و چگونگی آن اشاره می کنیم.

قلعه گبری یا ایرج: از اظهار نظر سیاحان خارجی و ناظران ایرانی که این قلعه را در دوره قاجاریه مشاهده کرده و درباره آن چیزی نوشته اند چنین برمی آید که در اوایل و اواسط دوره قاجاریه آثار برجهای اطراف قلعه باقی بوده و امین السلطان^۲ در گزارش خود تعداد آنها را ۳۶ و صنیع الدوله (اعتماد السلطنه)^۳ تعداد آنها را ۳۴ برج ذکر کرده است.

۱- در این قسمت در زمینه تاریخ و سبک و جنبه هنری این آثار بحثی نداریم و فقط به وضع این آثار در دوره قاجار و چیزهایی که از این آثار غارت شده و یا احتمالاً به بناهایی که در این دوره وجود داشته الان اثری از آن نیست اشاره می کنیم (برای اطلاع بیشتر در این زمینه خوانندگان عزیز می توانند به کتابهای جغرافیای تاریخی ورامین تألیف دکتر آذری و تاریخ ورامین تألیف سعید وزیری رجوع کنند).

۲- گزارش امین السلطان راجع به خوار و ورامین.

۳- مرآت البلدان اعتماد السلطنه جلد اول ص ۶۷۹.

اعتماد السلطنه درباره این قلعه شرح بیشتری داده است او در چهارطرف این قلعه چهار دروازه مشاهده کرده و می نویسد هنگام غلبه دشمن خارجی بر بلوك و رامین تمامی اهالی این بلوك اغنام و احشام خود را جمع کرده در زیر سیاه چادر نشسته و در این قلعه متحصن میشدند.

او در جای دیگر ادعا کرده که بر روی خشتهای قلعه به تفاوت آثار ۲ و ۳ و ۴ و ۵ انگشت را دیده که با احتمال زیاد کارگران خشت زن آنها بعنوان نشان علامت می گذاشتند تا در موقع گرفتن مزد کارکردشان معلوم باشد^۴.

امین السلطان در گزارش خود درباره این قلعه می نویسد در داخل قلعه مردم به کاوش جهت پیدا کردن دفاین مشغول بوده و آنها آبیاری کرده و شخم میزدند تا بهتر بتوانند خاک آنها زیر و رو کنند^۵.

یکی از بناهای با ارزش دیگر این منطقه که مورد دستبرد و غارت واقع شده امامزاده یحیی است سهم بنای این امامزاده در غارت از بناهای دیگر بیشتر است و هر قطعه از آثار ارزشمند این بنا در یکی از موزه های معروف دنیا وجود دارد. محراب زیبایی آن که کار علی بن محمد از خانواده های طاهری کاشان و از استادان بنام بوده اکنون در موزه فیلادلفیا نگهداری میشود^۶.

۴- درباره قلعه ایرج مردم آن حوالی مطلبی نقل می کنند به این صورت که در زمان بنای قلعه حاکم ظالم مرد و زن را به کارگل واداشته و از آنها بیگاری می گرفته است يك روز حاکم جهت بازدید به محل کار آمده بود وقتی به نزدیک زنی که او نیز مشغول لگد کردن گل بوده میرسد زن به محض نزدیک شدن حاکم سعی می کند بدن خود را از دید او بپوشاند حاکم درباره علت این کار از او سؤال می کند او در جواب می گوید حاکم نامحرم است حاکم می گوید مگر مردهای دیگر محرم هستند زن می گوید اصلا من در مرد بودن آنها شك دارم زیرا اگر مرد بودند چگونه تو می توانستی از آنها بیگاری بگیری حرف زن در مردهای کارگر ایجاد غیرت کرده و بطرف حاکم هجوم می برند و هر يك مشتى گل بر سر او می ریزند حاکم در میان توده ای از گل مدفون می شود.

۵- قبلا که کود شیمیائی برای تقویت زمین بکار گرفته نمی شد از خاک این قلعه استفاده می شد و قسمت زیادی از این قلعه اینگونه از بین رفته است.

۶- آشنایی با منطقه ورامین. جلال جنیدی. (جزوه پلی کپی).

سنگت قبر امامزاده نیز در همین دوره به سرقت رفته و فعلا در موزه لنینگراد شوروی نگهداری میشود.^۷ درب ورودی امامزاده که بسیار نفیس بوده نیز بنا بر نوشته دکتر آذری^۸ در این دوره بسرقت رفته و لابد در یکی دیگر از موزه‌های معتبر دنیا است. اما از سرقت کاشیهای کم نظیر آن بیشتر کسانی که درباره بنای این امامزاده اظهار نظر کرده‌اند^۹ سخن گفته‌اند از جمله مادام دیولافوآ در زمان ناصرالدین شاه که این بقعه را از نزدیک دیده و محو کاشیهای زیبای آن شده و سون هدین که در زمان مظفرالدین شاه از این منطقه عبور کرده سرقت کاشیهای امامزاده یحیی را به وسیله یک نفر متنفذ محلی یادآور شده است بخش مهمی از بنای این امامزاده نیز در دوره ناصرالدین شاه تخریب شده است.

قسمت قابل توجهی از کاشیها و گچ‌بری‌های مسجد جامع نیز در این دوره از بین رفته است. بی‌احتیاطی و عدم توجه باعث شده که چند بار آب از نهرهای اطراف از جمله نهر عمروآباد قسمت زیادی از این بنا را آب فرا گیرد بعضی جهت بنای خانه نیز آجرهای مسجد کنده و می‌بردند.^{۱۰} در اسناد دوره قاجار به اسامی تعدادی از قلعه‌ها و تپه‌هایی برمیخوریم که الان اسم و آثاری از آن نیست از جمله بناهای معروف به نقاره‌خانه که بعضی از آنها از جمله نقاره‌خانه‌ای که نزدیک فیلیستان قرار داشته بکار مشغول بوده و تعدادی از ساکنین فیلیستان عمل‌جات نقاره‌خانه معرفی شده‌اند در اراضی رین و باجک نیز بنای نقاره‌خانه بوده و در این دوره (ناصری) رو به خرابی بوده است.^{۱۱} در فاصله بین قریه عمروآباد و مسجد جامع و به فاصله پانصد متری عمروآباد بنای امامزاده‌ای بنام امامزاده اسحق واقع

۷- تاریخ ورامین. سمید وزیری صفحه ۲۸.

۸- جغرافیای تاریخی ورامین. تألیف دکتر علام‌الدین آذری دمی‌رچی ص ۴۰.

۹- از جمله سون هدین و مادام دیولافوآ.

۱۰- صورت املاک خالصه تهران - نسخه خطی - کتابخانه مرکزی - کتابخانه

آستان قدس.

۱۱- هنوز آثار کمی از این بنا باقی است.

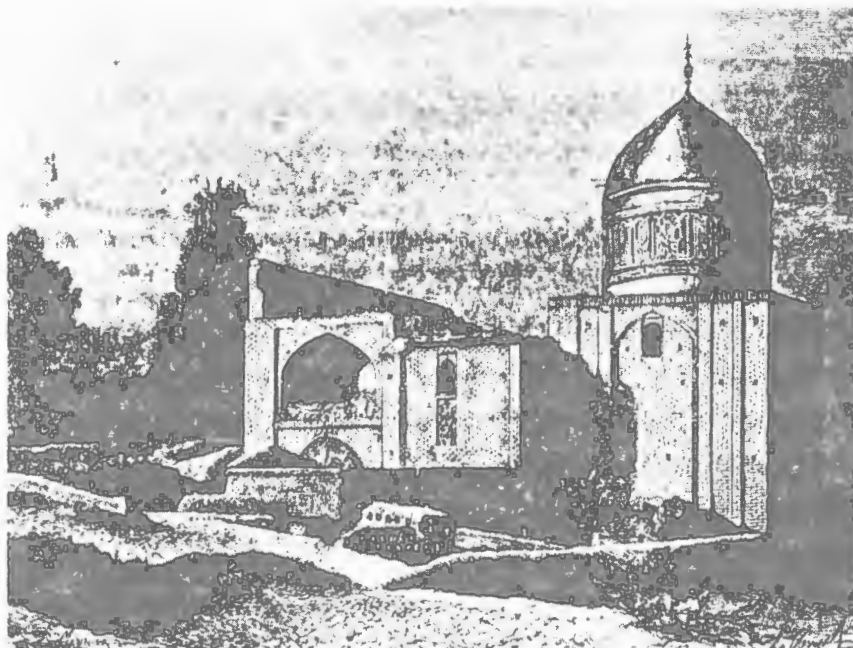
بوده و امروز اثری از آن نیست^{۱۲}. آثار قلعه بزرگی در اراضی طغان که مساحت آن را حدود ۵۰ خروار (۱۰۰ هکتار) ذکر کرده‌اند قلعه مدور و بزرگی در نزدیک فیلیستان بنام تریاق در کنار روستائی به همین نام. آثار دو تپه بزرگ در اراضی مینه و تپه‌های بزرگی در اطراف قریه شهرستان. ارگ شهر خندق عمیقی داشته و دارای راه زیرزمینی سرپوشیده بوده است که بنا بر آنچه مادام دیولافوا^{۱۳} نوشته در کمتر جایی دیده است.

دو برج قدیمی که تصویر یکی از آنها در کتاب مادام ژان دیولافوا وجود دارد و محل آن بطوریکه افراد مسن در ورامین اظهار می‌کنند در اراضی معروف به خرابه‌ها یعنی حدفاصل مسجد جامع و خیابان اسفندآباد یعنی همان اراضی که جهت بنای واحدهای مسکونی به کارمندان واگذار شده بوده است^{۱۴}. در دوره قاجاریه بعضی از ابنیه تعمیر و یا بنا شده‌اند از جمله بنای امامزاده جعفر که در زمان فتحعلی‌شاه قاجار قسمتی از آن ساخته شده و دیگر بنای امامزاده شاهزاده محمد ایجدان که در اواخر قاجاریه و به فرمان امین‌السلطان ساخته شده ولی هیچکدام از نظر هنر معماری قابل توجه نیستند.

۱۲- این امامزاده غیر از امامزاده قاسم عمروآباد است.

۱۳- ایران - کلبه - آشور. مادام دیولافوا ص ۱۵۲.

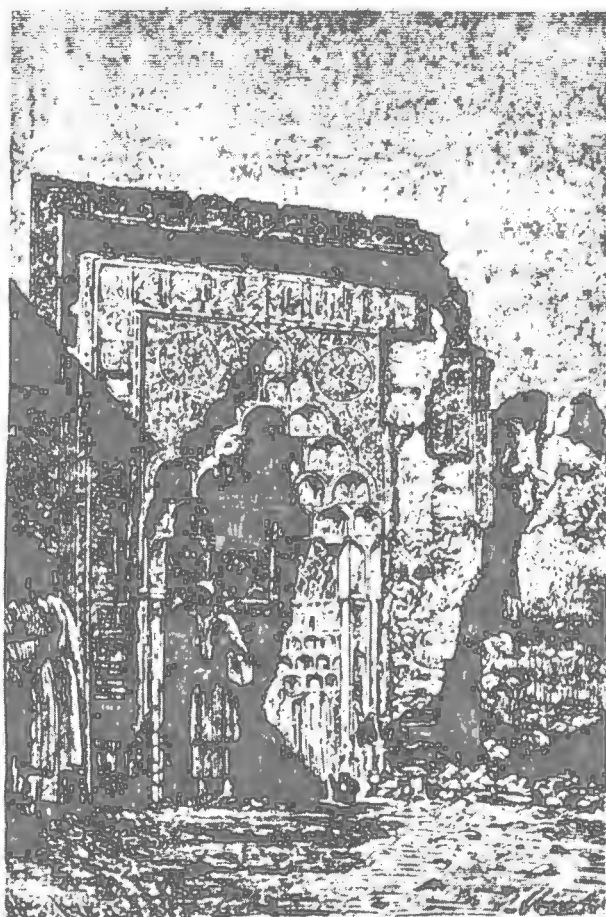
۱۴- این نکته قابل تذکر است که موارد فوق‌الذکر جزء ناچیزی است از آنچه در این سالها به غارت رفته یا تخریب شده است که اکثراً در هیچ جایی جز اذهان مردم این منطقه ثبت نشده است به‌عنوان نمونه معمربین روستای یوسف-رضا که در ۵ کیلومتری شمال شهر ورامین در جوار امامزاده‌ای به همین نام قرار دارد اظهار می‌کنند که در صحن امامزاده یوسف-رضا قطعه سنگ بزرگی به شکل قوچ وجود داشت. اهالی عقیده داشتند شخصی قوچی را نذر امامزاده کرده و برای قربانی آنرا به امامزاده می‌آورد ولی از قربانی کردن قوچ پشیمان می‌شود و بر خلاف نذر خود تصمیم می‌گیرد قوچ را به خانه بازگرداند ولی قوچ به‌سنگ تبدیل می‌شود این قوچ سنگی نیز دهها سال و شاید قرن‌ها در صحن امامزاده یوسف-رضا سرپا ایستاده بود ولی يك روز صبح موقعی که مردم برای رفتن به محل کار خود از کنار امامزاده عبور میکردند دیگر اثری از سنگ باقی نمانده بود.



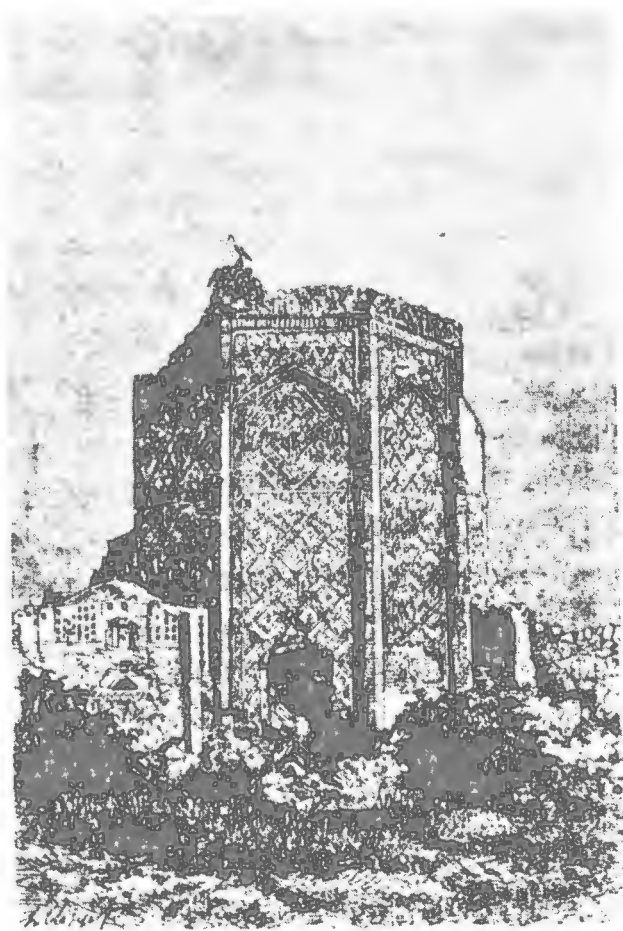
امامزاده جعفر ورامین (اقتباس از کتاب مادام دیولافوآ).



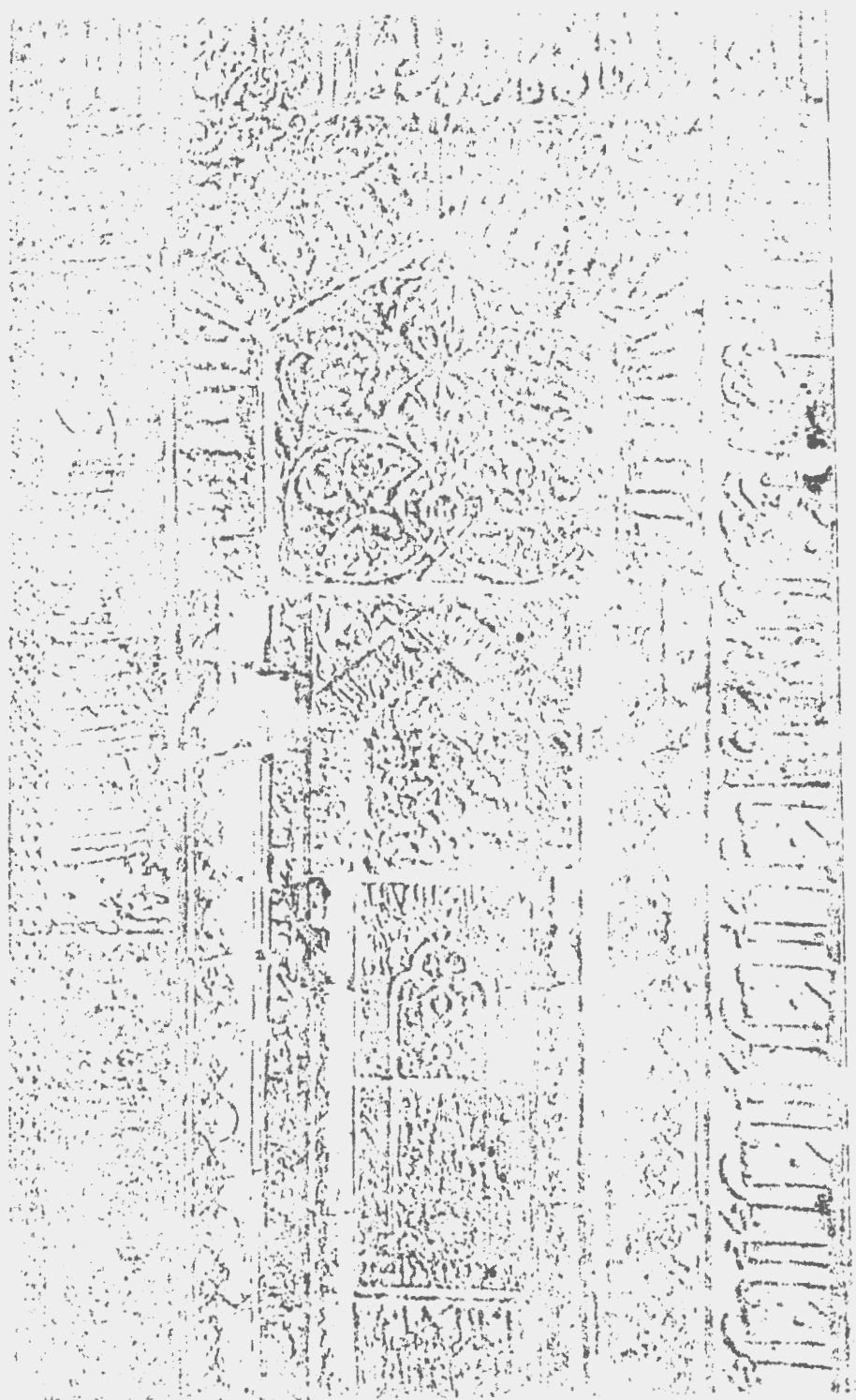
امامزاده یحیی در ورامین - (اقتباس از کتاب مادام دیولافوآ).



محراب امامزاده یحیی - (اقتباس از کتاب مادام دیولافوآ).



برج خرابه در ورامین - (اقتباس از کتاب مادام دیولافوآ).



محراب ورامین - (کار علی ابن محمد).

گفتار بیست و هفتم

ازدواج

در عقدنامه‌های به‌جا مانده از این دوره سن ازدواج زوجین ذکر نشده است ولی در آن میزان مهریه یا صداق و چگونگی پرداخت آن ذکر شده است.

عقدنامه‌ها معمولاً با عنوان «هو المؤلف بین القلوب» مشخص می‌شد. و با عبارت الحمد لله الذی احل النکاح و حرم الزنا... شروع می‌شد و بعد مشخصات داماد با عبارت الناکح - الرجل - عاقل البالغ - الرشید... ولد...

و مشخصات زوجه با عبارت والمنکوحه. المره. العاقله. الرشیده. الباکره. عفت عصمت... خانم بنت... مشخص می‌شد.

بعد از آن مقدار مهریه یا صداق با پول نقد مشخص می‌شد مبلغ مهریه‌ها در اواسط تا اواخر دوره قاجاریه از ۵۰ تا ۱۰۰ تومان بود که داماد موظف بوده است مبلغی از آنرا فی‌المجلس بصورت نقدی یا جنسی به خانواده عروس تحویل نماید. این مقدار ممکن بود به نصف مبلغ مهریه برسد ولی معمولاً کمتر از نصف مبلغ (صداق) مهر بود. مبلغ باقی‌مانده در ذمه زوج بود و در عقدنامه‌ها قید می‌شد در صورت مطالبه زوجه و با توجه به قدرت و استطاعت زوج قابل پرداخت است.

هو المولى الفاضل القلوب

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل المسح والتزويج والمجوس وحمى الزمان
والسلاح والحق والعدل والسر والسر على خيلته محمداً
آمين

قد اجبت البعد المأخوذ
والمرافعة ايما بالمرور
في الورقة السبعة البنية
التي هي من
المرافعة
التي هي من
المرافعة
التي هي من
المرافعة
التي هي من
المرافعة
التي هي من



المسح
توفي في شهر ربيع الثاني سنة ١٢٨٤ هـ
عاش في الدنيا ١٢٨٤ سنة

المرافعة
بشأنه كان انجبه به بالمرافعة
يكره ان يثاره ولا يثاره
في الجلسات
ورقية زوجه
ايما او قبول

عقد فامه مربوط به سال (١٢٨٤ هـ. ش).

نحوه رسیدگی به شکایات

مادام دیولافوا^۱ درباره رسیدگی به دعاوی و اختلافات و حکم-هایی که بوسیله کدخدا در ورامین صادر می‌شده و همینطور نحوه کشف سارق اطلاعات جالبی ارائه می‌دهد. او در این باره می‌نویسد «قضاوت در امور جزئی بسیار ساده و زود خاتمه پیدا می‌کند ولی مخارج مرافعه که برحسب ظاهر چیزی نیست غالباً زیاد میشود و طرفین دعوا باید هر يك چیزی بعنوان رشوه بقاضی بدهند و البته هرکدام زیادتر داد از محاکمه فاتح برمیگردد.»

او محل محکمه کدخدا را در ورامین بشرح زیر توصیف کرده است «محکمه کدخدا عبارت از سکوئی بزرگ و مربعی است که چندین نفر میتوانند روی آن بنشینند در ساعت پنج عصر مجرای آب را بطرف سکو باز می‌کنند و با لاوک چوبی سکو و اطراف آنرا آب می‌پاشند تا خنک شود و همینکه آب به زمین فرو رفت روی سکو را جاروب زده فرش نمدی میاندازند و بسته لحافی که مانند عدل پنبه در چادرشبی پیچیده بر روی آن می‌گذارند تا کدخدا به آن تکیه دهد.

مادام دیولافوا برای کدخدا در این محکمه ۲ نفر مشاور و يك میرزا ذکر کرده است. او در جای دیگر نحوه اقامه دعوی را بشرح زیر بیان کرده می‌نویسد «ابتدا مدعی به شکایت پرداخت و ادعای خود را تشریح می‌کرد. کدخدا و مشاورین و حتی طرف دعوا هم ساکت به حرفهای او گوش میدادند همینکه صحبت او تمام شد مدعی علیه به خطابه‌سرایی پرداخت و برای بطلان ادعا دلایلی اقامه کرد.

۱- ایران - کلد، آشور، ص ۱۵۵ و...

دیولافوآ احکام کدخدا را تقریباً منصفانه ذکر کرده می- نویسد «به سارق مرغ حکم کرد که باید در عوض يك مرغ دو مرغ بطرف بدهی یا چهارده شاهی (بهای دو مرغ) بهای آنرا بپردازی».

دیولافوآ در این زمینه داستانی بیان می کند که نشانگر ابتکار کدخدا در زمینه کشف جرم و شناخت سارق بوده است. باین صورت که شخص شاکی از چند نفر به عنوان کسانی که دستمال پول او را به سرقت برده اند شکایت می کند کدخدا متهمین را حاضر و آنها بعد از استماع اقاریر شاکی منکر ارتکاب جرم میشوند کدخدا برای مشخص ساختن سارق بهر کدام يك قطعه چوب که طول آنها یکسان بوده است می دهد و میگوید تا فردا چوب کسی که پول را دزیده قدری بلندتر از چوب دیگران میشود. سارق پول برای اینکه چوب او در روز بعد از چوب دیگران بلندتر نباشد قدری از آن می برد روز محاکمه کدخدا با مقایسه چوبها سارق را معرفی و او را محکوم به پس دادن پول وی و تحمل خوردن چوب می کند.

دیولافوآ^۲ یکی از جلسات قضاوت را که خود ناظر آن بوده بشرح زیر بیان می کند:

«باری کدخدا دیروز به شهر رفته است و نوکر مقرب او امشب قائم مقام او شده و به بسته رخت خواب تکیه داده و مشغول قضاوت است.

نانوایی وارد شد و به شکایت پرداخت که یکی از مشتریانم، مدتی است نان نسیه برده و وجه آنرا نپرداخته است و چون امروز از او مطالبه کردم می خواست نان های دکان را به زمین بریزد هر روز می آید و با خشونت نان میبرد اگر او را وادار نکنید که قرض خود را ادا کند من بیچاره و مجبور می شوم دکان خود را به بندم رفتار این مرد فتنه انگیز است و سرمشق بدی به دیگران می دهد.

قاضی طرف را احضار کرده از او پرسید - روزی چند دانه نان میبری؟

۲- ایران - کلد. آشور. مادام دیولافوآ ص ۱۵۵ و بعد.

مرد - شش دانه.

- قاضی، آنها را چه می‌کنی.

- یکی را نگاه می‌دارم و دوتا را پس می‌دهم و دو تای دیگر را به قرض می‌دهم و یکی را در واقع به‌دور می‌اندازم.

- قاضی، درست حرف بزن و مسخره‌بازی نکن که بد خواهی دید.

- مرد - همین‌طور است که گفتم - یکی را نگاه می‌دارم.

یعنی خود می‌خورم. دوتا را پس می‌دهم یعنی به‌پدر و مادر می‌دهم. دوتا را قرض می‌دهم یعنی به اطفال خود می‌دهم و یکی را هم دور می‌اندازم یعنی به‌مادرزنم می‌دهم.

قاضی. خندید و مثل اینکه می‌خواست از او حمایت کرده باشد به‌نانوا گفت فکری برای تو خواهم کرد».

گفتار بیست و نهم

ناامنی و آشفتگی وضع راهها

اطلاعات ما از وضع راهها در این دوره در منطقه ورامین نشان‌دهنده ناامنی و خرابی و آشفتگی وضع رفت و آمد مسافران است گرچه ناامنی و هرج و مرج در وضع رفت و آمد در تمام کشور حاکم بوده است ولی بنا بر اسنادی که در این زمینه بدست آمده اوضاع ورامین بمراتب آشفته‌تر از دیگر نقاط کشور بوده است.

سون‌هدین که هنگام عبور از جاده ورامین در حوالی فیروزآباد شب قصد اطراق داشته مجبور میشود هنگام استراحت در این محل پست دیدبانی برقرار کند^۱.

ملك‌زاده^۲ نیز در کتاب خود اشاره کرده که در سالهای بعد از التیماتوم در ورامین، غار و سمنان راهزنی و قتل و غارت با شدت ادامه داشته است. در همین زمان رشیدالسلطان نیز قسمتی از ورامین را قرق کرده و کار قتل و غارت و چپاول را بجائی رسانده که دولت علی‌رغم کم‌داشتن نیرو مجبور میشود جهت سرکوبی او از تهران نیرو اعزام کند^۳.

بعد از فتح تهران بوسیله مشروطه‌خواهان سالار جنگ یکی دیگر از شاهزادگان قجر با جمع‌کردن مقداری تفنگ و همدستی جمعی از قزاقها حتی از چرای اسبهای ایلخی دولت در مراتع این منطقه واقع در قلعه نوجامکاران جلوگیری میکرده و حتی ایلخی‌چی‌ها را به باد کتک می‌گرفته است^۴.

۱- کویرهای ایران - سون‌هدین ص ۱۶۴.

۲- تاریخ مشروطیت ص ۱۵۱۰ کتاب هفتم.

۳- تاریخ مشروطیت ص ۱۳۶۱ کتاب ششم.

۴- تاریخ مختصر احزاب سیاسی جلد اول. ملك‌الشعراى بهار. ص ۶۱.

ناامنی راهها در منطقه ورامین و کثرت چپاول و غارت در این محدوده باعث میشود هنگامیکه دولت برای ایجاد امنیت بفکر تأسیس سازمانی جدید بنام ژاندارمری بوسیله سوئدیها می‌افتد. و اقدام به ایجاد پاسگاههایی با نظارت آنها میشود ورامین جزو اولین نقاطی است که پاسگاه ژاندارمری در آن دایر میشود^۵. بعضی از افراد صاحب نفوذ از جمله شیخ محمود حتی از استقرار پاسگاههای ژاندارمری در محل خود برای مدتی جلوگیری میکردند.

علاوه بر ناامنی خرابی پلها نیز کار رفت و آمد را مشکل میساخته است نه تنها به راههای فرعی توجه نمیشده بلکه راه پر رفت و آمد خراسان - تهران را که از نظر عبور زائران حضرت رضا (ع) و اعزام نیرو به طرف خراسان و سرکوبی ترکمنها حساسیت خاصی داشته پل بر روی رودخانه جاجرود نداشته و مسافران و زائران با خطر و زحمت زیاد هنگام عبور از آن روبرو شده و سالانه تعداد زیادی از مردم در آب رودخانه غرق میشدند برای جلوگیری از غرق شدن عابران افرادی از روستا - های شمال ورامین از جمله حصار امیر و حصار کلک که در محل بآنها «آب باز» می‌گفتند کار عبور دادن مردم را از رودخانه انجام میدادند.

ظهيرالدوله شاهزاده صوفی مسلک قاجار که خود هنگام عبور از رودخانه با مشکل مواجه میشود تصمیم می‌گیرد بر روی این رودخانه پل بسازد او دستور حمل مصالح را به محل می‌دهد ساختمان پل آغاز می‌شود ولی قبل از اینکه ساختمان پل به اتمام برسد عمر ظهيرالدوله نیز تمام شده و پل را نیمه تمام باقی می‌گذارد. راههای شرق به غرب که در منطقه ورامین به دو شاخه می‌شده و شاخه‌ای از آن به طرف اصفهان و شاخه‌ای دیگر به سمت آذربایجان و مناطق غربی ادامه داشته در این دوره از رونق افتاده و در اواخر این دوره بیشتر ارزش منطقه‌ای داشته است بنا بر آنچه سون‌هیدین می‌نویسد کاروان‌های شتر از مناطق شرق و جنوب شرقی ورامین به سوی اصفهان در حرکت بوده‌اند.

۵- تاریخ مشروطیت - دکتر مهدی ملک‌زاده کتاب هفتم ص ۱۵۱۱.

گفتار سیام

سیاه‌کوه و اثر آن بر اوضاع اجتماعی ورامین

مجاورت بامنطقه سیاه‌کوه در دوره قاجاریه از جنبه‌های مختلف بر اوضاع اجتماعی ورامین تأثیر داشته است. این منطقه مآمن مناسبی بود برای کسانی که مورد تعقیب نیروهای دولتی قرار می‌گرفتند حتی بعضی از این افراد از جمله نایب‌حسین کاشی^۱ در محلی بین دو رشته کوه سفیدآب و ملک‌صدرا قلعه‌ای ساخته بود که هر وقت مورد تعقیب قرار می‌گرفت به این قلعه پناه می‌برد اکثر کسانی که در منطقه ورامین دست به غارت اموال مردم می‌زدند در صورتیکه مورد تعقیب واقع میشدند به این منطقه پناه می‌بردند.

بعضی از عشایر ورامین نیز برای چرای گله‌های خود معمولاً اواخر اسفند و ماه‌های فروردین و اردیبهشت را در این منطقه می‌گذرانند جنگ و ستیز این طوایف برای تصاحب مراتع و آبشخورهای این منطقه سابقه‌ای دیرینه دارد.

از آنجا که در منطقه سیاه‌کوه انواع شکار وجود دارد بعضی از سلاطین و رجال دوره قاجار برای شکار و تفریح در فصول مناسب سال در این منطقه اردو می‌زده و به شکار می‌پرداخته‌اند.^۲ آثار و ابنیه این منطقه که بیشتر متعلق به قبل از دوره قاجاریه است هنوز آنطور که باید مورد مطالعه و بررسی قرار نگرفته است در این قسمت به اجمال به بعضی از این آثار اشاره

۱- پارک ملی کویر ص ۸۴ و بعد (ظاهراً سیاه‌کوه از زمانهای قدیم پناهگاه دزدان بوده است در لغت‌نامه دهخدا به نقل از فرهنگ آنندراج آمده است: سیاه‌کوه نام کوهی است کشیده در میان ری و اصفهان و بیشتر دزدان در آن به راهزنی می‌پردازند).

۲- مجله یغما سال یازدهم به نقل از احمد مستوفی الممالکی.

میشود.

۱- آثار به جا مانده از دو بنای قدیمی در نزدیکی کوه سفیدآب که در فاصله ۲ تا ۳ کیلومتری چشمه سفیدآب واقع است این بناها را بعضی از قدیمی‌ترین آثار منطقه و مربوط به قبل از اسلام و از بناهای منسوب به بهرام‌گور و توقفگاه شکاری این پادشاه میدانند این گروه با نظر کسانی که بناهای مذکور را از کاروانسراهای واقع در مسیر جاده می‌دانند مخالف بوده و چنین استدلال می‌کنند که بنای کاروانسرا دلیلی نداشت در فاصله ۲ تا ۳ کیلومتری چشمه سفیدآب ساخته شود ولی توقفگاه شکاری ضرورت داشته از چشمه فاصله داشته باشد تا شکارها به راحتی برای خوردن آب چشمه نزدیک شده و رم نکنند. از این دو بنا یکی محل استقرار شاه و همراهان او بوده و دیگری اختصاص به زنان حرمسرا داشته است.^۲ مأمورین محیط زیست در منطقه این دو بنا را به نام‌های کاروانسرای سفیدآب و کاروانسرای لکاب می‌شناسند.

۲- بنای معروف به قصر بهرام که در فاصله ۷۰ تا ۶۰ کیلومتری جنوب شرقی ورامین واقع است این بنا متعلق به دوره صفویه و احتمالاً از کاروانسراهایی است که شاهان صفوی در مسیر راهها می‌ساختند این بنا عمدتاً از قطعات نسبتاً بزرگ سنگ‌های سفیدرنگ ساخته شده است این اثر سالم باقی مانده و مأمورین حفاظت محیط زیست یکی از پاسگاههای نگهبانی خود را در این محل مستقر کرده‌اند آب مورد نیاز این بنا از چشمه‌ای بفاصله ۲ تا ۳ کیلومتر و بوسیله سنگهای شیاردار که ردیف به دنبال هم بصورت نر و ماده سوار شده‌اند تأمین می‌شده است. آثار این «راه‌آب» سنگی نیز هنوز باقی است گروهی این بنا را نیز از قصرهای شکاری سلاطین صفوی میدانند در قسمتی از این بنا «شاه‌نشین» وجود دارد.

۳- بنای حرمسرا: این بنا در ۲ کیلومتری قصر بهرام واقع است. قسمت اعظم این بنا تخریب شده و فقط قسمتی از دیوارهای

۳- این قسمت عمدتاً از مقاله احمد مستوفی‌الممالکی مندرج در مجله یغما سال یازدهم اقتباس شده است.

آن باقی مانده است، این اثر از آجر ساخته شده است. از آنجا که در منطقه این اثر معروف به حرمسرا است احتمال دارد که محل استقرار زنان حرمسرای شاهان صفوی در هنگام شکار بوده باشد.

۴- بنای عین‌الرشید: که در فاصله ۴ تا ۲ کیلومتری دو بنای قبلی در کنار چشمه‌ای به همین نام قرار دارد، این بنا شبیه بنای حرمسرا است و از آجر ساخته شده و مخروطی است و فقط دیوارها و قسمتی از سردر ورودی آن باقی مانده است. سبک معماری این بنا و دو بنای قبلی خیلی به هم شبیه است در منطقه این بنا را محل قوشخانه سلاطین صفوی میدانند.

۵- قلعه دیر: این اثر از آثار قبلی جدیدتر است و در محلی بین سیاه‌پرده و مسیله قرار دارد و از آجر ساخته شده است.

۶- قلعه سردار (قلعه گهرشاهی): این بنا بین رشته‌کوه سفیدآب و ملک صدرا واقع است و در زمان قاجاریه بوسیله نایب حسین کاشی ساخته شده است. قلعه‌ای است محکم با دو ردیف دیوار بلند که بین آنها نیز گودالی بزرگ تعبیه شده است، این بنا بر خلاف آثار قبلی از خشت و گل ساخته شده است. این قلعه بر روی مظهر یکی از قنوات این منطقه ساخته شده تا در صورتیکه محاصره شد افراد داخل قلعه با کمبود آب مواجه نشوند.^۴ از

۴- مورخ‌الدوله سپهر در ص ۳۰۰ کتاب خود بنام «ایران در جنگ بزرگ» از قول مهدی‌خان آریان‌پور فرزند ارشد ماشاءالله خان درباره حرکت ماشاءالله خان پسر نایب‌حسین از این قلعه به طرف ورامین و تهران چنین می‌نویسد «اواخر پائیز سال ۱۳۳۴ قمری در قلعه گهرشاهی از طرف قوای دولتی در محاصره بودیم. قریب یک ماه از محاصره ما گذشته بود نزدیک غروب قاصدی به قلعه وارد شد و نامه‌های متعدد از آزادی‌خواهان طهران آورد که معلوم شد جنگ بین‌الملل اول بایران هم سرایت کرده و با آنکه دولت ایران بی‌طرفی کامل خود را اعلام نموده متأسفانه قشون روس آنها را نقض کرده و اغلب شهرهای شمال ایران را اشغال و به قزوین رسیده‌اند عده‌ای از آزادی‌خواهان کمیته‌ای بنام «کمیته دفاع ملی» تشکیل داده و از عموم عشایر و سران ایلات ایران برای مبارزه علیه قشون متجاوز روس دعوت نموده بودند به محض دریافت نامه ماشاءالله خان نیز مانند سایر سران ایلات و عشایر اختلاف با دولت مرکزی را فراموش نموده و جواب مساعدی به کمیته دفاع ملی فرستاد، نیمه شب ۱۴ محرم ۱۳۳۴ با کلیه سواران و قوای حاضر از کویر نمک به سمت طهران حرکت کردیم و موقعی که به ورامین رسیدیم اطلاع

آثار قابل ذکر منطقه سیاه‌کوه اثر به جامانده از سنگ‌فرش جاده ابریشم را نیز باید نام برد. همانطور که قبلاً اشاره شد قسمتی از منطقه سیاه‌کوه در دوره صفویه منطقه‌ای آباد و زراعی بوده و بنا برآنچه که حاج‌میرزا آقاسی در کتابچه املاک خود ثبت کرده آثار خرابه دهها روستا و قنات در اوایل دوره قاجاریه در بعضی نقاط آن باقی مانده است. احتمال زیاد دارد که بعد از استقرار افغانها در این منطقه و تخریب بسیاری از قنات و روستاها کویر بمرور در این منطقه پیشروی کرده باشد، جای پای افغانها را در این منطقه هنوز از اسامی که برای بعضی نقاط انتخاب شده میتوان دید از جمله این مناطق محلی بنام زندان افغان است.

یافتیم که دولت و احمد شاه به علت رسیدن روسها باطراف ساوه تصمیم به تغییر پایتخت و رفتن به اصفهان گرفته‌اند. در این موقع حسین‌زاده که یکی از آزادی‌خواهان آن وقت بود به نمایندگی از طرف کمیته نزد ما آمد و باتفاق او از راه ورامین به ساوه حرکت کردیم...»



قسمتی از نمای داخلی کاروانسرا (قصر بهرام).



قسمتی از نمای کاروانسرا (قصر بهرام).



درودی کاروانسرا (قصر بهرام).



بنای معروف به حرمسرا.



کاروانسرای عین الرشید در کنار چشمه عین الرشید.



در ورودی کاروانسرای عین الرشید.

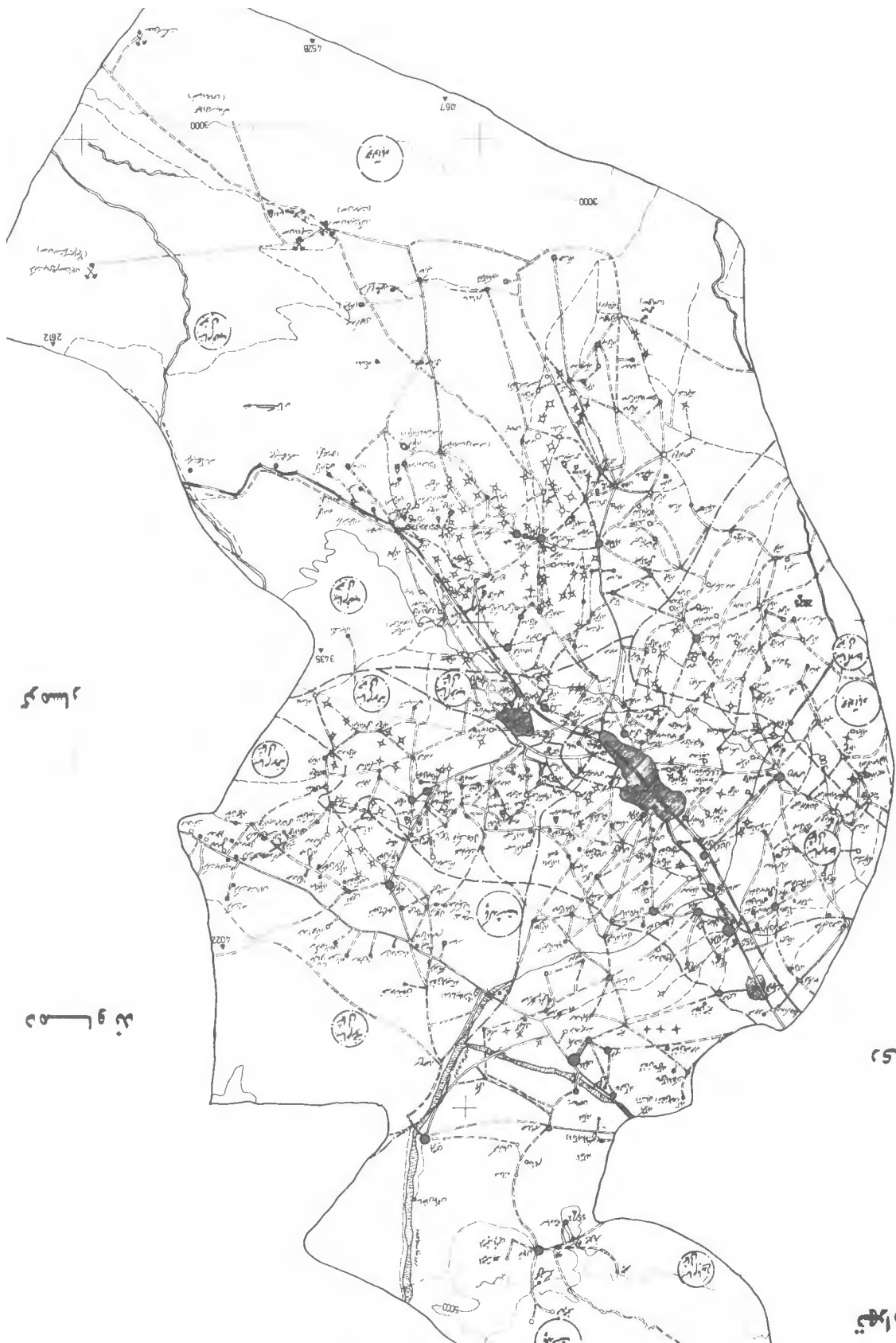


قلعه گهر شاهی - پناهگاه - نایب حسین کاشی.



قلعه گهر شاهی - پناهگاه نایب حسین کاشی.





تهران

۵

دماوند

کرسا

تهران

ری

دماوند

کرمسار



گفتار سی و یکم

اسامی روستاهای ورامین

در باره تعداد روستاهای ورامین ارقام و آمار ذکر شده متفاوت است. اهالی منطقه معمولاً رقم ۲۶۰ را در محاورات خود ذکر می‌کنند ولی تعداد واقعی آن از این عدد به مراتب کمتر است. بهر جهت مقداری از این اختلافات به علت این است که بعضی مناطق در برخی اسناد يك ده و در بعضی اسناد دود ده محسوب شده‌اند علاوه بر آن طی مرور زمان بعضی از روستاها خالی از سکنه شدند.

ما در این بخش به تعداد روستاهای ورامین در سال ۱۳۲۹ اشاره می‌کنیم.

اسامی روستاهای ورامین در سال ۱۳۲۹^۱

روستاهای بهنام پازوکی

- | | |
|---------------------|----------------------------|
| ۱- آفرین | ۱۰- حصار امیر |
| ۲- باقرآباد | ۱۱- حاجی‌آباد خالصه |
| ۳- پوئینک | ۱۲- خاتون‌آباد |
| ۴- پلشت | ۱۳- خورین - کتلان |
| ۵- جوتو (جیتو) | ۱۴- خسرو |
| ۶- چنگی | ۱۵- خلیف‌آباد |
| ۷- حصار بالا | ۱۶- صالح‌آباد |
| ۸- حصار قاضی | ۱۷- علی‌آباد ابوالقاسم‌خان |
| ۹- حسین‌آباد آقاخان | ۱۸- عباس‌آباد پازوکی |

۱- کتاب اسامی دهات کشور جلد اول - چاپ دوم - نشریه فروردین ماه

۱۳۲۹.

- | | | |
|-----|---------------------|------------|
| ۱۹- | محمودآباد خالصه | ۲۸- |
| ۲۰- | فردیس | ۲۹- |
| ۲۱- | قاسمآباد (عباسآباد) | ۳۰- |
| ۲۲- | قوه | ۳۱- |
| ۲۳- | قره بلاغ | ۳۲- |
| ۲۴- | قشلاق خدا بخش | ۳۳- |
| ۲۵- | قلعه نو پازوکی | ۳۴- |
| ۲۶- | قشلاق جوتو (جیتو) | ۳۵- |
| ۲۷- | کبود گنبد | یبروداغلان |

روستاهای بهنام سوخته^۲

- | | | |
|-----|-----------------------|-------------|
| ۳۶- | امامزاده جعفر (پیشوا) | ۵۴- |
| ۳۷- | ابراهیمآباد | ۵۵- |
| ۳۸- | پلنگدره | ۵۶- |
| ۳۹- | تجن (تجره) | ۵۷- |
| ۴۰- | جلیلآباد | ۵۸- |
| ۴۱- | چال تاسیان | ۵۹- |
| ۴۲- | چاله امید (مورت) | ۶۰- |
| ۴۳- | حصارک | (جام کاران) |
| ۴۴- | حیدرآباد سوخته | ۶۱- |
| ۴۵- | حصار مهتر | ۶۲- |
| ۴۶- | حبیبآباد | ۶۳- |
| ۴۷- | زواره بید | ۶۴- |
| ۴۸- | شریفآباد | ۶۵- |
| ۴۹- | شعیبآباد | ۶۶- |
| ۵۰- | شوشآباد | ۶۷- |
| ۵۱- | طارند | ۶۸- |
| ۵۲- | عباسآباد سوخته | ۶۹- |
| ۵۳- | علیآباد قرایی | یوسف آباد |

۲- همانطور که قبلا گفته شد ورامین به چهار بهنام بنامهای ۱- بهنام پازوکی ۲- بهنام سوخته ۳- بهنام عرب ۴- بهنام وسط تقسیم می شود.

روستاهای بهنام عرب

- | | |
|--------------------------|---------------------------|
| ۷۰- اکبر آباد | ۱۰۰- رستم آباد |
| ۷۱- احمد آباد عرب | ۱۰۱- رودبارك |
| ۷۲- ایجدان | ۱۰۲- زواره ور |
| ۷۳- اسد آباد | ۱۰۳- زلف آباد |
| ۷۴- امین آباد | ۱۰۴- سلمان آباد |
| ۷۵- ابراهیم آباد عرب | ۱۰۵- سوره |
| ۷۶- آب باريك | ۱۰۶- سنار دك |
| ۷۷- بوالعرض | ۱۰۷- شمس آباد |
| ۷۸- تپه مرجان | ۱۰۸- صدیق آباد |
| ۷۹- تقی آباد | ۱۰۹- طاهر آباد |
| ۸۰- تجره | ۱۱۰- طغان |
| ۸۱- جواد آباد | ۱۱۱- ظمیر آباد |
| ۸۲- جعفر آباد جنگل | ۱۱۲- علی آباد محیط |
| ۸۳- حصار علیا | ۱۱۳- عسگر آباد |
| ۸۴- حسین آباد منتصر | ۱۱۴- عزیز آباد |
| ۸۵- حسین آباد دفتری | ۱۱۵- علی آباد گر |
| ۸۶- حسن آباد عرب | ۱۱۶- عبدالله آباد |
| ۸۷- حصار حسن بیگ | ۱۱۷- علی آباد منتصر |
| ۸۸- حسین آباد عرب | ۱۱۸- فخر آباد |
| ۸۹- حصار کوچک | ۱۱۹- فتح آباد |
| ۹۰- حسین آباد | ۱۲۰- فرخ آباد |
| ۹۱- حاجی آباد سالار | ۱۲۱- قلعه بلند |
| ۹۲- حصار گلی | ۱۲۲- قلعه نو عرب |
| ۹۳- حاجی آباد عرب | ۱۲۳- قلعه خواجه تپه مرجان |
| ۹۴- حصار کلک | ۱۲۴- قلعه خواجه |
| ۹۵- حسین آباد کدخد احسین | ۱۲۵- کبیر آباد |
| ۹۶- حصار سرخ | ۱۲۶- کاظم آباد |
| ۹۷- خاوه | ۱۲۷- کریم آباد آقاخان |
| ۹۸- خنجر آباد | ۱۲۸- کمهریزك بوربور |
| ۹۹- دولت آباد | ۱۲۹- کریم آباد عرب |

- | | |
|--------------------|-------------------------|
| ۱۳۰- مبارکیه | ۱۳۴- مهدی آباد |
| ۱۳۱- معین آباد | ۱۳۵- محمد آباد فتح آباد |
| ۱۳۲- محسن آباد | ۱۳۶- هفت جوبه |
| ۱۳۳- محمد آباد عرب | ۱۳۷- هاشم آباد |

روستاهای بهنام وسط

- | | |
|-------------------------------|-----------------------|
| ۱۳۸- آجر بست | ۱۶۳- داود آباد |
| ۱۳۹- امیر آباد | ۱۶۴- دوازده امام |
| ۱۴۰- اقبالیه | ۱۶۵- ریحان آباد |
| ۱۴۱- امیر آباد خالصه | ۱۶۶- رضی آباد |
| ۱۴۲- ارم بو (ارم بویه) | ۱۶۷- سعد آباد |
| ۱۴۳- احمد آباد وسط | ۱۶۸- سرگل |
| ۱۴۴- ایجدانک | ۱۶۹- شمس آباد |
| ۱۴۵- باغچه الله قلی خان | ۱۷۰- شهرستان |
| ۱۴۶- باغ خواص (باغ خاص) | ۱۷۱- شکر آباد |
| ۱۴۷- جمال آباد | ۱۷۲- عسگر آباد وسط |
| ۱۴۸- جعفر آباد اخوان | ۱۷۳- عباس آباد کدخدا |
| ۱۴۹- چاله قازان (غازان) | ۱۷۴- فیلیستان |
| ۱۵۰- حیدر آباد وسط | ۱۷۵- قلعه سین |
| ۱۵۱- حسن آباد خالصه | ۱۷۶- قشلاق کریم آباد |
| ۱۵۲- حسین آباد باغ خاص | ۱۷۷- قاسم آباد اخوان |
| ۱۵۳- خواجه ولی علیا | ۱۷۸- قشلاق شمس آباد |
| ۱۵۴- خواجه ولی سفلی | ۱۷۹- قره چک |
| ۱۵۵- خیر آباد خالصه | ۱۸۰- کلاته |
| ۱۵۶- خیر آباد حاجی سلیمان قلی | ۱۸۱- کهنه گل |
| ۱۵۷- خالد آباد | ۱۸۲- کهنک |
| ۱۵۸- در بالا | ۱۸۳- کریم آباد ایجدان |
| ۱۵۹- ده وین | ۱۸۴- کاظم آباد |
| ۱۶۰- ده ماسین | ۱۸۵- کهریزک بختیاری |
| ۱۶۱- ده شریفا | ۱۸۶- گرگ تپه |
| ۱۶۲- دمر آباد | ۱۸۷- گل عباس |

- | | |
|------------------------|-------------------------|
| ۱۸۸- مهدی آباد وسط | ۱۹۵- نشاطیه |
| ۱۸۹- محمد آباد قره چک | ۱۹۶- نجف آباد ابوالحسنی |
| ۱۹۰- محمدیه | ۱۹۷- ورامین |
| ۱۹۱- موسی آباد وسط | ۱۹۸- ولیکه |
| ۱۹۲- موسی آباد بختیاری | ۱۹۹- همت آباد |
| ۱۹۳- محمود آباد | ۲۰۰- یوسف آباد خالصه |
| ۱۹۴- نجف آباد وسط | |

منابع و ماخذ

- | نام کتاب | نام مؤلف یا ناشر |
|---|----------------------------|
| ۱- اسامی دهات ایران | — |
| ۲- افضل التواریخ | غلامحسین افضل الملک |
| ۳- النقص | عبد الجلیل قزوینی |
| ۴- انقراض سلسله صفویه و
ایام استیلای افغانه در ایران | لارنس لکهارت |
| ۵- انقلاب مشروطیت ایران | ایوان الکسیوویچ |
| ۶- ایران امروز | اوژن او بن |
| ۷- ایران در جنگ بزرگ | مورخ الدوله سپهر |
| ۸- ایران در دوره سلطنت
قاجارها | علی اصغر شمیم |
| ۹- ایران - قاجاریه و مشروطه | مخبر السلطنه هدایت |
| ۱۰- ایران - کلد - آشور | مادام دیولا فوا |
| ۱۱- ایران و ایرانیان | ساموئل بنجامین |
| ۱۲- ایران و قضیه ایران | لرد کرزن |
| ۱۳- ایلات و عشایر | انتشارات آگاه |
| ۱۴- پارک ملی کویر | سازمان حفاظت محیط زیست |
| ۱۵- پیدایش و تحول احزاب
سیاسی | منصوره اتحادیه (نظام مافی) |

نام کتاب

نام مؤلف یا ناشر

- ۱۶- تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره قاجاریه
 ۱۷- تاریخ ادبیات در ایران
 ۱۸- تاریخ اقتصادی ایران
 ۱۹- تاریخ انقلاب مشروطه ایران
 ۲۰- تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده ۱۸
 ۲۱- تاریخ ایران در دوره قاجاریه
 ۲۲- تاریخ بیداری ایرانیان
 ۲۳- تاریخچه ساختمان ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان
 ۲۴- تاریخ رجال ایران
 ۲۵- تاریخ عضدی
 ۲۶- تاریخ گیتی گشا
 ۲۷- تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران
 ۲۸- تاریخ مشروطه ایران
 ۲۹- تاریخ نظامی و سیاسی دوران نادرشاه
 ۳۰- تاریخ ورامین
 ۳۱- تلاش آزادی
 ۳۲- جغرافیای تاریخی ورامین
 ۳۳- جغرافیای سیاسی ایران
 ۳۴- جغرافیای مفصل ایران
 ۳۵- جنبش بختیاریمها
 ۳۶- حرکت تاریخی کرد
- سعید نفیسی
 دکتر ذبیح الله صفا
 چارلز عیسوی
 دکتر مهدی ملک زاده
 چند نفر از دانشمندان
 واتسون
 ناظم الاسلام کرمانی
 یحیی ذکاء
 مهدی بامداد
 سلطان احمد میرزا (عضدالدوله)
 تحریر و تحشیه دکتر عزیزالله بیات
 ملک الشعراى بهار
 احمد کسروی
 ابوتراب سردادور
 سعید وزیری
 باستانی پاریزی
 دکتر آذری
 مسعود کیهان
 ربیع بدیعی
 دکتر نورالله دانشور علوی
 کلیم الله توحیدی

نام کتاب

نام مؤلف یا ناشر

- | | |
|--|--------------------------|
| ۳۷- حیات یحیی | یحیی دولت آبادی |
| ۳۸- خاطرات نظام السلطنه مافی | نظام السلطنه مافی |
| ۳۹- خاطرات و خطرات | مخبر السلطنه هدایت |
| ۴۰- دارالخلافه تهران | ناصر نجمی |
| ۴۱- دریای گوهر | دکتر مهدی حمیدی |
| ۴۲- دولت های ایران از آغاز مشروطیت تا اولتیماتوم | دکتر عبدالحسین نوایی |
| ۴۳- رجال عصر ناصری | دوستعلی خان معیر الممالک |
| ۴۴- روزنامه اخبار مشروطیت | احمد تفرشی حسینی |
| ۴۵- روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه | اعتماد السلطنه |
| ۴۶- روضة الصفا | میرخواند - رضاقلی هدایت |
| ۴۷- رهبران مشروطه | ابراهیم صفایی |
| ۴۸- زندگی حاج میرزا آقاسی | حسین سعادت نوری |
| ۴۹- سفرنامه بلوشر | بلوشر |
| ۵۰- سفرنامه خراسان | ناصرالدین شاه قاجار |
| ۵۱- سفرنامه فریزر | فریزر |
| ۵۲- سفرنامه کلاویخو | کلاویخو |
| ۵۳- سیاست موازنه منفی | حسین کی استوان |
| ۵۴- سی و دو مقاله جغرافیایی | دکتر محمدحسن گنجی |
| ۵۵- شرح زندگانی من | عبدالله مستوفی |
| ۵۶- فارسنامه ناصری | فسایی |
| ۵۷- کتاب آبی | احمد بشیری |
| ۵۸- کریم خان زند | دکتر عبدالحسین نوایی |
| ۵۹- کریم خان زند و زمان او | دکتر پرویز رجبی |
| ۶۰- کویرهای ایران | سون هدین |
| ۶۱- لغت نامه دهخدا | دهخدا |
| ۶۲- مالک و زارع در ایران | لمپتون |

نام کتاب

نام مؤلف یا ناشر

- ۶۳- مأموریت آمریکائیمها در ایران
۶۴- مرآت البلدان
۶۵- مردم شناسی ایران
۶۶- مطلع الشمس
۶۷- منتظم ناصری
۶۸- میرزا تقی خان امیر کبیر
۶۹- نامه های یوسف مغیث- السلطنه
۷۰- نزهة القلوب
۷۱- واقعات اتفاقیه در روزگار
۷۲- یادداشت هایی از زندگی خصوصی ناصرالدین شاه قاجار
میلسپو
اعتمادالسلطنه
هنری فیلد
اعتمادالسلطنه
اعتماد السلطنه
عباس اقبال آشتیانی
یوسف مغیث السلطنه
حمدالله مستوفی
محمد مهدی شریف کاشانی
دوستعلی خان معیر الممالک

سایر منابع

- ۱- آینده (مجله) سال دوازدهم شماره ۹ و ۱۰
- ۲- آشنایی با عشایر ایران (پلوکپی) محمد ترکمان
- ۳- آشنایی با منطقه ورامین (پلوکپی) جلال جنیدی
- ۴- اطلاعات (روزنامه) سه شنبه ۲۷ خرداد ۶۵
- ۵- پایان نامه دوره لیسانس (پلوکپی) علی اصغر عرب عامری
- ۶- پیام ورامین (نشریه) شماره ۴
- ۷- سالنامه آماری سال ۱۳۵۶
- ۸- نشریه بانک ملی شماره ۸۷ فروردین و اردیبهشت ماه ۱۳۲۶
- ۹- یغما (مجله) سال یازدهم

نسخه‌های خطی

- ۱- اسناد بنه‌های ورامین
- ۲- اسناد وزارت مالیه
- ۳- سفرنامه محمدعلی خان نائینی
- ۴- صورت املاك حاج میرزا آقاسی
- ۵- صورت املاك خالصه دارالخلافة
- ۶- وصیت‌نامه‌ها و عقدنامه‌ها